

# آینده حسابداری

شاید هنگام آن رسیده باشد که دست کم بعد از تشخیص ضرورت تهیه صورتهای مالی برای موسسات مالی از طرف هیئت استانداردهای حسابداری مالی که در اکتبر ۱۹۹۴ تدوین شده است اعتقاد پیدا کنیم که صورتهای مالی موسسات مالی می تواند طبق اصول اسلامی تهیه شود.

دکتر رضوان حجازی

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا

حسابداری را مورد بررسی قرار داده، و بر روی ماهیت جوامع اسلامی استوار شده است.

- دسته دیگری از نوشته‌ها در ارتباط با بحث چارچوب نظری است، به‌طور ویژه آن بخش که مربوط به افشاگری و معیارهای حسابداری در جامعه اسلامی است.
- سومین زمینه در ادبیات حسابداری، محتوای موضوع نظری را مورد بررسی قرار می‌دهد که در این رابطه نیز سوالاتی مطرح می‌باشد.

موضوعات فرهنگی، مذهبی و عملیات حسابداری

یک احتمال وجود دارد، البته نه لزوماً منطقی، که ارتباط بسیار روشنی بین مذهب و فرهنگ در زمینه کاربرد مذهب برای

مالی محدود به موسسات مالی می‌شود اما این نخستین تلاش مشخص برای تبدیل تئوری به عمل و اجرا در زمینه تهیه صورتهای مالی بر اساس اصول اسلامی است.

هم‌اکنون بیشتر سازمانهای تجاری ما روشها و فرمهای حسابداری را که از طرف کشورهای اروپایی و امریکایی از طریق شرکتهای چندملیتی و یا عوامل داخلی وارد شده‌اند مورد استفاده قرار می‌دهند.

شایسته است اکنون به مرور ادبیات حسابداری اسلامی بپردازیم.

مروری بر ادبیات حسابداری اسلامی

● یک دسته از نوشته‌ها، تا حدی که دربرگیرنده سوالات حسابداری باشد، ارتباط بین مذاهب، فرهنگ و عملیات

مباحثی که در حسابدار شماره ۱۳۳ به چاپ رسیده است بخش نخست مطالبی درباره آینده حسابداری است که این مطالب با توجه به حسابداری به صورت عام و بین‌المللی در شکل اصول پذیرفته شده حسابداری<sup>۱</sup> و بر اساس چارچوب نظری ارائه شده از طرف هیئت استانداردهای حسابداری مالی<sup>۲</sup> تدوین شده است. اما شاید هنگام آن رسیده باشد که دست کم بعد از تشخیص ضرورت تهیه صورتهای مالی برای موسسات مالی بر اساس اصول اسلامی که از طرف هیئت استانداردهای حسابداری مالی در اکتبر ۱۹۹۴ تدوین شده است اعتقاد پیدا کنیم که صورتهای مالی موسسات مالی می‌تواند طبق اصول اسلامی تهیه شود. هر چند هدف نهایی توصیه هیئت استانداردهای حسابداری

عملیات حسابداری یا برعکس موجود است.

به هر حال تمایل کنونی در ادبیات حسابداری به منظور جستجوی اثر فرهنگ بر عملیات حسابداری در بخشهای مختلف دنیا از جمله از سوی کسانی چون هافستد (Hofsted, 1980)، گری (Gray, 1988)، پیرا (Pirra, 1989) مطرح است که آن را مناسب و در خور تامل و احتمالاً مفید می‌دانند تا توجه دیگران به این نکته جلب شود که چنین نظراتی ممکن است شامل هر چیزی بر طبق اثر مذهب بر حسابداری باشد.

البته کاملاً روشن است که ارزشهای اسلامی با ارزشهای فرهنگی مورد استفاده هافستد (۱۹۸۰ و ۱۹۹۱) در خور مقایسه و مشترک نیست. فقط می‌توان گفت که بر اساس این دیدگاه، اسلام به مثابه یک عامل فرهنگی در نظر گرفته شده و نه بیشتر. گیرتز (Geertz, 1973) یک رویکرد متفاوت پدیدینه‌شناسی را برای پاسخ به سوالات دین و فرهنگ به کار گرفت.

البته هیچ یک از دیدگاههای فوق به طور مطلق درست یا نادرست نیست بلکه مطلب این است که کدام یک از این نگرشها بر اساس هدف مورد تحلیل قرار می‌گیرند. فرض کنید هدف ما تفسیر انسان‌شناسی جامعه‌شناسانه مربوط به ارتباط مذهب و فرهنگ که طبیعی‌ترین شکل قابل قبول است باشد. فرهنگ مجموعه‌ای از دریافتها و عقاید است (که احتمالاً بر رفتار اثر دارد) و بنابراین با رفتار اجتماعی در شکل آماری همبستگی دارد، که در کلام، به اجزایی از ارتباط زبانی یا کلامی تعریف شده، ارتباط داده می‌شود. عقاید مذهبی یک مجموعه فرعی از عقاید کلی به حساب می‌آید و بخشی از فرهنگ است. اگرچه این تعریف بسیار ساده‌اندیشانه است، اما قابل فهم است که نکته در یک وضعیت آزمایشی مورد

اسلامی به کار گرفته شود، آماده کردن زمینه مشخصی است برای مواردی که به عنوان زکات محسوب می‌شود و نیز مالیات دینی در انواع عقود اسلامی و مسائل خاصی است که در افشاگری باید در این عقود رعایت شود.

آیا اسلام در مقابل اخلاق سرمایه‌داری از مسیحیت مصونیت بیشتری دارد؟ به هر حال این حقیقت باقی می‌ماند که غرب مادی حتی خدمات ظاهری به محرمات رباخواری بر اساس مبنای عقلایی خود یعنی حمایت از عضو ضعیف‌تر جامعه را نیز انجام نمی‌دهد.

بر طبق نظر کریم ربا مربوط به طرز تلقی اسلامی نسبت به ارزش زمانی پول است، برخی از فقهای اهل تسنن بحث کرده‌اند که قانونی که ضد تغییر بهره است ارزش زمانی پول را به یک مفهوم غیرقابل قبول برای مسلمین تبدیل کرده است، این دیدگاه به هر حال در بین کلیه مسلمین مشترک نمی‌باشد. (Al- Abji 1985)

کریم در سال ۱۹۹۵ روشن می‌کند که پذیرش مفهوم ارزش زمانی پول باید به آسانی جایگاه دیگری را به دست آورد که ممنوعیت یا تحریم ربا قابل اجتناب باشد. از طرف دیگر انکار مفهوم ارزش زمانی پول مرکز نگرش ارزیابی استفاده شده در تئوری اندازه‌گیری حسابداری است.

حمید (Hamid, 1993) پیچیدگیهای احتمالی را که به دلیل مبادلات بین سازمانهای اسلامی ظاهر می‌شوند به منظور پذیرش فرمهای قابل انطباق با قوانین اسلامی تحقیق و بررسی می‌کند. اخیراً صورتهای مالی‌ای که توسط هیئت تدوین اصول حسابداری توصیه‌های تفصیلی بر اساس شکل گزارشگری شرکتیهای اسلامی<sup>۲</sup> را شامل می‌شود موضوع یاد شده را مشخص کند. هدفها و مفاهیم و صورتهای حسابداری مالی اسلامی<sup>۲</sup>

قبول به عنوان یک نقطه شروع بارز مطرح شود بدین معنا که اثر توانایی عقاید مذهبی بر عملیات حسابداری چیست؟ محتوای مذهبی هر فرهنگ انکارناپذیر است، زیرا آن عقاید می‌تواند به عنوان مذهب، آشکارا تاثیری متقابل با سایر عقاید داشته باشد و آنها را با محتوا تجهیز کند.

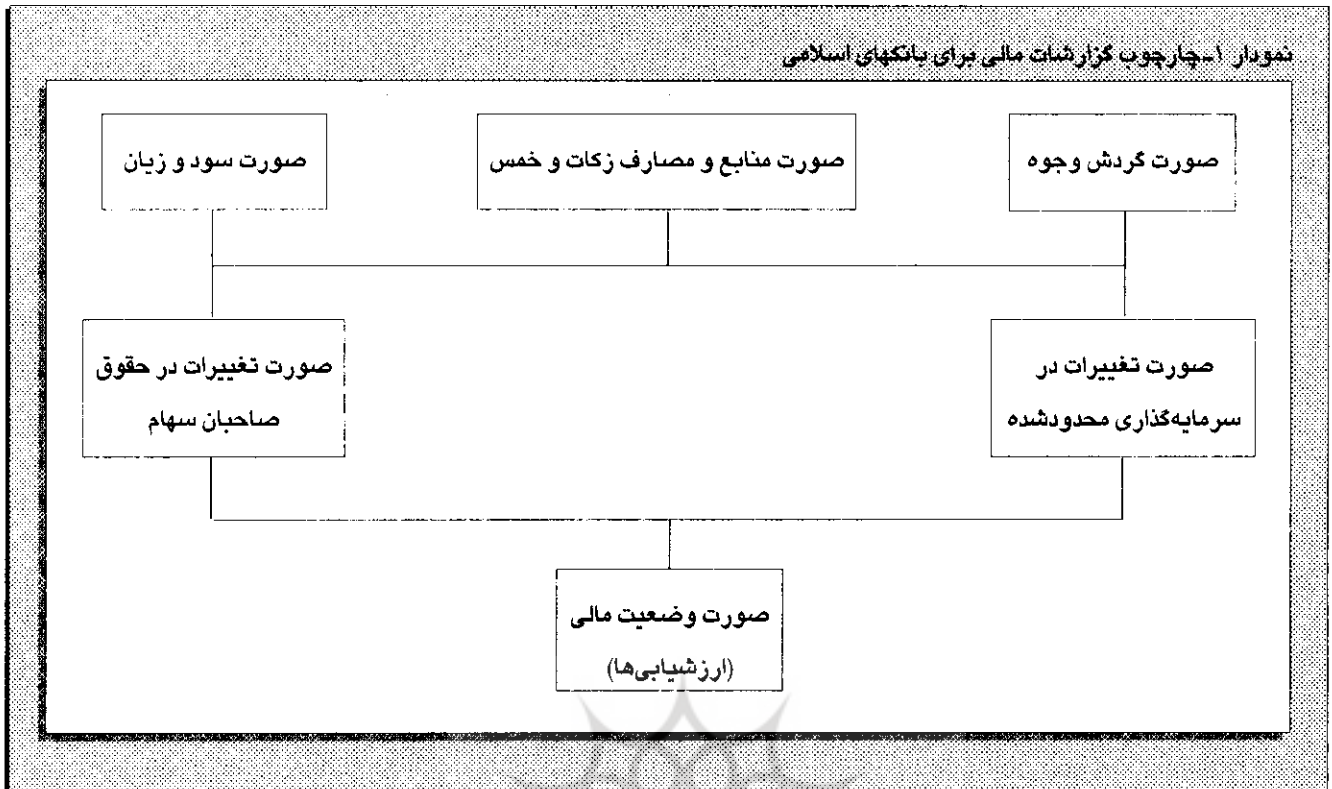
محتوای مذهبی به ویژه عقاید اسلامی به عنوان بخشی از فرهنگ باید به عنوان یک روش تدوین ساختار تحلیلی شناخته شود نه اینکه فقط به عنوان عاملی موثر به آن نگریسته شود.

#### جامعه اسلامی و حسابداری

جامعه اسلامی و حسابداری زمینه‌ای نسبتاً جدید در ادبیات حسابداری است. قرآن غالباً واجبات و محرمات را برای پیروان اسلام، طبق روندهایی که در تجارت و امور مالی اثر می‌گذارند به طور کاملاً خالص بیان می‌کند. این موارد به خوبی از طریق احادیث تفسیر می‌شوند و به وسیله اجماع فقهای اسلامی و احکام و فتاوی آنها لازم الاجرا می‌شوند. مثل ممنوعیت ربا و یا واجب بودن پرداخت خمس و زکات.

مقاله کریم و گمپلینگ (Karim & Gambling, 1986) در زمینه کشف اثر احتمالی نیازهای استفاده کنندگان مسلمان بر گزارشات مالی نگاشته شده است. این مقاله در حقیقت نقطه شروع حرکت است. او کشف می‌کند که اغلب ویژگیهای واجبات اسلامی که با آن مواجه هستیم برای هدایت طراحی مجموعه‌ای از گزارش شرکتیهای اسلامی دارای اهمیت است. اهمیت قرآن و سنت رسول‌الله و ائمه معصومین علیهم‌السلام، فقدان تصمیم بین امور دنیوی و روح مذهبی در زندگی، اهمیت امت و جامعه دینی، تحریم ربا و نتایج آن برای شرایطی که ممکن است توسط سازمانهای

## نمودار اسچارچوب گزارشات مالی برای بانکهای اسلامی



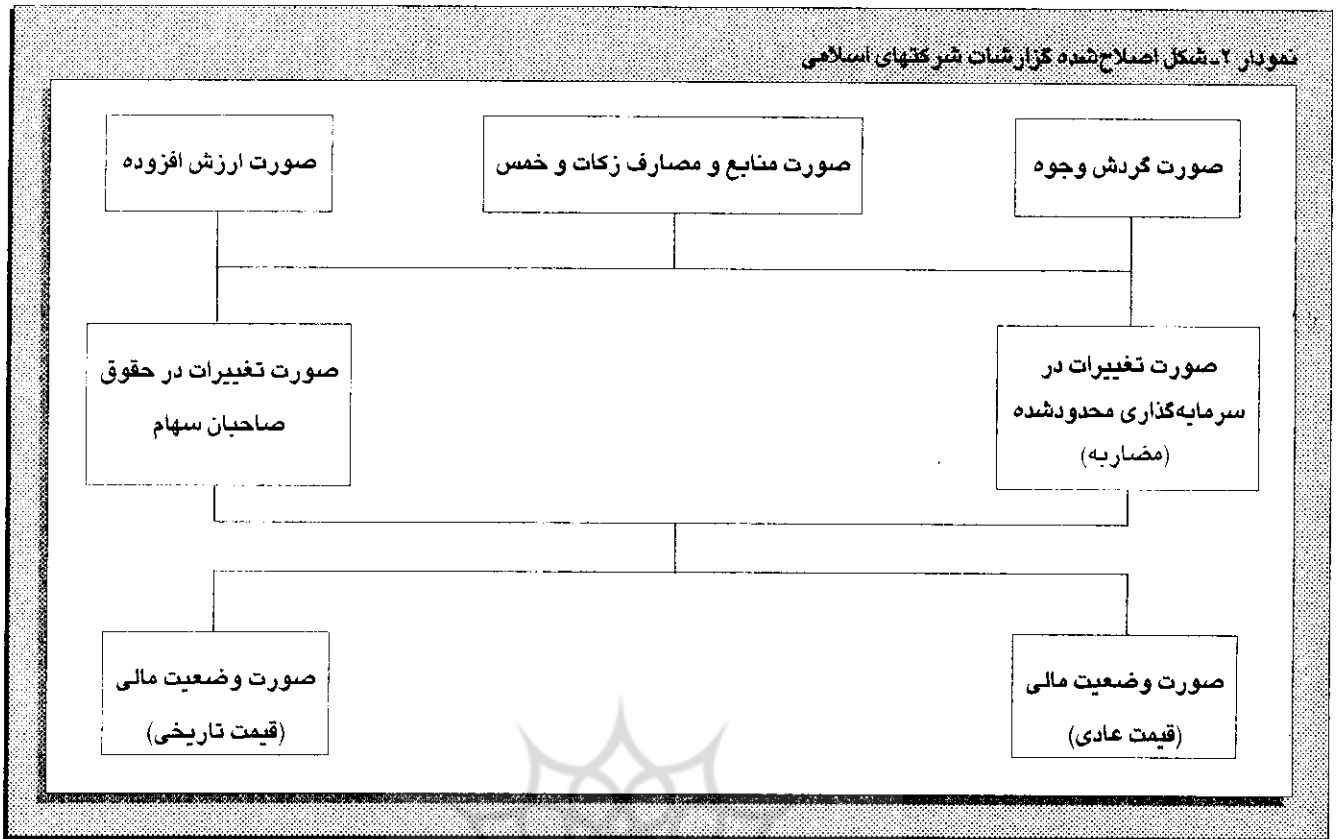
ارزشهای اخلاقی اسلامی سازگار است؟ نگرش ارزش اقتصادی به اندازه‌گیری حسابداری، دارای دو متغیر اساسی است: ۱- داراییهایی که مستقیماً با ارزشی که از طریق جایگزینی بازار قابل ارزیابی هستند؛ ۲- داراییهایی که با قیمت کمتری نسبت به وجوه نقد آتی حاصل از آنها اندازه‌گیری می‌شوند.

البته هیچ کدام از این متغیرها با یک مدل اندازه‌گیری واقعی یا عملی، سازگاری ندارند که بتوان آن را توصیه نمود.

آخرین موردی که به نظر محققان اسلامی در این زمینه وجود دارد ضرورت تهیه صورت ارزش افزوده به‌جای صورت سود و زیانی سنتی است. در اصطلاح اقتصادی ارزش افزوده عبارت است از خالص ما به‌التفاوت قیمت کالاها و خدمات واگذار شده به واحد تجاری نسبت به قیمتی که از سرمایه‌گذاری آنها حاصل می‌گردد. ارزش افزوده شرکتهای بزرگ که

دانشمندان حسابداری اسلامی مشخص گردد. این نمونه‌ای از مطالبی است که می‌تواند در تعیین چارچوب حسابداری اسلامی نقش داشته باشد. پس از تدوین چارچوب حسابداری ما می‌توانیم یک سیستم حسابداری را با توجه به اصول حاکم بر اسلام پایه‌گذاری کنیم. با آن‌که هنوز به روشنی معلوم نیست که ارزش زمانی پول به‌عنوان یک مفهوم در ارتباط با اصول اسلامی تا چه میزان ضروری است ولی یقیناً این همان نکته‌ای است که موجب راهنمایی محققان اسلامی به‌طور عقلایی به سمت این مطلب خواهد شد تا دانسته شود که در اسلام ارزشهای جاری در صورتهای مالی نسبت به بهای تمام شده تاریخی برتری دارند. بنابراین یکی از مطالبی که تئوری اسلامی حسابداری یا به‌طور ویژه تئوری گزارشگری شرکتهای اسلامی باید تهیه کند این است که آیا به‌طور عقلایی ارزشهای پیشنهادی برای داراییها با

مربوط به هیئت تدوین اصول حسابداری بر اساس قانون، اقتصاد و محیط اجتماعی یک جامعه اسلامی، نیازهای استفاده‌کنندگان مسلمان را از غیرمسلمانان متفاوت می‌داند. نگرش تهیه صورتهای حسابداری مالی<sup>۵</sup>، به هر حال، بر دیدگاهی سنت‌گرا استوار بوده است. موجودیت استانداردهای حسابداری غیراسلامی با توجه به اصول اسلامی باید مورد بررسی و آزمون قرار گیرد و فقط آن دسته از آنها پذیرفته شوند که با قوانین اسلامی سازگارند. در نمودار ۱ چارچوب گزارشهای مالی برای بانکهای اسلامی که توسط هیئت تدوین اصول حسابداری پیشنهاد شده (۱۹۹۴) نشان داده شده است. افزون بر این به نظر می‌رسد مسئله ارزش پول نیز یکی از مفاهیمی است که باید در تئوری حسابداری اسلامی مورد توجه قرار گیرد و این امکان‌پذیر نیست مگر اینکه دیدگاههای فقهای اسلامی در کل نسبت به این مطلب به وسیله محققان و



زندگی هزاران انسان و عامه مردم به اهمیت اقتصادی آنها بستگی دارد شامل دستمزدها، اجاره بها، سود مالیات، سود صاحبان سهام و سود تقسیم‌نشده شرکت می‌شود، از این رو نمودار ۱ را می‌توان به صورت نمودار ۲ اصلاح نمود.

به هر حال، به نظر می‌آید در ایران برای آینده حسابداری باید طرحی نو اندیشید و این مهم، میسر نمی‌شود مگر با تشکیل هیئتی متشکل از علمای اقتصادی اسلام و محققان حسابداری جهت تدوین یک چارچوب نظری گزارشگری مالی بر اساس معیارهای اسلامی.

جهت روشن شدن مطلب به نظر می‌آید دین اسلام یا اصولاً تفکر اسلامی دست کم به‌عنوان یک متغیر فرهنگی در اطلاعاتی که توسط حسابدار باید افشا شوند تاثیرگذار باشد. شاید بتوان دو اصل از اصول حسابداری اسلامی را به صورت زیر مشخص نمود:

● شکلی از توانایی محاسبه اجتماعی؛  
● قانون افشای کامل.

این مطلب باعث هدایت ما به یک سری تعدیلات فعلی در صورتهای مالی غربی می‌شود که ما آن را به‌عنوان یک گزارش از فعالیتهای شرکت‌های جمهوری اسلامی ایران در نظر می‌گیریم. به تازگی تحقیقاتی در کشورهای دیگر توسط گروه‌های اسلامی انجام شده است (البته گروه‌های غیراسلامی نیز در زمینه رابطه حسابداری و مذهب تحقیقاتی را انجام داده‌اند) و به‌طور خاص در ارتباط با این موضوع است که شکل صحیح حسابداری اسلامی چیست، و در این زمینه سمینارهایی نیز برگزار می‌شود (Nabil, Boydoun, 1997)

با این‌که در کشور ما مقررات و دستورات اسلامی به‌طور کاملاً نزدیک در زمینه‌های مختلف زندگی وجود دارد اما هنوز ویژگیها و عملیات حسابداری غربی بر رویدادهای اقتصادی حاکم است که خود

این مسئله باعث ایجاد این سوال است که آیا رفتاری به نام مقابله فرهنگی درباره صورتهای مالی غربی وجود دارد که با توجه به سیستمهای عقیدتی مختلف بی‌طرفی را حفظ کند؟ و یا، آیا این امکان وجود دارد که صورتهای حسابداری مالی غربی که در جوامع اسلامی مثل کشور ما مورد استفاده قرار می‌گیرد خارج از نیروهای استعماری و سیاسی اقتصادی باشد؟

آیا بررسی این موضوع واقعی یک مورد صرفاً اخلاقی است؟

شاید نباید پرسید چه هست؟ بلکه باید سوال کرد چه باید باشد؟ احتمالاً تحلیلهای ما نباید در سطح عملیات واقعی حسابداری قرار گیرد بلکه باید آن را در سطح باید باشد منظور نماییم.

همه این سوالات در دامنه معینی دارای یک پاسخ مثبت هستند. جنبه‌های تکنیکی معینی از صورتهای حسابداری مالی غربی وجود دارد که یک بُعد مقابله فرهنگی دارند.

# جدول محاسبه مالیات حقوق در سال ۱۳۷۹

دوانی - عبابی کویابی - میراسکندری

موضوع ماده ۸۴ جهت اطلاع خوانندگان درج می‌گردد. لازم به یادآوری است که حداقل حقوق و مزایای مشمول معافیت مالیاتی ۴۶۰.۰۰۰ ریال و حداکثر مشمول معافیت ۲۵٪ معادل ۲.۴۰۰.۰۰۰ ریال می‌باشد.

با توجه به مصوبه شماره ۶۹۶۱۸/ت ۲۲۶۴۴ هیئت وزیران مندرج در روزنامه رسمی مورخ ۷۸/۱۲/۲۶ در ارتباط با تعیین ضریب حقوق سال ۱۳۷۹ به مبنای عدد ۲۳۰، جدول مالیات حقوق و مزایای اشخاص حقیقی

مالیات سالانه	حقوق سالانه	مالیات ماهانه معاف	نرخ	حقوق ماهانه
معاف	۵.۵۲۰.۰۰۰	معاف		تا ۴۶۰.۰۰۰
			۹٪	از ۴۶۰.۰۰۱
		۳.۶۰۰		۵۰۰.۰۰۰
۹۰.۰۰۰	۶.۵۲۰.۰۰۰	۷.۵۰۰	۱۳/۵٪	تا ۵۴۳.۳۳۳
				از ۵۴۳.۳۳۴
		۱۵.۱۵۰		۶۰۰.۰۰۰
		۲۱.۹۰۰		۶۵۰.۰۰۰
۲۹۲.۵۰۰	۸.۰۲۰.۰۰۰	۲۴.۳۷۵	۱۸/۷۵٪	تا ۶۶۸.۳۳۳
				از ۶۶۸.۳۳۴
		۳۹.۶۸۸		۷۵۰.۰۰۰
۵۷۳.۷۵۰	۹.۵۲۰.۰۰۰	۳۷.۸۱۳	۲۶/۲۵٪	تا ۷۹۳.۳۳۳
				از ۷۹۳.۳۳۴
		۴۹.۵۶۳		۸۰۰.۰۰۰
		۷۵.۸۱۳		۹۰۰.۰۰۰
		۱۰۲.۰۶۳		۱.۰۰۰.۰۰۰
۱.۸۸۶.۲۵۰	۱۴.۵۲۰.۰۰۰	۱۵۷.۱۸۸	۳۰٪	تا ۱.۲۱۰.۰۰۰
				از ۱.۲۱۰.۰۰۱
		۲۴۴.۱۸۸		۱.۵۰۰.۰۰۰
		۳۹۴.۱۸۸		۲.۰۰۰.۰۰۰
		۴۵۴.۱۸۸		۲.۲۰۰.۰۰۰
۶.۱۷۰.۲۵۰	۲۸.۸۰۰.۰۰۰	۵۱۴.۱۸۸	۴۰٪	تا ۲.۴۰۰.۰۰۰
				از ۲.۴۰۰.۰۰۱
		۵۷۱.۵۲۱		تا ۲.۵۴۳.۳۳۳
۶.۸۵۸.۲۵۰	۳۰.۵۲۰.۰۰۰		۴۵٪	از ۲.۵۴۳.۳۳۴
		۷۷۷.۰۲۱		۳.۰۰۰.۰۰۰
		۱.۰۰۲.۰۲۱		۳.۵۰۰.۰۰۰
		۱.۲۲۷.۰۲۱		۴.۰۰۰.۰۰۰
۱۸.۱۰۸.۲۵۰	۵۵.۵۲۰.۰۰۰	۱.۵۰۹.۰۲۱	۵۰٪	تا ۴.۶۲۶.۶۶۷
				از ۴.۶۲۶.۶۶۸
		۱.۶۹۵.۶۸۸		۵.۰۰۰.۰۰۰
		۲.۱۹۵.۶۸۸		۶.۰۰۰.۰۰۰
		۲.۶۹۵.۶۸۸		۷.۰۰۰.۰۰۰
۲۳.۱۰۸.۲۵۰	۱۰۵.۵۲۰.۰۰۰	۳.۵۹۲.۳۵۴	۵۲٪	تا ۸.۷۹۳.۳۳۳
				از ۸.۷۹۳.۳۳۴
		۴.۲۱۹.۸۲۱		۱۰.۰۰۰.۰۰۰
		۹.۴۱۹.۸۲۱		۲۰.۰۰۰.۰۰۰
۱۴۷.۱۰۸.۲۵۰	۳۰۵.۵۲۰.۰۰۰	۱۲.۲۵۹.۰۲۱	۵۴٪	تا ۲۵.۴۶۰.۰۰۰
				از ۲۵.۴۶۰.۰۰۱

## توانایی نسبت‌های گردش وجوه نقد

حسابرس برای درک کامل موفقیت یک شرکت در حال رشد، بهتر است که چند نسبت ساده را بر اساس اطلاعات موجود در صورت گردش وجوه نقد صاحبکار محاسبه نماید.

*J.r.Mills and J.H.Yamamura*

ترجمه جمال‌الدین نظری

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه تهران

یعنی وجوه نقد موجود برای عملیات و سرمایه‌گذاری - تلخیص می‌کند.

سالها تجزیه و تحلیل‌کنندگان اعتباری و شرکت وال استریت باراکوداس (barracudas Wall street) از نسبت‌های صورت گردش وجوه نقد در افشاهای کاربردی بهره گرفته‌اند. آژانسهای عمده درجه‌بندی اعتباری<sup>۲</sup> شرکتها به‌طور چشمگیری از نسبت‌های گردش وجوه نقد در تصمیمات مربوط به درجه‌بندی شرکتها استفاده می‌کنند. دارندگان اوراق قرضه - بویژه سرمایه‌گذاران در اوراق قرضه کم اعتبار<sup>۳</sup> - و متخصصان حرفه‌ای مالی از نسبت‌های گردش وجوه نقد آزاد برای تعیین ریسک مربوط به سرمایه‌گذاریشان استفاده می‌کنند و این به دلیل آن است که نسبت‌های گردش وجوه نقد آزاد<sup>۴</sup>، مردم را در ارزیابی توانایی شرکت جهت مقابله با رکودهای اقتصادی متناوب یا کشمکش قیمتها در طول دوره یاری می‌نمایند. آیا مخارج عمده سرمایه‌ای طی یک سال معین موجه است؟ آخرین مرتبه‌ای که وجوه نقد به کمتر از حد مطلوب خود رسیده است اگر ساختار سرمایه شرکت ناگزیر تغییر کرده باشد حسابرس باید با چنین مبلغ کمبودی به‌عنوان یک زنگ خطر برخورد نماید.

بسیاری از حساب‌برسان و تا حد کمتری مدیران مالی شرکتها

بسیاری از حساب‌برسان، در مقایسه با صورت سود و زیان و ترازنامه وقت کمتری را صرف صورت گردش وجوه نقد می‌نمایند؛ که نباید این‌گونه باشد.

حسابرس برای درک کامل موفقیت یک شرکت در حال رشد، بهتر است که چند نسبت ساده را بر اساس اطلاعات موجود در صورت گردش وجوه نقد صاحبکار محاسبه نماید. بدون چنین اطلاعاتی او در بدترین شرایط - که ممکن است یک حسابرس در آن قرار داشته باشد - نتیجه‌گیری خواهد کرد. یعنی قبل از اینکه رسیدگی‌ای کرده باشد، اظهار نظر صریحی نسبت به وضعیت مالی صاحبکار ارائه داده است.

هنگام تجزیه و تحلیل نقدینگی، اطلاعات گردش وجوه نقد درخور اتکاتر از اطلاعات ترازنامه و صورت سود و زیان است. داده‌های ترازنامه ایستا هستند - یک نقطه واحد زمانی را اندازه‌گیری می‌کنند - و نیز صورت سود و زیان بسیاری از تخصیص‌های غیرنقدی اختیاری را شامل می‌شود که به‌عنوان نمونه، می‌توان از ذخیره بازخرید خدمت، استهلاك داراییهای ثابت و استهلاك داراییهای نامشهود نام برد. در مقابل، صورت گردش وجوه نقد تغییرات در سایر صورتهای گزارش و هنر دفترداری را با تمرکز به آنچه که سهامداران واقعاً نگران آن هستند -



شرکت بر مبنای تداوم فعالیت عبارت است از کل وجوه نقد آزاد<sup>۱۱</sup>، کفایت وجوه نقد<sup>۱۲</sup>، وجه نقد به مخارج سرمایه‌ای<sup>۱۳</sup> و وجه نقد به کل بدهی<sup>۱۴</sup>.

وام‌دهندگان، آژانسهای درجه‌بندی شرکتها و تجزیه و تحلیل‌گران از تمامی این نسبتها استفاده می‌کنند. حساب‌برسان نیز بسايد به زمان و نحوه استفاده از آن واقف باشند.

### چگونگی آزمون توانایی ایفای تعهدات با نسبتهای گردش وجوه نقد

اعتباردهندگان و وام‌دهندگان شروع به استفاده از نسبتهای گردش وجوه نقد نموده‌اند؛ چون این نسبتها در مقایسه با نسبتهای سنتی سرمایه در گردش ترازنامه، مانند نسبت جاری و نسبت آتی اطلاعات بیشتری را در ارتباط با توانایی شرکت در ایفای تعهدات پرداختنی ارائه می‌دهند.

هنگامی که مسئول وام و اعتبار، ریسک مورد انتظار اعطای وام به یک شرکت بخصوص را ارزیابی می‌کند بیشترین دغدغه او آن است که آیا شرکت توانایی بازپرداخت اصل و بهره وام را در موعد مقرر دارد یا خیر. نسبتهای سنتی سرمایه در گردش معرف میزان وجه نقد موجود شرکت در یک مقطع زمانی خاص در گذشته می‌باشند. از سوی دیگر نسبتهای وجوه نقد، با ارائه تصویری پویا از منابعی که شرکت می‌تواند برای ایفای تعهداتش وصول کند، میزان وجوه نقد تحصیل شده در یک دوره زمانی را با تعهدات کوتاه مدت مقایسه می‌کنند.

### نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی

صورت نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی وجوه نقد خالص حاصل از فعالیتهای عملیاتی را در برمی‌گیرد. این عدد رقم خالصی است که بعد از منظور کردن تغییرات مربوط به اقلام غیرنقدی و تغییرات سرمایه در گردش، از صورت گردش وجوه نقد به دست آمده است. مخارج کسر، کل بدهیهای جاری است که از ترازنامه استخراج می‌شود. نسبتهای گردش وجوه نقد عملیاتی با توجه به نوع صنعت به‌طور اساسی تغییر می‌کنند. به‌عنوان مثال صنایع تفریحی به دلیل ماهیت فعالیتشان وجوه نقد عملیاتی عمده‌ای را ایجاد می‌کنند؛ درحالی که صنایع سرمایه‌بر نظیر ارتباطات، وجوه نقد عملیاتی بسیار کمتری را ایجاد می‌کنند. حساب‌برسان به منظور ارزیابی نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی شرکت باید نسبتهای قابل مقایسه صنایع مشابه را نیز مدنظر قرار دهد.

نسبت به فراگیری چگونگی استفاده از نسبتهای گردش وجوه نقد اهمال کرده‌اند. طبق تجربه حساب‌برسان عموماً از روش ترازنامه‌ای یا چرخه معاملات استفاده می‌نمایند. هیچ یک از این روشها بر وجوه نقد یا صورت گردش وجوه نقد تاکید ندارند. در حالی که حساب‌برسان از صورت گردش وجوه نقد، برای اثبات حسابهای ترازنامه یا صورت سود و زیان و ردیابی اقلام پیش یا افتاده به صورت گردش وجوه نقد استفاده می‌کنند، استفاده آنها از نسبتها برای تجزیه و تحلیل‌های مربوط به وجوه نقد به نسبت جاری (بدهیهای جاری / داراییهای جاری) یا نسبت آتی (بدهیهای جاری / داراییهای جاری منهای موجودی) محدود می‌شود. بر اساس تحقیق اطلاعاتی به عمل آمده از ۵ موسسه حساب‌برسی بزرگ (Bigfive) و سایر شرکتهای ملی، با وجود اینکه این صورت بیش از یک دهه است که الزامی شده، حتی هم اکنون نیز رویه‌های حساب‌برسی آنها به طوری که از اطلاعات ارائه شده در صورت گردش وجوه نقد بهره بگیرند تغییر نکرده است.

ارزش نسبتهای گردش وجوه نقد به هنگام ورشکستگی دلبیو تی گران (W.T.grant) آشکار شد. تجزیه و تحلیل‌های متداول انجام شده طی حساب‌برسی سالانه، مشکلات شدید نقدینگی آن شرکت را که منجر به ورشکستگی شرکت طی مدت کوتاهی پس از آن شد، آشکار نمی‌کرد. درحالی که دلبیو تی گران نسبتهای جاری مثبت و نیز عواید مثبتی را نشان می‌داد؛ ولی در واقع بشدت دارای گردش وجوه نقد منفی‌ای بود که آن شرکت را از پرداخت بدهیهای جاری و سایر تعهدات به اعتباردهندگان ناتوان ساخت.

تعلیم دهندگان نیز تاکید زیادی روی صورت گردش وجوه نقد نداشته‌اند. متون حساب‌برسی عموماً تنها نسبتهای مبتنی بر ترازنامه و صورت سود و زیان همراه با بحثی کم یا بدون بحث در مورد صورت گردش وجوه نقد را در برمی‌گیرند. نسل بعدی حساب‌برسان نیازمند یادگیری نحوه استفاده از نسبتهای گردش وجوه نقد در حساب‌برسی می‌باشند؛ چون چنین معیارهایی در مکانهای تجاری به‌طور فزاینده‌ای اهمیت پیدا کرده است. هم اکنون نیز سرمایه‌گذاران و سایرین متکی بر چنین نسبتهایی می‌باشند.

به اعتقاد ما مفیدترین نسبتهای گردش وجوه نقد در دو طبقه کلی قرار می‌گیرند:

نسبتهایی جهت آزمون توانایی ایفای تعهدات و نقدینگی<sup>۵</sup> و نسبتهایی که معرف موفقیت یک شرکت در حال رشد می‌باشند. در طبقه اول که شاخصهای نقدینگی است مفیدترین نسبتها گردش وجوه نقد عملیاتی<sup>۶</sup>، پوشش گردش وجوه<sup>۷</sup>، پوشش بهره وجوه نقد<sup>۸</sup> و پوشش بدهی نقدی<sup>۹</sup> می‌باشند.

در طبقه دوم نسبتهای مورد استفاده برای ارزیابی توانایی یک

## نسبت گردش وجوه نقد عملیاتی معرف توانایی شرکت در ایجاد منابع جهت پرداخت بدهیهای جاری

### وجوه نقد حاصل از عملیات - بدهیهای جاری

نسبت پوشش بهره نقدی صورت کسر پوشش بهره نقدی، وجه نقد حاصل از عملیات به اضافه بهره و مالیات پرداختی را شامل می شود. مخرج کسر کل بهره کوتاه مدت و بلندمدت پرداختی را در بر می گیرد. این نسبت نشان دهنده توانایی شرکت جهت پرداخت بهره تمامی بدهیهای محتمل شده می باشد. شرکتهای با اهرم بالا<sup>۱۵</sup> نسبت پائینی را خواهند داشت و شرکتهایی که دارای توازننامه ای قوی باشند نسبت بالایی را خواهند داشت.

پوشش بهره نقدی: معرف توانایی شرکت جهت پرداخت بهره

وجوه نقد حاصل از عملیات + بهره پرداختی

+ مالیات پرداختی

بهره پرداختی

هر شرکت با نسبت کمتر از یک با احتمال خطر بالقوه کمبود وجوه نقد در کوتاه مدت مواجه است. این شرکت جهت پرداختهای بهره، باید وجوه نقد را از خارج سازمان تهیه نماید. نسبت پوشش بهره نقدی با نسبت پوشش قدیمی (که به عنوان نسبت پوشش بهره نیز شناخته شده است) مشابه می باشد. اما اگر چه صورت نسبت پوشش با سود استخراج شده از صورت سود و زیان آغاز می شود ولی صورت نسبت پوشش نقدی با وجوه نقد استخراج شده از صورت گردش وجوه نقد شروع می شود. پوشش بهره نقدی شاخص واقع بینانه تری از توانایی شرکت جهت پرداخت بهره های مورد نیاز را ارائه می دهد. اعداد سود تمامی هزینه های غیر نقدی نظیر استهلاک، عواید بازنشستگی و بعضی از مالیاتها را در بر می گیرد. در واقع ممکن است شرکتی با نسبت پوشش مبتنی بر سود قادر به پرداخت تعهدات پرداختی خود باشد ولی نقاب هزینه های غیر نقدی مشاهده آن را مشکل ساز نماید. نسبت پوشش مبتنی بر وجه نقد به وجه نقد موجود جهت پرداخت بهره نگاهی مستقیم دارد.

نسبت پوشش بدهی جاری نقدی

پوشش بدهی جاری نقدی: معرف توانایی شرکت جهت

بازپرداخت بدهیهای جاری

سود سهام نقدی - وجوه نقد عملیاتی -  
بدهی جاری

صورت کسر وجوه نقد حاصل از عملیات منهای سود سهام ۲۵ نقدی را شامل می شود که این نسبت نیز مجدداً تابع مستقیم نسبت

نسبت پوشش گردش وجوه صورت کسر سود قبل از بهره و مالیات به اضافه استهلاک داراییهای مشهود و نامشهود را شامل می شود ابیتدا<sup>۱۴</sup> (EBITDA)، که با وجوه نقد حاصل از عملیات متفاوت است. گردش وجوه نقد حاصل از عملیات، وجه نقد پرداختی بابت بهره و مالیات را شامل می شود، درحالی که (EBITDA) این گونه نیست. نسبت پوشش گردش وجوه مشخص می کند که آیا شرکت قادر است وجوه نقد کافی را برای ایفای تعهداتش (بهره و مالیات) تحصیل نماید؟ در نتیجه بهره و مالیات از صورت کسر حذف می شود. مخرج کسر، بهره به اضافه بازپرداخت بدهی و سود سهام که بابت مالیات تعدیل شده اند را در بر می گیرد. برای تعدیل مالیاتی، مبالغ به مکمل نرخ مالیاتی تقسیم می شوند. کل ارقام مخرج تعهدات اجتناب ناپذیر می باشند.

نسبت پوشش وجوه معرف پوشش مخارج غیر قابل اجتناب

سود قبل از بهره و مالیات استهلاک

بهره + بازپرداخت بدهی تعدیل شده بابت مالیات

+ سود سهام ممتاز تعدیل شده بابت مالیات

(برای تصحیح مالیاتی مبالغ را به مکمل

نرخ مالیاتی تقسیم نمایید)

حسابرس می تواند از نسبت پوشش گردش وجوه به عنوان ابزاری جهت ارزیابی احتمال خطر اینکه شرکت تعهدات کوتاه مدت مالی خود یعنی پرداختهای بهره، بدهیهای کوتاه مدت و سود سهام ممتاز را نتواند برآورده سازد، استفاده نماید. اگر نسبت پوشش گردش وجوه حداقل یک باشد، شرکت به دشواری می تواند به تعهدات کوتاه مدت خود عمل کند. برای ادامه حیات در بلندمدت، هر شرکت باید وجوه نقد کافی برای نگهداری اموال و تجهیزات در اختیار داشته باشد. برای بهبود موقعیت شرکت باید بتواند وجه نقد را مجدداً جهت توسعه سرمایه گذاری نماید. در نتیجه اگر پوشش گردش وجوه کمتر از یک باشد شرکت باید وجوه اضافی برای انجام تعهدات جاری عملیاتی اش تحصیل نماید. برای اجتناب از ورشکستگی شرکت باید تحصیل سرمایه جدید را نیز ادامه دهد.



است. صنایع زنجیره‌ای نظیر خانه‌سازی و اتومبیل‌سازی از این رقم انحراف بیشتری را نسبت به صنایع غیرزنجیره‌ای نظیر صنایع دارویی و نوشابه‌سازی نشان می‌دهند. همچنین این نسبت در صنایع در حال رشد قابل درک‌تر از صنایع پیشرفته نظیر نساجی می‌باشد.

**مخارج سرمایه‌ای: معرف توانایی شرکت جهت پوشش بدهی بعد از انجام مخارج سرمایه‌ای در اموال و تجهیزات**

### وجوه نقد حاصل از عملیات

#### مخارج سرمایه‌ای

نسبت کل بدهی (وجوه نقد به کل بدهی)

صورت کسر وجوه نقد حاصل از عملیات است و مخرج کسر کل بدهی - کوتاه‌مدت و بلندمدت - را در بر می‌گیرد. نسبت کل وجوه نقد به بدهی مستقیماً با آژانسهای درجه‌بندی اعتباری و متصدی وام و اعتبار مرتبط می‌باشد. این نسبت با این فرض که کل وجوه نقد حاصل از عملیات به بازپرداخت بدهی اختصاص داده شود دوره زمانی مورد انتظار را جهت بازپرداخت بدهی نشان می‌دهد. هر چه نسبت پایین‌تر باشد شرکت انعطاف مالی کمتری دارد و احتمال اینکه مشکلاتی در آینده پیش آید بیشتر می‌شود. حسابرس هنگام برنامه‌ریزی حسابرسی باید کمی انعطاف مالی را در تعیین قسمتهایی از حسابرسی که دارای ریسک بالایی می‌باشد به حساب آورد.

**کل بدهی: معرف توانایی شرکت جهت پوشش تعهدات بدهی آتی**

### وجوه نقد حاصل از عملیات

#### کل بدهی

نسبتهای خالص گردش وجوه نقد آزاد

نسبتهای دیگری که موفقیت یک شرکت در حال رشد را مشخص می‌کنند، مبتنی بر محاسبه خالص وجوه نقد آزاد می‌باشند. خالص گردش وجوه نقد آزاد<sup>۱۷</sup> هنوز به خوبی تعریف نشده است، اگر چه بانکداران در حال بررسی استاندارد کردن این محاسبات هستند به طریقی که مقایسه بین شرکتها و صنایع را تسهیل کند، ولی ما نسبت کل گردش وجوه نقد آزادی (TFC) را پیشنهاد می‌کنیم که اولین بار توسط بانک نوادا (Nevoda) جهت استفاده در تعیین شرایط قرارداد وام به کار گرفته شد. این محاسبه مزیت به حساب گرفتن اجاره‌های عملیاتی و پرداختهای اجاره را نیز در بر دارد.

ادامه در صفحه ۶۴

سال چهاردهم شماره صد و شش

پوشش (بدهیهای جاری / سود) می‌باشد - اما به طریقی واضح تر - چون سیاست توزیع سود مدیریت و آثار بعدی آن را بر وجه نقد موجود جهت ایفای نقش تعهدات بدهی جاری عنوان می‌کند. همانند نسبت پوشش بهره، نسبت بدهی جاری درجه توانایی شرکت را جهت بازپرداخت بدهیها نشان می‌دهد. نسبت بالاتر نشان‌دهنده سطح ایمنی بیشتر می‌باشد. اما در شرایطی که شرکت توانایی انجام تعهداتش را داشته باشد مشابه بیشتر نسبتها سطح مناسب با توجه به خصوصیات تغییر می‌نماید.

چگونگی استفاده از نسبتهای وجوه نقد به عنوان معیار سلامت مالی<sup>۱۶</sup> علاوه بر سوالاتی در مورد توانایی انجام تعهدات کوتاه‌مدت شرکت، حسابرس نیازمند اندازه‌گیری توانایی صاحبکار برای انجام تعهدات عملیاتی و مالی مداوم و توانایی توسعه مالی شرکت می‌باشد.

میزان توانایی شرکت جهت بازپرداخت یا تامین مالی مجدد بدهیهای بلندمدت چگونه است؟ آیا شرکت قادر است سود سهام پرداختی فعلی به سهامداران را ادامه یا افزایش دهد؟ آیا شرکت می‌تواند سرمایه جدید تحصیل کند؟ بانکها، آژانسهای درجه‌بندی اعتباری شرکتها و تجزیه و تحلیل‌گران سرمایه‌گذاری همگی با این گونه سوالات بسیار مرتبط می‌باشند. در نتیجه نسبتهای زیادی را برای پاسخ به این سوالات بسط داده‌اند. حسابرس نیز که با افشای کامل بیشتر در ارتباط می‌باشد، هنگام برنامه‌ریزی می‌تواند از این نسبتهای برای تعیین مواردی که نیازمند بررسی بیشتر می‌باشند استفاده نماید.

نسبت مخارج سرمایه‌ای

صورت کسر حاوی وجوه نقد حاصل از عملیات می‌باشد و مخرج کسر مخارج سرمایه‌ای است. شرکتی که به لحاظ مالی توانمند باشد قادر خواهد بود که تامین مالی لازم را جهت رشد و توسعه انجام دهد. این نسبت سرمایه موجود جهت سرمایه‌گذاری داخلی و پرداخت بدهیهای موجود را نشان می‌دهد. هنگامی که نسبت مخارج سرمایه‌ای بیشتر از یک باشد شرکت وجوه نقد کافی جهت انجام مخارج سرمایه‌ای و بازپرداخت بدهیها را در دسترس خواهد داشت. هر چه ارزش این نسبت بالاتر باشد شرکت وجوه نقد اضافی بیشتری جهت ارائه خدمات و بازپرداخت بدهیها در اختیار خواهد داشت. مشابه همه نسبتها ارزشهای مناسب با توجه به خصوصیات هر صنعت متفاوت

# آموزش حسابداری - تنگناها و راهکارها

منصور گرکز

مدیر گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول

## مقدمه

یکی از مشکلات جامعه ما مسئله آموزش به طور اعم و در حوزه کار حسابداری مشکل آموزش حسابداری است که حل مشکلات و تدوین برنامه تحول آن برای آینده بر عهده ماست.

آموزش حسابداری باید مطابق با شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و ... هر کشور باشد. ترجمه صرف کتابهای حسابداری خارجی و آموزش آن بدون تطبیق با نیازهای محلی و محیطی کشور، روش مناسب و صحیحی به شمار نمی‌رود. بریستون (Briston) می‌گوید: "هر کشوری ویژگیهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی خاص خود را دارد و به احتمال بسیار، هدفها و نیازهای اطلاعاتی مدیران اقتصادی هر کشور نیز نسبت به کشور دیگر متفاوت است، در نتیجه هر کشور باید تشویق شود که به جای تقلید، ساختاری مناسب با نیازهای خود طراحی و اجرا نماید".

همبستگی بسیار زیادی میان آموزش و توسعه وجود دارد، بنابراین آن دسته از کشورهایی که منابع مالی عظیمی صرف آموزش می‌کنند در حقیقت گام بلندتری در جهت توسعه اقتصادی برمی‌دارند.

## آموزش حسابداری در ایران

به موازات پیشرفت جامعه اقتصادی، در زمان انقلاب مشروطه، حسابداری و حسابرسی نوین، آن هم برای کنترل دخل و

## خرج دولت پدید آمد.

بدین ترتیب اولین تجربیات حسابداری، در بخشهای عمومی ایران شروع شد و بعدها به بخشهای خصوصی تسری یافت، و در واقع در مقطع خاصی سیر تحول حسابداری در ایران برخلاف سیر تحول حسابداری در اروپا رونق گرفت. آغاز تحول حسابداری نوین در ایران با پیدایش و تالیف اولین کتاب حسابداری به شیوه امروز بنام المقصدالاسنی به تالیف میراسماعیل عبدالله زاده قفقازی بود. این کتاب در سال ۱۲۸۱ ه. ش مطابق با سال ۱۳۲۳ ه. ق در تهران منتشر گردید، و در سال ۱۲۹۰ ه. ش تدریس رشته حسابداری در مدرسه دارالفنون آغاز شد.

در حال حاضر این رشته در مقطع کارشناسی در ۱۷۰ مرکز دانشگاهی دولتی و قریب به ۵۰ واحد دانشگاه آزاد اسلامی و در دوره‌های کارشناسی ارشد در سه دانشگاه دولتی و دو مرکز دانشگاه آزاد اسلامی آموزش داده می‌شود.

نظام آموزش حسابداری به عنوان جزئی از نظام آموزش عالی کشور دارای یک سری مشکلات است که باعث گردیده حسابداری رشد و اعتلای چشمگیری نداشته باشد و در نتیجه نتواند به نیازهای جامعه خود پاسخ کافی بدهد. در این بخش قصد داریم موانع رشد آموزش حسابداری در ایران و عواملی را که می‌تواند در اثربخشی و اعتلای آموزش حسابداری موثر باشد جستجو نماییم:

## کمبود استادان و هیئت علمی

کمبود استادان و اعضای هیئت علمی واجد شرایط یکی از مشکلات عمده آموزش حسابداری در ایران است. در تحقیقی که نتیجه آن تحت عنوان اعتلای آموزش حسابداری در کشورهای در حال توسعه - بررسی موردی ایران توسط دکت. علی ثقفی و دکتر عادل محمدزاده انجام گرفت و نتیجه آن در کنفرانس بین‌المللی سال ۱۹۹۲ واشنگتن دی‌سی ارائه گردید بیان شده است که یکی از علل عمده عدم رشد آموزش حسابداری در ایران نداشتن استادان زبده به اندازه کافی است و اکثر استادان با تجربه در چند شهر عمده به تدریس مشغول هستند.

اکثر استادان به دلیل مشکلات اقتصادی برای تامین زندگی خود به تدریس در چندین دانشگاه می‌پردازند یا به فعالیتهایی غیر از تخصص خود مشغول هستند.

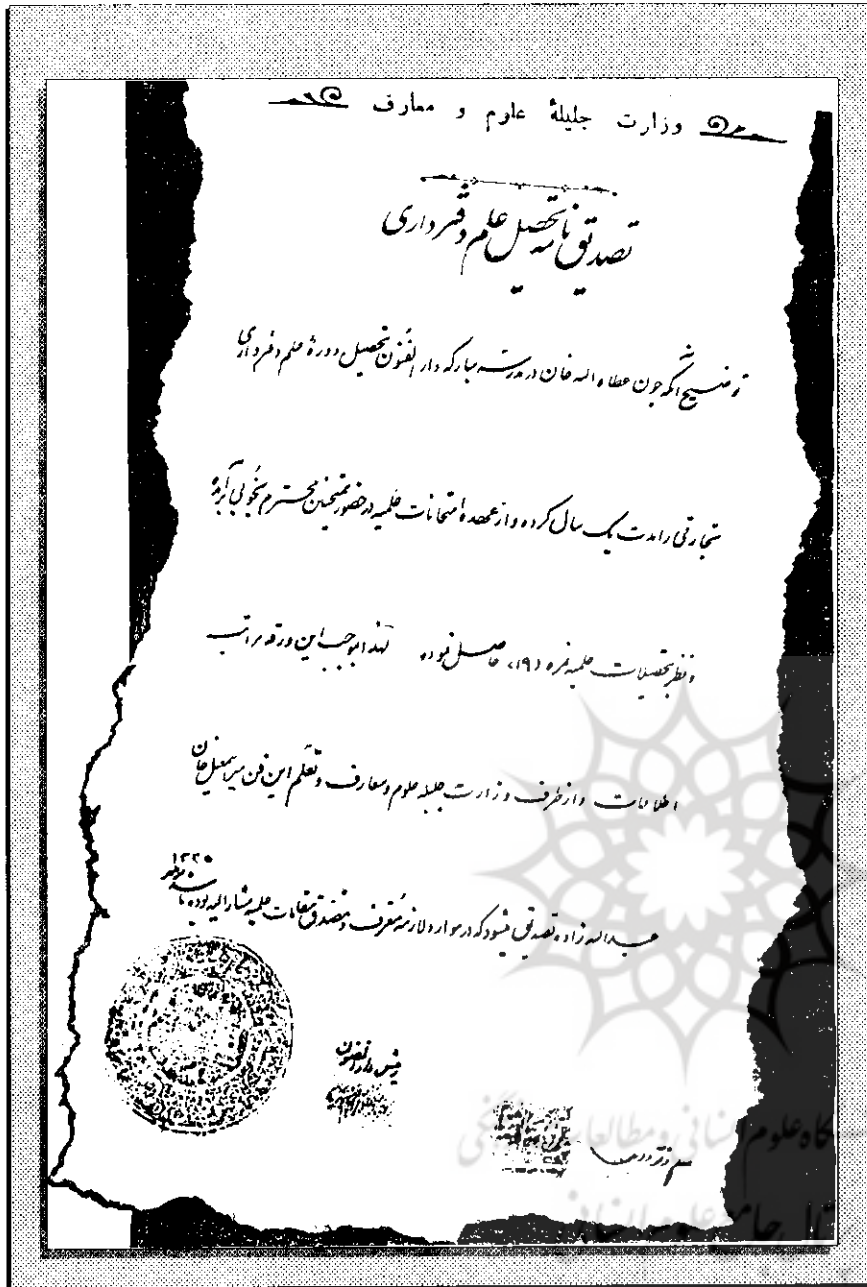
انتون (Anton) کمبود استادان زبده و با صلاحیت علمی را یکی از ضعفهای اساسی آموزش حسابداری در کشورهای در حال توسعه می‌داند و معتقد است که با پرداخت حقوق مناسب می‌توان استادان دارای صلاحیت را جذب سیستم آموزش حسابداری نمود. همچنین به نظر نگارنده مقاله، استفاده از وجود حسابداران حرفه‌ای و دعوت از آنها به کلاسهای دانشگاهی، موجب اعتلای آموزش حسابداری خواهد شد، زیرا معمولاً افرادی که در حرفه اشتغال دارند بهتر از سایر افرادی که حرفه‌ای نیستند

می‌توانند مطالب حسابداری را برای دانشجویان تفهیم نمایند.

یکی از راههای افزایش استادان مجرب فراهم ساختن زمینه امکان ادامه تحصیل برای مدرسان است. متأسفانه اکنون اکثریت قاطع مدرسان این رشته در تمام دانشگاهها حتی دانشگاههای معتبر دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس می‌باشند. علاوه بر موارد فوق برقراری کارگاههای آموزشی برای آشنا ساختن مدرسان به فنون و الگوهای نوین تدریس می‌تواند موجب بهبود آموزش حسابداری گردد.

### کمبود منابع درسی

در حال حاضر اغلب دروس تخصصی حسابداری با مشکل منبع درسی مناسب مواجه است. هر چند به همت والای سازمان حسابداری و با مشارکت و همکاری محققان زبده مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابداری این سازمان بسیاری از نیازهای منبع درسی را تا حدودی در قالب نشریات تخصصی برطرف نمود، که این تلاش در خور تحسین است لیکن کامل و کافی به نظر نمی‌رسد و این علم یاری سایر بزرگان و استادان حرفه حسابداری را می‌طلبد. به دلیل ضعف دانشجویان در ترجمه متون خارجی و هزینه هنگفت تهیه کتابهای خارجی کمبود منابع درسی بیشتر احساس می‌شود.



حسابداری همانند سایر رشته‌ها با استفاده از تجربه و تخصص صاحب نظران این رشته تعیین و تدوین گردید. ولی عمده سرفصلها با استفاده از برنامه‌های درسی دانشگاههای

غربی تدوین گردید در صورتی که ترجمه و تدوین برنامه‌های درسی بدون مطابقت آن با نیازهای محیطی کشور نه تنها مفید نیست بلکه در برخی موارد نتایج معکوس نیز دارد.

به نظر نگارنده برای تدوین سرفصلهای

جدید و مناسب باید از تمام مدرسان و صاحب نظران حرفه خواسته شود تا نظرات خود را ارسال نمایند، سپس یک کمیته تخصصی آن را بررسی نهایی نماید. یکی از دروسی که کمبود آن در دوره کارشناسی زیاد احساس می‌شود درس سیستمهای اطلاعاتی حسابداری است. در اغلب دروس ارائه شده در دوره کارشناسی، اطلاعات آماده و تلخیص شده در مورد عملیات مالی یک شرکت در قالب مسائل و

### محتوای برنامه‌های درسی و آموزشی حسابداری

بعد از انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ تدوین برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی توسط ستاد انقلاب فرهنگی و بعد توسط شورای عالی برنامه‌ریزی که دبیرخانه آن در وزارت فرهنگ و آموزش عالی متمرکز است، صورت گرفت و سرفصل دروس رشته

نیست. از صاحب‌نظران و استادان حرفه انتظار می‌رود با انتشار نشریات تخصصی، حسابداران، حساب‌برسان، دانشجویان و سایر علاقه‌مندان را از آخرین نتایج و یافته‌ها و تحقیقات حرفه مطلع سازند. به نظر نگارنده دانشگاهها و موسسات آموزشی می‌توانند سهم بیشتری در این راستا داشته باشند.

### کمبود کتابها و نشریات خارجی

گرانی و کمبود کتابها و نشریات خارجی مشکل اساسی دیگر رشته حسابداری است و به علت گرانی یک مدرس یا دانشجو در طول تحصیل نمی‌تواند حتی چند جلد کتاب خارجی خریداری نماید. حتی اگر میل و توانایی خرید کتاب را نیز داشته باشد تهیه کتابها و منابع خارجی بسیار دشوار است و به جز یکی دو مرکز فروش کتابهای تخصصی که آن هم از جهت تنوع و تعداد، ضعیف و محدود هستند، مراکز دیگری وجود ندارد. متأسفانه بسیاری از کتابخانه‌های کشور حتی آن گروه از دانشگاههایی که مقطع کارشناسی ارشد حسابداری در آن دایر است، فاقد منابع تخصصی انگلیسی مناسب هستند و جهت برداشتن این نقیصه باید دانشگاهها و مراکز آموزش عالی با خرید آخرین کتابها و نشریات تخصصی، استادان و دانشجویان را از موضوعات روز مطلع سازند. دولت نیز می‌تواند با توزیع این کتاب، زمینه را برای خرید کتابهای خارجی مساعد سازد.

### منابع

- ۱- مظاهری کویایی غلامرضا، بررسی وضعیت آموزش حسابداری در ایران، رساله کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه تربیت مدرس
- ۲- فصلنامه علمی و پژوهشی "بررسیهای حسابداری" سال اول، شماره ۲، پائیز ۱۳۷۱
- ۳- ماهنامه حسابدار، شماره ۷۷-۷۸، تیرماه ۱۳۷۰
- ۴- بدری احمد، رویکرد فلسفی در آموزش حسابداری، فصلنامه علمی و پژوهشی بررسیهای حسابداری سال دوم، شماره ۶ و ۷، زمستان ۱۳۷۲ و بهار ۱۳۷۳

آموزش حسابداری در ایران است. پیشنهاد می‌شود با ایجاد انگیزه‌های مادی و معنوی به تشویق استادان و محققان حسابداری و گسترش دامنه تحقیق در زمینه این حرفه پرداخته شود و کوشش در جهت یافتن راه‌حل‌های ایرانی برای مسائل ایرانی به جای نسخه‌برداری صرف از استانداردهای کشورهای غربی انجام شود.

### عدم برگزاری سمینار و کنفرانسهای حسابداری

در طول ۲۲ سال گذشته در زمینه حسابداری ۶ سمینار حسابداری قابل ملاحظه در ایران برگزار گردید.

- ۱- سمپوزیوم حسابداری در سال ۱۳۵۵ مدرسه عالی بازرگانی تهران
  - ۲- اولین سمینار حسابداری در سال ۱۳۶۷ دانشگاه شهید چمران
  - ۳- دومین سمینار حسابداری در سال ۱۳۶۹ دانشگاه آزاد اسلامی زنجان
  - ۴- سومین سمینار حسابداری در سال ۱۳۷۲ دانشگاه شهید بهشتی تهران
  - ۵- چهارمین سمینار حسابداری در سال ۱۳۷۵ دانشگاه تهران
  - ۵- پنجمین سمینار سراسری حسابداری در سال ۱۳۷۸ دانشگاه علامه طباطبایی
- می‌توان گفت برگزار نشدن سمینارهای حسابداری به طور منظم و متوالی یکی از موانع آموزش و تحقیقات حسابداری در ایران است.

### کمبود نشریات تخصصی

تا چند سال اخیر می‌توان گفت تنها یک نشریه در زمینه حسابداری بنام "حسابدار" با همت برخی از صاحب‌نظران محترم حرفه تهیه و منتشر می‌گردید. هر چند در سالهای اخیر فصلنامه بررسیهای حسابداری و چند نشریه حسابداری داخلی (مانند حسابرس، حسابداری برق و ...) بر تعداد نشریات حسابداری اضافه شده و می‌تواند حرکتی در جهت بهبود این روند باشد اما این کافی

تمرین در اختیار دانشجو قرار می‌گیرد و از آنها انتظار می‌رود با انجام تعدادی محاسبات در دفتر روزنامه و کل ثبت نمایند، اما با این حال با چگونگی پردازش این اطلاعات و نوع و تعداد فرمها و گردش عملیات و چگونگی شکل گرفتن نظام اطلاعاتی حسابداری آشنا نمی‌گردند.

همچنین لزوم تجدید نظر در سرفصل دروس حسابداری و اضافه نمودن موضوعاتی چون، حسابداری عقود اسلامی، حسابداری منابع انسانی، حسابداری اجتماعی و ... ضروری به نظر می‌رسد.

### اهمیت استفاده از کامپیوتر

با توجه به توسعه و گسترش استفاده از کامپیوتر در علوم، خصوصاً در رشته حسابداری، آموزش کامپیوتر به حسابداران امری ضروری به نظر می‌رسد. در سالهای گذشته دانشجویان دوره کارشناسی حسابداری معادل هفت واحد درسی، دروس کامپیوتر را آموزش می‌دیدند در حالی که در اثر کاهش سقف واحدهای دوره کارشناسی از ۱۴۳ به ۱۳۲ واحد درسی، چهار واحد کامپیوتر حذف گردید. و در حال حاضر دانشجویان این رشته فقط سه واحد کامپیوتر را که آن هم در حد سیستم عامل و برنامه‌نویسی ساده می‌باشد، فرا می‌گیرند که کافی نیست و پیشنهاد می‌شود حداقل ۱۰ واحد درس کامپیوتر در دوره کارشناسی گنجانده شود و بیشتر این واحدها هم کاربردی باشد و بر نحوه استفاده از نرم‌افزارهای حسابداری (مالی، صنعتی و ...) متکی باشد.

### کمبود پژوهش و تحقیق

البته موضوع کمبود پژوهش و تحقیق یک مشکل و معضل فراگیر است و حسابداری نیز از این امر مستثنی نیست. کمبود پژوهشها و تحقیقات در زمینه حسابداری یکی از موانع مهم اعتلای

# تصمیمات ساخت - یا - خرید یک روش ساده تر

این مقاله نشان می دهد که قواعد مربوط به تصمیمات ساخت - یا - خرید مندرج در کتابها که اغلب بر جنبه های ساخت تاکید دارند در مواجهه با مسائلی که در آنها عوامل محدودکننده وجود دارد، موجب اشتباه و گمراهی می شوند.

G. Ellis

ترجمه مولود فامیلیان  
عضو هیئت علمی دانشکده شریعتی

دارای بیشترین سود است در رتبه نخست قرار می گیرد.

۴- ترتیب رتبه بندی را برای تعیین تولید هر محصول (تسا میزان تقاضای فروش) به کار برید، تا جایی که همه عوامل محدودکننده موجود در نظر گرفته شده باشد.

۵- محصولاتی را که

قیمت خرید آنها زیر هزینه نهایی تولید است، خریداری کنید.

بررسیهای انجام شده نشان می دهد که بستگی صرف به این قواعد ممکن است موجب گمراهی و یا نتیجه گیری های نیمه بهینه فرعی گردد.

قواعد مربوط به تصمیمات ساخت - یا - خرید که در کتابها بیان شده است، اغلب بر جنبه های ساخت تاکید دارند. این مقاله نشان می دهد که قواعد مندرج در کتابها در مواجهه با مسائلی که در آنها عوامل محدودکننده وجود دارد، موجب اشتباه و گمراهی می شود.

۱- سود محصول را محاسبه کنید.

۲- سود محصول را به سود برحسب عوامل محدودکننده تبدیل کنید.

۳- سود بر حسب عوامل محدودکننده را به ترتیب اولویت تولید رتبه بندی کنید. محصولی که برحسب عوامل محدودکننده

عدم کفایت و شایستگی قواعد مندرج در کتابها

قواعد مندرج در کتابها معمولاً به صورت زیر بیان می شود:



## مرحله ۱

محصول	$P_1$	$P_2$	$P_3$	$P_4$
قیمت خرید	$L_{14}$	$L_{20}$	$L_{18}$	$L_{22}$
هزینه نهایی تولید	$L_{10}$	$L_{15}$	$L_{12}$	$L_{20}$
مزیت در ساخت	$L_4$	$L_5$	$L_6$	$L_2$

## مرحله ۲

محصول	$P_1$	$P_2$	$P_3$	$P_4$
قیمت خرید	$L_{14}$	$L_{20}$	$L_{18}$	$L_{22}$
هزینه نهایی تولید	$L_{10}$	$L_{15}$	$L_{12}$	$L_{20}$
مزیت در ساخت	$L_4$	$L_5$	$L_6$	$L_2$
ساعات (کار) ماشین به ازای هر واحد	۴	۶	۵	۴
مزیت در ساخت به ازای ساعت	$L_{1/50}$	$L_{1/2}$	$L_{1/20}$	$L_{1/50}$
رتبه بندی	۱	۳	۲	۴

## مرحله ۳

	تقاضای فروش (واحدها)	ساعات به ازای واحد	کل مجموع ساعات لازم
$P_1$	۱۰,۰۰۰	۴	۴۰,۰۰۰
$P_2$	۱۵,۰۰۰	۶	۹۰,۰۰۰
$P_3$	۱۲,۰۰۰	۵	۶۰,۰۰۰
$P_4$	۱۳,۰۰۰	۴	۵۲,۰۰۰
ساعات لازم			۲۴۲,۰۰۰
ساعات موجود			۲۲۵,۰۰۰
کسری و کمبود ساعات			۱۷,۰۰۰

مسئله اصلی این قواعد این است که به طور عمده درگیر موضوع تخصیص منابع کمیاب به تولید می باشد و نسبت به انتخاب و تصمیم بین ساخت و خرید تنظیم نشده اند. به عبارت دیگر، همان طور که معمولاً بیان شده، این روشها واقعاً جهت تصمیمات ساخت - یا - خرید، مناسب و مقتضی نیستند.

قواعد کتاب درسی به جنبه خرید این تصمیم توجه کافی نمی کند. همان طور که مثال رون باست (Ron Bassett) نشان می دهد (داده های مثال ارائه شده را ببینید) قاعده ۵ را نمی توان اجرا کرد، چون غالباً امکان ندارد که هر محصولی را زیر هزینه نهایی<sup>۱</sup> محصول خرید. قواعد ۱ الی ۴ از کاربرد منابع موجود بخوبی استفاده کنند؛ یعنی لازم نیست به وسیله خریدن و وارد کردن، هرگونه افت (یا کسری) را در تولید بهتر کرد.

این فرض که تقاضای فروش را می توان انجام نشده رها کرد، واقع بینانه نیست. در عمل ممکن است شرکتی، اختیاری به جز خریدن و وارد کردن محصولات نداشته باشد تا افت<sup>۲</sup> یا کسری را در تولیدش به حداقل برساند، چون برآورده نکردن نیازهای فروش، میزان خطر سفارشات لغو شده و از دست دادن دائمی مشتریان را افزایش می دهد. در مواردی که کسری در تولید باید با خرید - و واردات جبران شود، در قواعد کتاب درسی بیان نشده است.

رون باست به این نتیجه رسید که این قواعد برای محاسبه عوارض قیمت خرید هر محصول ناکافی است (عوارض قیمت خرید = قیمت خرید - قیمت فروش). سپس عوارض قیمت خرید بر حسب درصدی از عوارض محصول محاسبه شد. این کار مزایای خرید و واردات را آشکار کرد، یعنی محصولی که دارای بالاترین

درصد است برای خرید مطلوبتر و مناسبتر می‌گردد تا کسری را در تولید جبران کند. به هر حال روش مستقیمتری وجود دارد که درک آن ساده‌تر است.

#### مزیت در ساخت

در شناخت عوامل محدودکننده که تقاضای فروش باید به طور کامل برآورده شود، تنها دو راه وجود دارد:

۱- محصول را خودمان درست کنیم؟  
۲- محصول را از بیرون خریده و وارد کنیم.  
آسانترین روش حل مسئله این است که از خود پرسیم در ساخت محصول چه مزیتی برای شرکت وجود دارد؟ برای این منظور به مقایسه قیمت خرید با هزینه نهایی تولید نیاز داریم. سپس می‌پرسیم که این مزیت چه اندازه به کاربرد عوامل محدودکننده مربوط می‌شود؟

سپس می‌توان اولویت‌بندی را در کاربرد منابع موجود برپایه مزیتی که برای شرکت در بر دارد، تعیین کنیم. بعداً می‌توان منابع موجود را برای برآورد تقاضای فروش در هر محصول اختصاص داد تا اینکه منابع مصرف شده و تمام گردد. کسری باقیمانده خریداری شده و وارد می‌گردد.

متوجه خواهید شد که این روش ویژگیها و مشخصات روش مقررات کتاب درسی و روش قیمت خرید را توأمآ ترکیب می‌کند. ترکیب تولید و خرید، برآورد آنها را به طور جدا از هم غیرضروری می‌سازد. این روش را می‌توان در چند مرحله خلاصه کرد:

● مزیت را در ساخت بسنجید نه در خرید.  
● مزیت را به ازای عوامل محدودکننده بیان کنید.

#### مرحله ۴

محصول	$P_1$	$P_2$	$P_3$	$P_4$
ساعات (کل ۲۲۵,۰۰۰)	۳۰,۰۰۰	۹۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰	۲۵,۰۰۰
(رقم موازنه‌کننده)				
(واحدها) ساخت	۱۰,۰۰۰	۱۵,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۸,۷۵۰
(واحدها) خریدن و وارد کردن	-	-	-	۳,۲۵۰
تبصره: $P_4 = ۸۷۵۰ \times ۴ = ۳۵۰۰۰$ واحد درست می‌کند				
$P_4 \leftarrow$ موازنه تقاضای فروش $۳۲۵۰ - ۸۷۵۰ - ۱۲۰۰۰$ را خریده و وارد می‌کند				

#### مرحله ۵

$$P_1 \text{ ساخت } ۱۰۰۰۰ \times \mathcal{L}_1 = ۱۰۰۰۰۰$$

$$P_2 \text{ ساخت } ۱۵۰۰۰ \times \mathcal{L}_1 = ۱۵۰۰۰۰$$

$$P_3 \text{ ساخت } ۱۲۰۰۰ \times \mathcal{L}_1 = ۱۲۰۰۰۰$$

$$P_4 \text{ ساخت } ۸,۷۵۰ \times \mathcal{L}_1 = ۸۷,۵۰۰$$

$$P_4 \text{ خرید } ۳,۲۵۰ \times \mathcal{L}_5 = ۳۴,۰۰۰$$

$$\mathcal{L} \quad ۴۹۱,۵۰۰ \text{ عوارض یا مابه‌التفاوت کل}$$

● مزیت را به ازای عوامل محدودکننده برای تعیین رتبه‌بندی، جهت منابع موجود به کار برید.

● منابع موجود تخصیص داده شده و تعداد واحدهایی را که باید ساخته و خریداری و وارد گردند تعیین کنید.

برای اثبات، از الگوهای استفاده خواهیم کرد که در مقاله رون بااست به صورت زیر از آنها استفاده شده است:

۱- سنجش مزیت در ساخت

مرحله ۱ منحصراً به مقایسه قیمت

خرید هر محصول با هزینه نهایی تولیدش محاسبه می‌شود.

صورت و وضعیتهای این مرحله عبارت

است از رجحان ساخت تمام محصول. چون در هیچ موردی نمی‌توانیم به بهایی کمتر از هزینه نهایی تولید، محصولی را خریداری و وارد کنیم. هرگونه مزایای منفی (یعنی ضرر و زیان) در ساخت مواردی که هزینه نهایی از قیمت خرید تجاوز می‌کند، در اینجا آشکار خواهد شد. یعنی قاعده کتاب درسی شماره ۵ به ما می‌گوید که چنین محصولی را می‌شود در هر رخدادی خریده و وارد کرد

۲- مزیت و عوامل محدودکننده.

۳- ترتیب رتبه‌ای را تعیین کنید.

مرحله ۲ در برگزیده مزیت عوامل محدودکننده است. ما این کار را با تعمیم و

خیلی واضح نشان می‌دهد که در مقایسه با خریدن و وارد کردن چه مزیتی برای شرکت در ساخت یک محصول وجود دارد.

اولویت مصرف منابع بوضوح تعیین می‌شود. محصولی که بیشترین مزیت را در ساخت دارد اول ساخته می‌شود. و وقتی که ظرفیت داخلی مصرف شد و تمام گردید، محصولی که کمترین مزیت را دارد اول باید خریداری شود. همچنین این روش محسنتات سرعت و سادگی را نیز دارد.

روش مزیت در ساخت به کار موقعیتهای پیچیده‌تر و غامضتر می‌خورد نه موقعیتی که در بالا نشان داده شد. مثلاً در مواردی که هزینه‌های فرصتی<sup>۳</sup> همراه با کاربرد منابع وجود دارد، باز می‌توانیم روش شرح داده شده را دنبال کنیم؛ یعنی منحصراً احتیاج به جایگزین کردن هزینه افزایشی<sup>۴</sup> ساخت بعلاوه هزینه فرصتی منابع نادر به جای هزینه نهایی صاف و ساده تولید خواهیم داشت.

خوب است به خاطر بسپاریم که پاسخ و جواب هزینه تصمیم نهایی نیست، بلکه صرفاً یک مورد از شواهد است (هرچند قسمت مهمی است) که باید در تصمیم‌گیری به کار رود. برای تصمیم‌گیری ساخت یا خرید، جنبه‌های دیگر نیز ممکن است اهمیت حیاتی داشته باشند. مثلاً نیاز به نگهداشتن و حفظ کنترل بر موارد تهیه‌شدنی، قابلیت اعتماد تهیه‌کنندگان، کیفیت، امکان تغییر هزینه یا قیمت خرید و غیره. امیدواریم که روش مزیت در ساخت وظیفه و کار رسیدن به یک جواب هزینه را ساده کند؛ ولی متأسفانه برای شما تصمیمی نمی‌گیرد.

بپی‌نوشت

- 1- Marginal cost
- 2- Short fall
- 3- Opportunity Cost
- 4- Incremental

منبع

خریده و وارد کنیم (مرحله ۴). این کار، راه حل مسئله ساخت - یا - خرید را نشان می‌دهد. اینک آنچه باید انجام شود محاسبه کل عوارض (مابه‌التفاوت) به صورت (مرحله ۵) است.

### نتیجه‌گیری

می‌توان قواعد کتاب درسی را برای تصمیمات ساخت یا خرید غیرقابل اعتماد دانست. چون آنها بر جنبه‌های تولیدی مسئله تاکید دارند در حالی که جنبه‌های خرید این مسئله را نادیده می‌گیرند.

عوارض قیمت خرید، جنبه‌های خرید را در این مسئله تامین می‌کند و وقتی که به همراه روش کتاب درسی به کار رود، ممکن است مفید باشد. به هر حال خود عوارض (یا مابه‌التفاوت) قیمت خرید ممکن است در بعضی وقتها یک معرف غیرقابل اعتماد باشد. و به حساب روشی که در آن هر محصول تنها با تمرکز بر روی جنبه‌های خرید تاکید دارد، گذاشته نمی‌شود. در مثال بالا عوارض قیمت خرید قادر بود که ترتیب صحیح ترجیح و یا رجحان خرید و وارد کردن را فقط با شانس تعیین کند، چون  $P_3$  بر پایه تقاضای زیادتر فروش قبل از  $P_1$  رتبه‌بندی شده است. تقاضای فروش نمی‌تواند چیزی درباره کاربرد نسبی منابع نادر تولید به ما بگوید. بنابراین باید عوارض قیمت خرید فقط با آگاهی از محدودیتهای آن به کار رود. در مقابل روش مزیت در ساخت که در اینجا گفته شد، روشی ارائه شده است که در آن جنبه‌های تولید و خرید این مسئله به طور موثر با هم ترکیب می‌شوند. این امر ما را به قابلیت اعتماد ما مطمئن می‌کند و

گسترش کارهای انجام‌شدنی از مرحله ۱ می‌توانیم انجام دهیم.

ما سرعت به مرحله‌ای وارد شده‌ایم که می‌توانیم منابع موجود را تخصیص دهیم. این اولویت‌بندی مصرف منابع موجود را

نسبت به بیشترین مزیت، برای شرکت روشن می‌کند. جالب است که رتبه‌بندیهای به دست آمده نسبت به رتبه‌بندی‌های دیگر، با نظر بر عوارض قیمت خرید - که برحسب درصدی از عوارض تولید بیان شده - به ترتیب عکس یکسدی‌گرند (به یادداشت‌هایی که در زیر داده شده نگاه کنید). این

امر شگفت‌انگیز نیست زیرا محصول دارای بیشترین مزیت در ساخت، باید از نظر خرید و واردات کمترین مطلوبیت را داشته و در ضمن نامساعدترین آنها باشد. در حقیقت، عوارض قیمت خرید ممکن است گمراه‌کننده باشد زیرا عوامل محدودکننده را به حساب نمی‌آورد. عایدی بزرگ حاصل از به کارگیری روش مزیت در ساخت، این است که ما قیمت خرید (و هزینه نهایی تولید) را با عوامل محدودکننده ترکیب کرده‌ایم.

### ۴- تخصیص منابع

مرحله ۳ مختلف ما را قادر می‌سازد تا منابع را به مزیت در ساخت اختصاص دهیم. می‌دانیم که در ساعات مقداری کسری وجود دارد:

توانایی برآورد این تقاضا در سه محصول به طور کامل امکان‌پذیر است و برای محصول چهارم دچار کمبود وقت خواهیم شد. بنابراین باید بخشی از نیازمندیهای خود را برای محصولی که دارای کمترین مزیت در ساخت است، ( $P_4$ )

## هموارسازی سود<sup>۱</sup>

بعضی از عوامل، مدیران شرکتها را در برخورد با مسائل تحریک نموده تا در نتیجه آن سود شرکتها را هموار نمایند. مدیران این شرکتها تلاش می‌کنند از طریق هموارسازی (ساختگی) سود، رشد سودآوری شرکتها تحت مدیریت خود را یکنواخت نشان دهند.

حمیدرضا جوادیان کوتنایی  
مدرس دانشگاه آزاد فیروزکوه

غیرمعمول در منحنی که می‌تواند نتیجه شرایط غیرمستمر عملیاتی باشد.

هپورث (Hepworth) مفهوم هموارسازی سود را چنین بیان کرده است: "هموارسازی سود یک عمل عقلانی و منطقی است که مدیران تلاش می‌کنند با به‌کارگیری ابزارهای خاصی در



هموارسازی سود چیست

هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه است که توسط مدیریت و با استفاده از ابزارهای خاصی در حسابداری جهت کاستن از نوسانات در سود انجام می‌گیرد. به گفته لویپولد ای.بی. (Leopold.A.B.)

"هموارسازی سود

بیشتر عملی سفسطه‌آمیز و موزیانه است و بندرت بر اساس دروغهای آشکار انجام می‌گیرد، زیرا هموارسازی سود بیشتر در اثر تعبیر و تفسیر به دست آمده از اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری حاصل می‌گردد. به بیان دیگر هموارسازی سود در محدوده اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری (GAAP) صورت می‌پذیرد."

در هموارسازی سود، به‌واسطه جایه‌جایی‌ای که در درآمد و هزینه‌ها انجام می‌گیرد سود یک یا چند دوره مالی تغییر یافته و تعدیل می‌شود. در واقع می‌توان گفت، هموارسازی سود، عمل عالمانه‌ای است که توسط مدیریت انجام می‌پذیرد. در فرهنگ حسابداری کهلر تعریف هموارسازی سود بدین‌گونه ارائه گردیده است "هموارسازی سود عبارت است از هر شیوه طراحی شده به منظور حذف بی‌نظمی داده‌ها، همانند پستی و بلندبهای



نوسانات سود (گزارش شده) و افزایش پیش‌بینی درست جریان وجوه نقد آتی توسط سرمایه‌گذاران اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند و انتظار می‌رود این عمل (هموارسازی سود) تاثیر مثبتی بر ارزش سهام و عملکرد مدیریت داشته باشد.

**هکتور (Hector)** اظهار می‌دارد: "هموارسازی سود عملی است که باعث سوءاستفاده در گزارشگری مالی شده، و استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی باید به این امر واقف و آگاه باشند."

**مک‌هاگ (Mchugh)** هموارسازی سود را نوعی دستکاری در اطلاعات صورتهای مالی می‌داند. ورثی (Worthy) در خصوص هموارسازی چنین اظهار می‌دارد: "عملی است که می‌تواند باعث افشای نادرست اطلاعات مالی گردد. به بیان دیگر اگر هموارسازی سود انجام گیرد، سرمایه‌گذاران اطلاعات صحیح و درستی در خصوص سودآوری به منظور ارزیابی بازده و انحراف پرتفوی نخواهند داشت."

**چرا مدیران اقدام به هموارسازی سود می‌نمایند**

بعضی از عوامل، مدیران شرکتها را در برخورد با مسائل تحریک نموده تا در نتیجه آن سود شرکتها را هموار نمایند. مدیران این شرکتها تلاش می‌کنند از طریق هموارسازی (ساختگی) سود، رشد سودآوری شرکتها تحت مدیریت خود را یکنواخت نشان دهند. در واقع این عمل مدیران دلیلی برای تداوم فعالیت شرکتها تحت مدیریت‌شان می‌باشد. یکی از این عوامل را می‌توان، انگیزه سودآوری توسط مدیران شرکتها نام برد که مدیریت را به شناسایی درآمد و هزینه بیشتر یا کمتر تحریک می‌نماید. برای مثال مدیریت شرکت لاستیک فایرستون (FireStone) در سال ۱۹۷۰ سعی نمود درآمدهای شرکت را در یک حساب سری پنهان کاری نماید، تا با این عمل بتواند در

سال یا سالهایی که سودآوری شرکت کاهش می‌یابد از آن استفاده کند.

حرفه حسابداری همواره سعی داشته است به اصول و قوانینی دست یابد تا از طریق آن به هموارسازی سود توسط شرکتها پی ببرد. مدیران و کارکنان شرکتها مایل هستند برای هموارسازی سود یک سری از اطلاعات را تغییر داده یا پنهان‌کاری نمایند. از این‌رو شخص تحلیلگر باید با توجه به بینش و آگاهی خود نسبت به آن شرکتها، تقریباً بدانند آن گرایش و تمایلات برای هموارسازی سود در کجا وجود داشته و راهها و ابزارهای هموارسازی سود کدام است. از این جهت شخص تحلیلگر می‌تواند از طریق عملیات حساسی در شرکتها (که می‌پندارد هموارسازی سود در آنها وجود دارد) تا اندازه معقولی خود را در خصوص درست بودن حسابها راضی و خشنود نماید.

**بیدلمن (Beidleman)** معتقد بود: "مدیران برای انعکاس مداوم جریان سودی که انحراف کمتری یا سود بازار داشته باشد سود را دستکاری و هموار می‌سازند."

**لامبرت (Lambert)** و **دای (Day)** چنین اظهار می‌دارند: "در آرایش اقتصادی بازار سرمایه، مدیرانی که ریسک‌گریز هستند از وام دادن و وام گرفتن (در بازار سرمایه) خودداری می‌نمایند. از این‌رو با این عمل، مدیران به تدریج انگیزه هموارسازی سود را پیدا می‌کنند."

**هپورت** اظهار داشت: "این ایده وجود دارد که سودآوری مداوم شرکتی، به بستانکاران و مالکان آن شرکت اطمینان بیشتری نسبت به عملکرد مدیریت می‌دهد."

**گوردون (Gordon)** دلیل هموارسازی سود توسط مدیریت را چنین بیان می‌کند: "هموارسازی سود دست‌کم باعث می‌شود سهامداران (و مدیریت) سودهای گذشته را برای پیش‌بینی سودهای آینده، ملاک قرار

دهند."

ران و سادن دلیل هموارسازی سود را چنین ابراز می‌دارند: "منطقی است مدیریت برای حداکثر نمودن سازگاری خود، سود را هموار نمایند... گروهی معتقدند مدیران شرکتها به این دلیل سود را هموار می‌کنند تا نوسانات سود (گزارش شده) شرکتها تحت پوشش خود را کمتر نمایند. چون سرمایه‌گذاران برای سهام شرکتها که سودآوری مداوم و یکنواختی دارند پول بیشتری می‌پردازند."

**ترومن و تیت من (Trueman and Titman)** چنین ابراز می‌دارند: "در آرایش اقتصادی بازار سرمایه، حتی با وجود بستانکاران، مدیران روشهایی را ترجیح می‌دهند که منجر به هموارسازی (مداوم) سود گردد. عمل هموارسازی سود ناشی از ریسک‌گریز بودن مدیر در بازار سرمایه می‌باشد."

**تاثیر هموارسازی سود بر سود هر سهم و بازار سهام**

تیت‌من بیان می‌کند: "آرایش اقتصادی بازار، تجزیه و تحلیل و تاثیر هموارسازی سود بر قیمت سهام را جایز می‌دارد، آرایش اقتصادی بازار می‌گوید اگر مدیری قادر باشد از بین دو یا چند روش پذیرفته شده در حسابداری روشی را برای شناسایی درآمد (خاصی) انتخاب نماید، احتمالاً آن مدیر روشی را انتخاب می‌کند که سود را به‌طور واقعی هموار کند. اغلب این روش، هموارسازی موقتی نامیده می‌شود. به لحاظ هموارسازی سود، مدیر می‌تواند نوسانات سود را کاهش داده و برآورد احتمال ورشکستگی را از دید مدعیان شرکت کمتر کند. این عمل مدیران برای سهامداران شرکتها به جهت اینکه هزینه فرصت از دست رفته شرکت را کاهش می‌دهد با ارزش بوده و بر معامله بین شرکت و مشتریان، کارکنان و



عرضه کنندگان تاثیر می‌گذارد. در صورتی که هموارسازی سود یک عمل پرهزینه باشد، احتمالاً مدیریت سود شرکت را هموار نمی‌کند. برای مثال، اگر هدف از دستکاری نمودن درآمد و هزینه طی یک یا چند دوره مالی، مالیات باشد. چون هموارسازی سود (با هدف شناخت مالیات) برای شرکت پرهزینه تلقی می‌شود از این رو شرکتها سود را هموار نمی‌کنند. ولی اگر هموارسازی سود برای کم کردن هزینه باشد، مدیرانگیزه‌ای برای هموارسازی سود شرکت پیدا می‌کند. داشتن هزینه و منافع مختلف در هموارسازی سود، موجب می‌شود شرکتها پیش‌بینی‌های مختلفی برای هموارکردن سودشان داشته باشند.

هندریکسون (Hendrikson) چنین بیان می‌کند: "هر چند سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان نسبت به سود گزارش شده توسط مدیریت واکنش نشان می‌دهند، و اگرچه سود در چارچوب حسابداری قرار دارد، اما بازخورد رفتار سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در انتخاب روشهای حسابداری توسط مدیریت تاثیر می‌گذارد. برای مثال، مدیران شرکتهای زیادی بر این باورند که اگر سود خالص شرکت با نرخ ثابتی در هر سال رشد داشته باشد، قیمت هر سهم بالا می‌رود. در نتیجه، مدیران سیاستها و روشهایی را در حسابداری جهت گزارشگری مالی انتخاب می‌کنند که برای سهام آن شرکت تقاضا بیشتر شود. هموارسازی سود در بیشتر اوقات بر این پایه استوار است که سرمایه‌گذاران، پول بیشتر را برای سهام شرکتهایی می‌پردازند که سود گزارش شده آن شرکتها سال به سال نوسان کمتری داشته باشد و شرکتهایی که نوسان سودشان هر ساله زیاد است سهامداران حاضر نمی‌شوند برای سهام آن شرکت پول بیشتری پرداخت کنند."

گوردون بیان کرد: "رضایت سهامداران

با توجه به نرخ رشد (تقریباً ثابت) سود شرکت و تداوم سودآوری شرکت افزایش می‌یابد."

بیدلمن اشاره می‌کند: "تجزیه و تحلیل کنندگان علاقه‌مند هستند اطلاعات بیشتری در خصوص هموارسازی سود در شرکتهایی که سرمایه‌گذاری کرده‌اند داشته باشند. هموارسازی سود می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بازار سهام شرکتها را تحت تاثیر قرار داده و این تاثیر باید بر ارزش سهام و هزینه سرمایه مطلوب باشد."

لو و کنتیزکی (Lev and Kunitzky) شرح دادند: "نوسان سود به‌طور موثری هم به ریسک سیستماتیک و هم به ریسک کلی مربوط می‌شود."

موزز توضیح می‌دهد با (به‌کارگیری) هموارسازی سود، رابطه علت و معلولی بین نوسانات سود و ریسک بازار بوجود می‌آید.

ناسوهیا آشاری (Nasuhiah Ashari) و همکاران او اظهار می‌دارند: "زمانی که هموارسازی سود به‌طور آگاهانه انجام گیرد، افشای سود می‌تواند گمراه‌کننده باشد. در نتیجه، سرمایه‌گذاران ممکن است اطلاعات صحیح و مناسبی برای ارزیابی بازده و ریسک پرتفوی مربوط به آن به دست نیاورند."

ابزارهای هموارسازی سود کدامند؟  
آشاری و همکاران او از ابزارهای هموارسازی سود، به عوامل زیر اشاره می‌کنند:

- ۱- سود هر سهم؛
- ۲- تغییر در خط مشی حسابداری؛
- ۳- هزینه‌های بازنشستگی؛
- ۴- اقلام غیرمترقبه؛
- ۵- بخشودگی مالیاتی سرمایه‌گذاران؛
- ۶- هزینه ثابت و هزینه استهلاک؛
- ۷- تصمیم‌گیری اختیاری (در حسابداری) از بین دو یا چند روش پذیرفته شده در

حسابداری؛

۸- تسعیر ارز؛

۹- انواع طبقه‌بندی در حسابداری؛

۱۰- اندوخته‌ها و ذخایر؛

۱۱- اندازه شرکت؛

۱۲- بخش محوری و جانبی صنعت؛

۱۳- پاداش؛

۱۴- مالکیت.

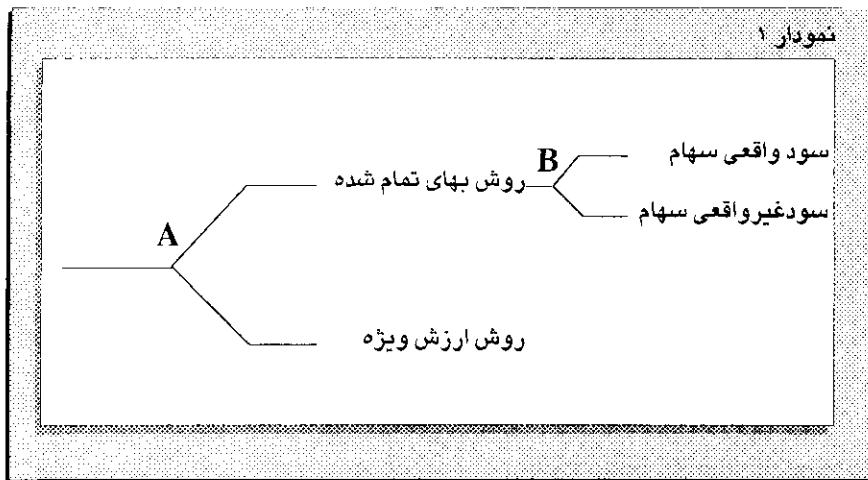
آلبرسشت و ریچاردسون (Albrecht and Richardson) به عوامل زیر به‌عنوان

ابزارهای هموارسازی سود اشاره دارند:

- ۱- روش استهلاک‌گیری؛
- ۲- استهلاک (کم‌آیش) هزینه‌های بازنشستگی؛
- ۳- استهلاک داراییهای نامشهود؛
- ۴- درآمدها و هزینه‌های غیرمترقبه؛
- ۵- بخشودگی مالیاتی سرمایه‌گذاری؛
- ۶- ارزیابی موجودی کالا؛
- ۷- انتخاب خط‌مشی حسابداری؛
- ۸- تلفیق به روش خرید در برابر روش اتحاد منافع؛
- ۹- درآمد (سود) سهام واحد فرعی گزارشگر براساس روش بهای تمام شده واحد تابعه گزارشگر.

هندریکسون بیان می‌کند: "در سال ۱۹۶۳ در پاسخگویی به درخواست کنگره آمریکا از کمیسیون بورس و اوراق بهادار<sup>۳</sup> در خصوص اعلام نمودن ابزارهای مهم هموارسازی سود، این کمیسیون موارد زیر را بیان کرد:

- ۱- ارزیابی موجودی کالا (اولین صادره از اولین وارده<sup>۴</sup> در برابر اولین صادره از آخرین وارده<sup>۵</sup>)؛
- ۲- استهلاک منابع طبیعی؛
- ۳- مالیات بر درآمد؛
- ۴- هزینه‌های بازنشستگی؛
- ۵- هزینه‌های تحقیق و توسعه؛
- ۶- سرقتی؛
- ۷- زمان تحقق درآمد؛
- ۸- سود و زیان عملیاتی در برابر سود و زیان



غیر عملیاتی؛

- ۹- سرمایه گذاری تلفیقی در شرکتها؛
- ۱۰- اجاره بلندمدت یا اجاره به شرط تملیک؛
- ۱۱- اصل اتحاد یا ادغام دو یا چند موسسه؛
- ۱۲- تلفیق واحدهای تجاری؛
- ۱۳- اندازه گیری سود در شرکتها و موسسات مالی؛
- ۱۴- هزینه های نامشهود در صنایع نفت و گاز."

### انواع هموارسازی سود

دو نوع هموارسازی سود وجود دارد:

**هموارسازی طبیعی سود:** نوعی هموارسازی است که به طور طبیعی در فرایند سودآوری شرکت انجام می گیرد.

**هموارسازی عمدی سود:** معمولاً به عملی گفته می شود که توسط مدیریت برای تغییر دادن سود انجام می گیرد و بر دو قسمت است.

**هموارسازی واقعی سود به کوششی** اطلاق می شود که توسط مدیریت و در واکنش به تغییرات شرایط اقتصادی صورت می گیرد.

**هموارسازی ساختگی سود به تلاش** سنجیده ای اطلاق می شود که تغییرات سود را به طور ساختگی کاهش یا افزایش دهد.

باید یادآور شد تغییر در سود شرکتها یا از طریق هموارسازی ساختگی سود یا از طریق هموارسازی واقعی سود انجام می گیرد. هورویتز (Horwitz) اظهار می دارد: "هموارسازی واقعی سود می تواند بر جریانات و جوه نقد شرکت هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم تاثیر گذارد. برای تاثیر مستقیم می توان به افزایش تقاضا برای یک محصول و به تبع آن افزایش فروش و متقابلاً افزایش سود اشاره نمود، اما برای تاثیر غیرمستقیم می توان به انتخاب یک روش از بین دو یا چند رویه مختلف پذیرفته شده در حسابداری و طبقه بندی درآمدها و هزینه ها اشاره کرد."

### روشهای مختلف هموارسازی سود

#### الف - آرایش اقتصادی موسسه

در خصوص آرایش اقتصادی موسسه چنین اظهار می شود، فرض کنید سود اقتصادی موسسه در هر دوره قبل از کسر بهره یا هزینه ورشکستگی (در حالت توقف) به شرح زیر باشد:

$$\tilde{x}_t = \mu + \tilde{e}_t$$

$\mu$ : میانگین تمام نمونه ها.

$\tilde{e}_t$ : توزیع نرمال با میانگین صفر که در بیشتر زمان ثابت است.

مدیریت می تواند سود موسسه را برای هر دوره تشخیص داده و از این جهت میزان آگاهی دیگران نسبت به سود موسسه به میزان سود گزارش شده توسط مدیریت بستگی دارد. مدیریت با به کارگیری ابزارهای خاص در حسابداری قادر به دستکاری کردن سود بین دو یا چند دوره بوده، در آن صورت سود (اقتصادی) موسسه برابر سود اعلام شده براساس صورت سود و زیان نخواهد بود (البته دستکاری و جابه جایی سود را می توان به بیش از دو دوره نیز گسترش داد بدون اینکه نتیجه مدل تغییر یابد). برای مثال، از چنین جابه جایی و دستکاری می توان به برآورد هزینه های بازنشستگی، برآورد عمر مفید داراییها و کاهش ارزش دفتری مطالبات مشکوک الوصول اشاره کرد. اگر مدیریت

موسسه ای سود بین دو دوره را دستکاری نماید در آن صورت، سود گزارش شده در هر دوره برابر سود اقتصادی همان دوره می باشد. البته باید متذکر شد اکثر شرکتها و موسسات می توانند سود را بین دو یا چند دوره دستکاری و جابه جا نمایند ولی ادامه فرایند دستکاری و جابه جایی سود در بین آن شرکتها فرق می کند.

#### ب - روش کلاسیک

در این روش، هموارسازی سود با توجه به ارتباط بین متغیرهای هموارسازی سود و تاثیر آن بر سود (گزارش شده) مورد بررسی قرار می گیرد. اما متأسفانه، این روش هموارسازی ساختگی سود را بررسی نمی کند. ایکل (Eckle) ایرادهای این روش را به شرح زیر نام می برد:

۱- در این روش، ممکن است مدلی از سود مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد که به اندازه کافی در فرایند سودآوری توضیح داده نشده باشد. از مدل های مورد استفاده می توان به روش برنامه ریزی خطی، سری های زمانی، روند زمانی نیمه لگاریتمی و با کس جنکینز اشاره کرد.

دوم - به کارگیری متغیرها در هموارسازی می تواند بر نتایج حاصل از آن تاثیر گذارد. در ضمن احتمال دارد بعضی از شرکتها برای هموارسازی سود از یک یا چند متغیر استفاده نمایند در حالی که شرکت های دیگر ادامه در صفحه ۶۶

## نسبت کفایت سرمایه<sup>۱</sup>

این گزارش حاصل کار چندین ساله کمیته‌ای موسوم به کمیته بال به منظور تدوین مقررات نظارتی یکپارچه بین‌المللی حاکم بر کفایت سرمایه بانکهای بین‌المللی می‌باشد.

ترجمه و تالیف منوچهر منوچهری  
عضو هیئت علمی دانشگاه



کشورهای عضو مد نظر قرار گیرد. چارچوب و حداقل استانداردهای کفایت سرمایه همچنین به امضای روسای بانکهای مرکزی کشورهای گروه ۱۰ رسیده است.

نسبت کفایت سرمایه نسبت کفایت سرمایه یکی از شاخصهای ارزیابی عملکرد بانکهاست که از سوی کمیته مقررات بین‌المللی بانک تسویه‌های بین‌المللی، جهت ارزشیابی مدیریت ریسک بانکهای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۳</sup> تعیین شده است. بر اساس تعاریف مندرج در استاندارد بین‌المللی کمیته بال، نسبت کفایت سرمایه عبارت است از:

$$\text{نسبت کفایت سرمایه} = \frac{\text{سرمایه بانک}}{\text{داراییهای ریسک‌پذیر} + \text{حسابهای انتظامی ریسک‌پذیر}}$$

که حداقل آن ۹ درصد است. هر چه این نسبت بیش از عدد ۹ باشد نشان‌دهنده قدرت مالی و ثبات آن بانک و عدم خطرپذیری داراییهای آن می‌باشد. به نظر می‌رسد که یکی از هدفهای

این مشورتها منجر به تغییر برخی مقررات اولیه شد و گزارش حاضر، حاصل نهایی نظرات این کمیته است که مورد توافق کلیه اعضای گروه ۱۰ قرار گرفته است. این نظرات شامل چارچوب محاسبات کفایت سرمایه و همچنین حداقل استانداردهایی است که باید توسط مقامات نظارتی

مقدمه  
این گزارش حاصل کار چندین ساله کمیته‌ای موسوم به کمیته بال به منظور تدوین مقررات نظارتی یکپارچه بین‌المللی حاکم بر کفایت سرمایه بانکهای بین‌المللی می‌باشد. این کمیته متشکل از نمایندگان بانکهای مرکزی و مقامات نظارتی کشورهای گروه ۱۰، تشکیل شده از ۱۲ کشور (بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، سوئد، سوئیس، انگلستان، آمریکا و لوکزامبورگ) است اما به کشورهای گروه ۱۰ شهرت دارند. هدف این کمیته تدوین محاسبات و استانداردهای یکپارچه بین‌المللی سرمایه بانکهاست و محل تشکیل جلسات آن در بانک تسویه‌های بین‌المللی<sup>۲</sup> واقع در بال سوئیس می‌باشد.

پیشنهادهای اولیه کمیته در دسامبر ۱۹۸۷ جهت دریافت نظرات مشورتی برای کلیه اعضای گروه ۱۰ و همچنین مقامات بانکی در سراسر جهان ارسال گردید. نتیجه

تشکیل دهنده سرمایه درجه ۲، لازم است در مورد ارقام قابل کسر از سرمایه درجه ۱ و کل سرمایه توضیح داده شود:

۱- مبلغ سرقفلی<sup>۲۱</sup> بانکها باید در محاسبه نسبت کفایت سرمایه از مجموع سرمایه درجه ۱ کسر شود؛

۲- سرمایه گذاری‌ها در بانکهای غیر تلفیقی و شرکتهای مالی فرعی باید از مجموع سرمایه درجه ۱ و ۲ کسر شود، زیرا فرض بر این است که چارجوب مقررات کمیته بال در مورد گروه بانکهای تلفیقی قابل اعمال است؛

۳- سرمایه گذاری‌ها در سرمایه سایر بانکها و موسسات مالی بنا به تشخیص مقامات هر کشوری از مجموع سرمایه قابل کسر می باشد.

حالا به بررسی و تشریح اجزای تشکیل دهنده سرمایه درجه ۲ پرداخته می شود.

**اندوخته‌های مخفی** - اندوخته‌های مخفی به‌عنوان یکی از اجزای مکمل سرمایه درجه ۱، به شرطی که مورد پذیرش مقامات نظارتی بانکها باشد، می تواند جزو سرمایه درجه ۲ تلقی شود. اندوخته‌های مخفی به‌رغم اینکه در ترازنامه‌های بانکها منعکس نمی‌باشند، اما کیفیت و ویژگی آنها در حد اندوخته‌های افشا شده است. به‌طوری که باید در هر زمان جهت پوشش زیانهای احتمالی آینده در دسترس باشند. این تعریف شامل اندوخته‌های مخفی ناشی از نگهداری اوراق بهادار به نرخ پایینتر از نرخ بازار نمی‌شود.

**اندوخته‌های تجدید ارزیابی داراییها** - این اندوخته به دو بخش تقسیم می‌شود، اول اینکه در بعضی از کشورها به موجب قوانین بانکی و مالی، بانکها و سایر موسسات بازرگانی مجازند با توجه به رشد قیمتها در بازار، داراییهای ثابت از جمله ساختمانها و مستغلات خود را تجدید ارزیابی کنند، اندوخته ناشی از این تجدید ارزیابی به‌عنوان یکی از اجزای سرمایه درجه ۲ در ترازنامه آنها منعکس می‌شود.

دوم اینکه برخی از بانکها اندوخته مخفی ناشی از تجدید ارزیابی نگهداری اوراق بهادار سرمایه‌ای بلندمدت را هم

به استثنای اندوخته‌های مخفی.

**سرمایه قانونی** - سرمایه قانونی شامل سهام عادی تمام پرداخت شده بانکها و همچنین سهام ممتاز غیر انباشته دائمی<sup>۷</sup> است. منظور از سهام عادی تمام پرداخت شده سهامی است که دارای حق رای هستند و مبلغ اسمی آنها نیز تماماً پرداخت شده است. خاصیت سهام ممتاز غیرانباشته دائمی این است که این سهام در سود و زیان بانکها مشارکت دارند و ویژگی دیگر آن این است که چنانچه بانک دارای سود باشد، ابتدا سود سهامداران ممتاز غیرانباشته پرداخت می‌شود و سپس سود سهامداران عادی. اما چنانچه بانک زیان داشته باشد، به سهامداران ممتاز غیرانباشته سودی تعلق نمی‌گیرد در صورتی که به سهام ممتاز انباشته چه بانک سود داشته باشد چه زیان، سود مربوط تعلق می‌گیرد و انباشته می‌شود. بنابراین سهام ممتاز انباشته جزو سرمایه درجه ۱ محسوب نمی‌شود.

**اندوخته‌های افشاشده** - اندوخته‌های افشا شده شامل اندوخته قانونی<sup>۸</sup>، اندوخته عمومی<sup>۹</sup>، صرف سهام<sup>۱۰</sup>، سود انباشته<sup>۱۱</sup> و سهم اقلیت در بانک سرمایه‌پذیر<sup>۱۲</sup> در صورتهای مالی تلفیقی می‌باشد و اندوخته‌های مخفی<sup>۱۳</sup> و اندوخته‌های تجدید ارزیابی داراییها<sup>۱۴</sup> و سهام ممتاز انباشته<sup>۱۵</sup> جزو سرمایه درجه ۱ محسوب نمی‌شود.

**سرمایه درجه ۲**  
عناصر سرمایه درجه ۲ از پنج گروه زیر تشکیل می‌شوند:

الف - اندوخته‌های مخفی<sup>۱۶</sup>؛

ب - اندوخته تجدید ارزیابی داراییها<sup>۱۷</sup>؛

ج - ذخایر عمومی و ذخایر زیان وامها<sup>۱۸</sup>؛

د - ابزارهای سرمایه‌ای دو منظوره (بدهی و سرمایه‌ای)<sup>۱۹</sup>؛

ه - بدهیهای مشروط (تبعی) بلندمدت<sup>۲۰</sup>.

ارقام قابل کسر از سرمایه

قبل از پرداختن به تشریح عناصر

تجدید ارزیابی داراییهای بانکها در سال ۱۳۷۱ در ایران، مبتنی بر توصیه کمیته پیشگفته به بانکهای مرکزی کشورهای در حال توسعه به لحاظ بهبود نسبی نسبت کفایت سرمایه بوده است. زیرا تا آن تاریخ این نسبت حتی در بهترین بانکهای ایرانی به دشواری به عدد ۲ می‌رسید. از این رو با این عمل هم ارزش داراییهای بانکها به ارزش روز (قیمتهای جاری) نزدیکتر شد و هم اینکه به وسیله ایجاد اندوخته تجدید ارزیابی داراییها، نسبت کفایت سرمایه نیز بهبود یافت.

با توجه به ملی شدن بانکها در ایران و به عبارتی دیگر عدم رقابت طبیعی بین بانکها این نسبت در ایران در سطح پایینی قرار دارد، این در حالی است که در بسیاری از کشورها جهت دستیابی به نسبت مطلوب کفایت سرمایه از راه‌حلهایی مانند تامین سرمایه بانکها به وسیله انتشار اوراق بهادار سرمایه و بدهی مانند سهام و اوراق قرضه (مشارکت)، کاهش داراییهای مخاطره‌آمیز و سرمایه‌گذاری در فعالیتهای کم‌ریسک‌تر، کنترل ریسک اعتبارات اعطایی به بخشهای مختلف، فروش داراییهای با ریسک صددرد و نهایتاً اعمال نظارت قوی‌تر بر عملکرد سیستم بانکی، استفاده می‌شود.

ارقام تشکیل دهنده نسبت کفایت سرمایه عبارت است از:

- سرمایه؛
- داراییهای ریسک‌پذیر؛
- ارقام زیر ترازنامه (حسابهای انتظامی) ریسک‌پذیر.

**سرمایه**

سرمایه خود به دو سرمایه درجه ۱ و سرمایه درجه ۲ تقسیم می‌شود.

**سرمایه درجه ۱**

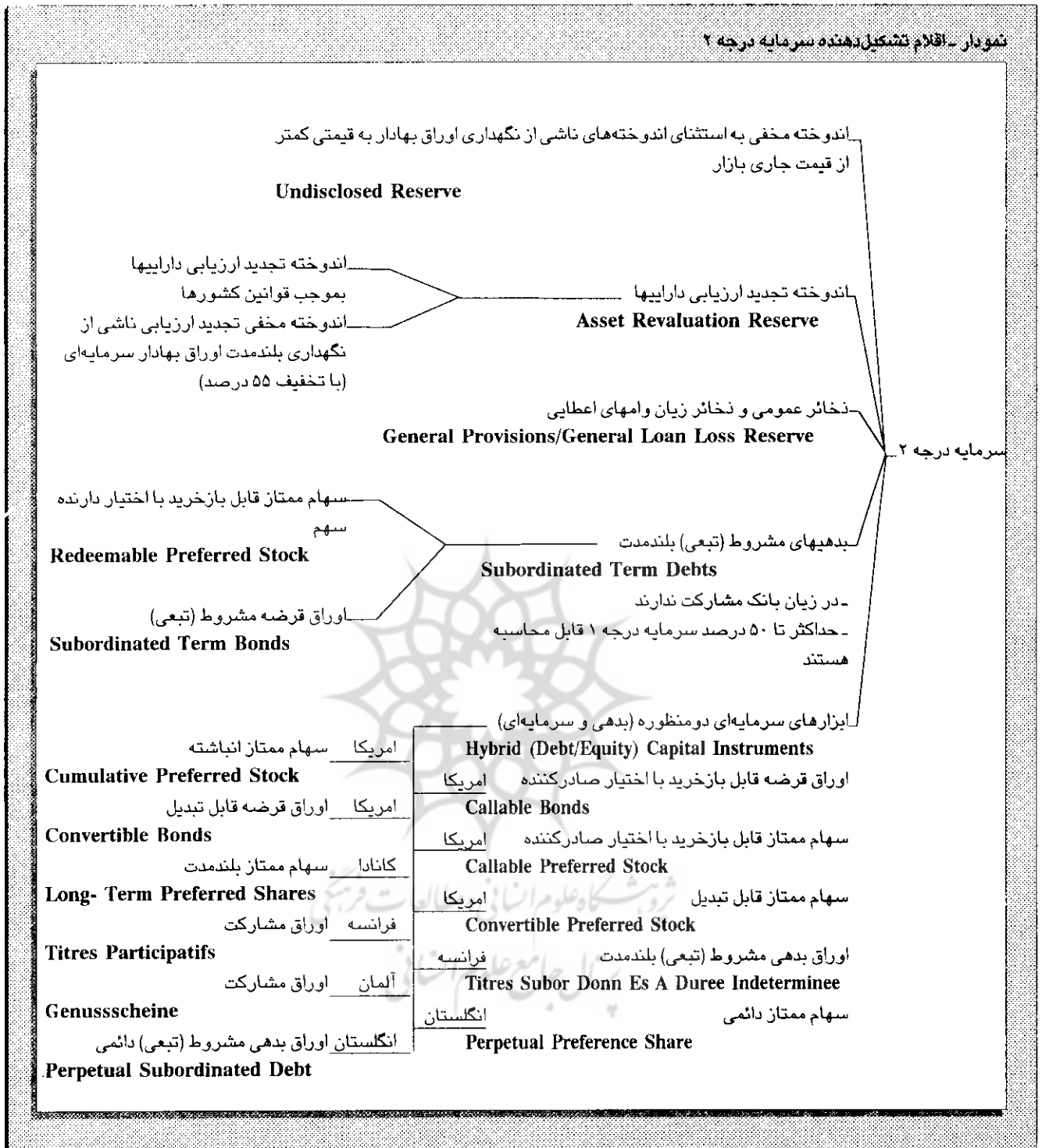
سرمایه درجه ۱ خود به دو گروه تقسیم می‌شود:

الف - سرمایه قانونی<sup>۴</sup> یا سهام تمام پرداخت شده<sup>۵</sup>؛ و

ب - اندوخته‌های افشا شده<sup>۶</sup> (ارائه شده)







- منتقل می‌گردد (مانند سهام ممتاز انباشته).
- از جمله ابزارهای سرمایه‌ای دومتصوره
- که در کشورهای مختلف گروه ۱۰ جریان دارند عبارت است از:
- آمریکا
- سهام ممتاز انباشته<sup>۲۷</sup>؛
- سهام ممتاز قابل بازخرید با اختیار صادرکننده (بانک)<sup>۲۸</sup>؛
- اوراق قرضه قابل بازخرید با اختیار صادرکننده<sup>۲۹</sup>؛
- سهام ممتاز قابل تبدیل<sup>۳۰</sup>؛
- اوراق قرضه قابل تبدیل<sup>۳۱</sup>؛
- سهام ممتاز بلندمدت<sup>۳۲</sup>؛
- اوراق قرضه قابل تبدیل (آمریکا)
- اوراق مشارکت<sup>۳۳</sup>؛
- اوراق بدهی تبعی نامحدود<sup>۳۴</sup>؛
- آلمان

## هزینه یابی بر مبنای فعالیت<sup>۱</sup>

محمود عربی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی

هاشم سعادت‌مندی

حسابدار و کارشناس زبان انگلیسی

تجدید نظر در سیستم حسابداری خود، از سیستم هزینه یابی بر مبنای فعالیت استفاده کنند.

قبل از اینکه وارد بحث هزینه یابی بر مبنای فعالیت شویم بهتر است با چند اصطلاح در این زمینه آشنا شویم.

### الف - فعالیتهای ارزش زا و فعالیتهای غیر ارزش زا

در تجارت و تولید هر عملی که به منظور تولید، توزیع و ارائه خدمات انجام شود و ماهیت تکراری در انجام وظایف فوق داشته باشد فعالیت یا کار نامیده می شود. اگر فعالیتها با دقت مورد توجه قرار گیرند، ملاحظه می شود که فعالیتها یا ارزشزا هستند یا غیر ارزشزا، فعالیت ارزشزا<sup>۲</sup> به آن دسته از فعالیتها اطلاق می شود که به ارزش محصول تولیدی و یا خدمات ارائه شده می افزایند. اما در فعالیتهای غیر ارزشزا<sup>۳</sup> اگرچه زمان برای تولید محصولات و ارائه خدمات صرف می شود، اما به ارزش محصولات و یا خدمات چیزی افزوده نمی شود. در واقع این گونه فعالیتها غیر ضروری هستند. در نتیجه می توان آنها را حذف کرد بدون آنکه تاثیری در ارزش محصولات یا خدمات در بازار بگذارد و یا در کیفیت آن تغییری ایجاد نماید.

### ب - کارایی چرخه تولید<sup>۴</sup>

اگر زمان واقعی تولید را به کل زمان صرف شده در چرخه تولید تقسیم کنیم، آنچه به دست می آید کارایی چرخه تولید نامیده می شود که به اختصار MCE خوانده می شود (در شرکتهای خدماتی زمان واقعی ارائه خدمات را به کل زمان چرخه انجام

شناخت وجود هزینه در چندین سطح، گردآوری هزینه ها در مراکز مربوط، و استفاده از عوامل چندگانه هزینه زا به منظور تخصیص هزینه ها به تولید و خدمات سه جز اصلی هزینه یابی بر مبنای فعالیت هستند که به اختصار سیستم هزینه یابی ABC نامیده می شود. در این نوع هزینه یابی آنچه در کانون توجه قرار دارد انواع مختلف فعالیتهایی است که در یک واحد تولیدی یا خدماتی انجام می پذیرد. در این روش تسهیم هزینه ها به محصولات تولیدی و یا خدمات ارائه شده بر مبنای فعالیتهایی است که در جهت تولید، اجرا، توزیع و پشتیبانی انجام می گیرد. هزینه یابی بر مبنای فعالیت در شرکتهایی مناسب است که دارای ویژگیهای زیر باشند:

الف - شرکتهایی که دارای تولیدات گوناگون و بسیار متنوع و یا ارائه دهنده خدمات مختلفی باشند.

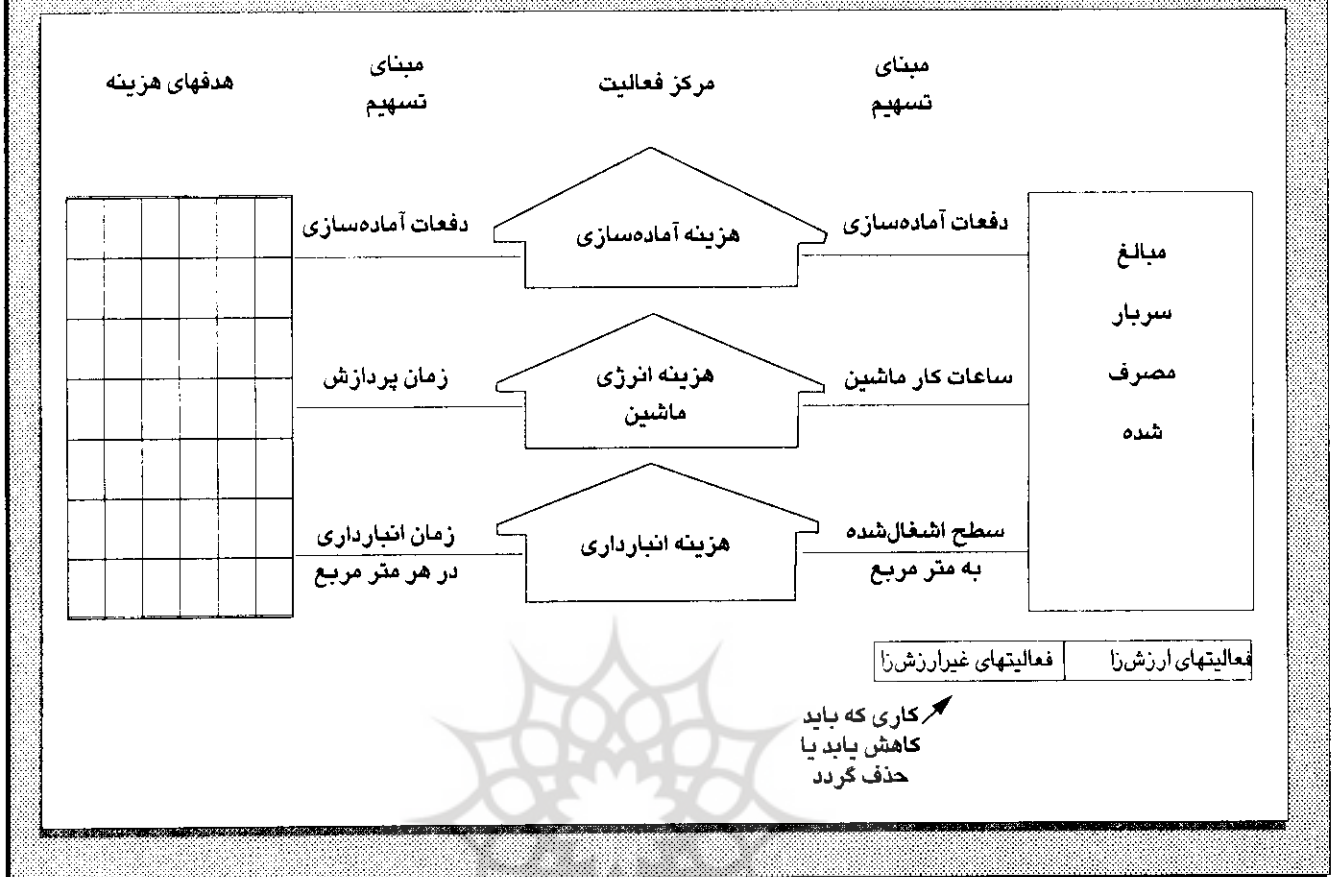
ب - شرکتهایی که دارای هزینه های سربار زیاد باشند و این هزینه ها به محصولات مختلف با توجه به میزان تولید هر یک به نسبت یکسان قابل تخصیص نباشند.

ج - شرکتهایی که از ماشین آلات پیشرفته خودکار در تولید استفاده می کنند و تسهیم هزینه سربار به محصولات تولیدی با روش قدیمی، بر مبنای کار مستقیم و یا ساعات کار ماشین با مشکل روبرو باشند.

د - شرکتهایی که دارای دو دسته محصول باشند، محصولاتی که تولید آنها مشکل اما سود بیشتری دارند و محصولاتی که تولید آنها آسان اما موجب سود کمتر یا زیان می شوند.

شرکتهایی که دارای ویژگیهای گفته شده هستند بهتر است که با

شکل ۱- فرایند دو مرحله هزینه‌یابی در چارچوب سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت



تعداد قابل کنترل.

اگر ارتباطی بین مرکز هزینه و عامل هزینه‌زا وجود داشته باشد عامل هزینه حذف یا کاهش خواهد یافت و به تبع آن هزینه‌های مرکز مربوط حذف یا کاهش می‌یابند. پس از آنکه هزینه‌ها در مراکز فعالیت مناسب گردآوری شدند می‌توان آنها را با استفاده از مبنای تسهیم مرحله دوم به محصول یا خدمات تخصیص داد روشی که در این مرحله به کار گرفته می‌شود همانند روش تسهیم سربار است.

شکل ۱ فرایند این دو مرحله هزینه‌یابی را در چارچوب سیستم ABC نشان می‌دهد.

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، مبنای تسهیم هزینه در مرحله اول ممکن است با مبنای آن در مرحله دوم متفاوت باشد. زیرا برخی از هزینه‌های مرکز فعالیت در پایین‌ترین سطح فعالیت قابل شناسایی نیستند. هزینه‌ها در پایین‌ترین سطح فعالیت باید قابل تخصیص به هر واحد محصول تولید شده باشد. هزینه‌های به وجود آمده در سطوح بالاتر باید بر مبنای عوامل غیر مرتبط با میزان تولید تسهیم گردند. هزینه‌ها در سطوح بالاتر معمولاً به‌عنوان هزینه ثابت پذیرفته شده‌اند. اما در سیستم

خدمات تسهیم می‌کنند). به‌عنوان مثال اگر زمان واقعی تولید نه ساعت و کل زمان چرخه تولید بیست و چهار ساعت باشد بازده چرخه تولید ۳۷/۵ درصد خواهد بود.  $[(9 \div 24) \times 100 = 37/5]$

تسهیم دو مرحله‌ای در هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت

در روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت تسهیم هزینه‌های سربار معمولاً در دو مرحله انجام می‌گیرد. بعد از ثبت فعالیتها در دفتر کل و در حسابهای معین، هزینه‌ها در مراکز هزینه مرتبط با مرکز فعالیت جمع‌آوری می‌شوند. این عمل با استفاده از مبنای تسهیم مرحله اول صورت می‌گیرد که سطح انجام هزینه را نیز نشان می‌دهد. مرکز فعالیت به آن بخشی از تولید و یا خدمات گفته می‌شود که مدیران هزینه‌های انجام شده آن را به طور جداگانه گزارش خواهند داد.

در شناسایی این مراکز مدیران باید نکات زیر را مورد توجه قرار دهند:

- نحوه قرار گرفتن تجهیزات نسبت به هم از نظر مکانی؛
- تعیین مرکز مسئولیت مدیریتی؛
- حجم هزینه‌های تولیدی و اهمیت نگهداری مراکز فعالیت به

## مسئله نمونه

شرکت امیرکبیر دو نوع کتاب خوراک‌شناسی جهت پخت غذا تهیه می‌کند. یکی از آنها با جلد مقوایی و دیگری با جلد چرمی تولید می‌گردند. مدیریت در حال بررسی انتشار با کیفیت خوب می‌باشد. شرکت سربار ساخت مربوط به دو کتاب را مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال تعیین نموده است که ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال حقوق بازرسان کنترل کیفیت و مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال آن مربوط به نگهداری ماشین‌آلات است سایر اطلاعات اضافی عبارت است از:

درآمد (فروش)	کتاب جلد مقوایی	کتاب جلد چرمی
هزینه‌های مستقیم	۱۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۱۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال
تعداد تولید	۱۲,۵۰۰,۰۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰
ساعات کار ماشین	۵۰۰,۰۰۰ جلد	۲۵۰,۰۰۰ جلد
تعداد بازرسی	۴۲,۵۰۰ ساعت	۷,۵۰۰ ساعت
مطلوب است:	۲,۵۰۰ دفعه	۱۲,۵۰۰ دفعه

الف: محاسبه هزینه سربار ساخت هر یک از کتابها با استفاده از عوامل تشخیص مناسب برای هر یک از هزینه‌های سربار  
ب: تهیه صورت سود و زیان با استفاده از سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت  
ج: تهیه صورت سود و زیان با استفاده از روش سنتی با استفاده از ساعات کار ماشین

حل مسئله نمونه  
الف

کتاب	کتاب	کتاب	ساعات کار ماشین
کتاب	کتاب	کتاب	نرخ هر ساعت کار ماشین (۲,۰۰۰,۰۰۰ ÷ ۵۰۰,۰۰۰)
جمع	کتاب	کتاب	هزینه نگهداری ماشین‌آلات
جمع	کتاب	کتاب	تعداد بازرسی
جمع	کتاب	کتاب	نرخ هریار بازرسی (۲,۰۰۰,۰۰۰ ÷ ۱۵,۰۰۰ = ۲۰۰)
جمع	کتاب	کتاب	هزینه‌های بازرسی کیفیت
جمع	کتاب	کتاب	جمع هزینه‌های سربار
۵۰,۰۰۰	۷,۵۰۰	۴۲,۵۰۰	۲,۰۰۰,۰۰۰
۴۰	۴۰	۴۰	۱,۷۰۰,۰۰۰
۲,۰۰۰,۰۰۰	۲۰۰,۰۰۰	۱,۷۰۰,۰۰۰	۲۵۰۰
۱۵۰۰۰	۱۲۵۰۰	۲۵۰۰	۲,۰۰۰,۰۰۰
۲۰۰,۰۰۰	۲,۵۰۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰	۲,۸۰۰,۰۰۰
۵,۰۰۰,۰۰۰	۲,۸۰۰,۰۰۰	۲,۲۰۰,۰۰۰	

صورت سود و زیان با استفاده از سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت

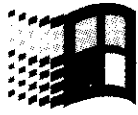
کتاب	کتاب	کتاب	درآمد فروش
کتاب	کتاب	کتاب	هزینه‌های مستقیم
کتاب	کتاب	کتاب	سربار ساخت (بندالف)
کتاب	کتاب	کتاب	سود
۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۴,۰۰۰,۰۰۰	۱۶,۰۰۰,۰۰۰	
۱۸,۵۰۰,۰۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۲,۵۰۰,۰۰۰	
۵,۰۰۰,۰۰۰	۲,۸۰۰,۰۰۰	۲,۲۰۰,۰۰۰	
۲۲,۵۰۰,۰۰۰	۸,۸۰۰,۰۰۰	۱۴,۷۰۰,۰۰۰	
۶,۵۰۰,۰۰۰	۵,۲۰۰,۰۰۰	۱,۲۰۰,۰۰۰	

صورت سود و زیان با استفاده از روش سنتی

کتاب	کتاب	کتاب	درآمد فروش
کتاب	کتاب	کتاب	هزینه‌های مستقیم
کتاب	کتاب	کتاب	سربار ساخت
کتاب	کتاب	کتاب	جمع هزینه‌ها
کتاب	کتاب	کتاب	سود(زیان)
کتاب	کتاب	کتاب	نرخ جذب سربار ساعتی
کتاب	کتاب	کتاب	سربار مسافت جلد مقوایی
کتاب	کتاب	کتاب	سربار مسافت جلد چرمی
۲۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۴,۰۰۰,۰۰۰	۱۶,۰۰۰,۰۰۰	
۱۸,۵۰۰,۰۰۰	۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۲,۵۰۰,۰۰۰	
۵,۰۰۰,۰۰۰	۷۵۰,۰۰۰	۴,۲۵۰,۰۰۰	
۲۲,۵۰۰,۰۰۰	۶,۷۵۰,۰۰۰	۱۶,۷۵۰,۰۰۰	
۶,۵۰۰,۰۰۰	۷,۲۵۰,۰۰۰	(۷۵۰,۰۰۰)	
			$5,000,000 \div (42,500 + 7,500) = 100$
			$42,500 \times 100 = 4,250,000$
			$7500 \times 100 = 750,000$



نمایشگاه کامپیوتر  
۲۳ تا ۲۷ خرداد ۲۹



# نرم افزارهای مالی اداری چند زبانه تحت Windows

در سطوح مختلف جهت شرکتهای بازرگانی و تولیدی

# نپال



Multilingual financial & administrative softwares



## ایده آل سیستم

نشانی : ایرانشهر شمالی کوی برنا ساختمان ۳۳ طبقه ۳ غربی  
واحد فروش : ۸۸۴۹۳۸۷ ، ۸۸۴۵۶۰۷ ، ۸۸۴۳۱۰۲ ، ۳ ، ۸۸۱-۴۷۱-۸۸۱  
واحد پشتیبانی : ۸۸۴۳۶۵۸  
فکس : ۸۸۴۵۶۰۶  
Email : ideal @ irost . istn . com



## وزارت کار و امور اجتماعی

## بخشنامه حداقل مزد سال ۱۳۷۹

تاریخ: ۱۳۷۸/۱۲/۲۸

شماره: ۶۵۰۳۷

شورای عالی کار در جلسه مورخ ۷۸/۱۲/۲۵ پس از بحث و بررسی راجع به حداقل مزد کارگران در سال ۱۳۷۹ با عنایت به نقشی که کارگران در روند اصلاح ساختار اقتصادی و ارتقاء بهره‌وری دارند و با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی کشور و همسو با اهداف برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور و هماهنگ با سیاستهای دولت در جهت تثبیت و حفظ و توسعه اشتغال و تشویق و تقویت هر چه بیشتر نیروی کار ماهر و متخصص در اجرای ماده ۱۲۱ قانون کار از اول سال ۱۳۷۹ حداقل مزد و تاثیر آن بر سایر سطوح مزدی و نیز کمک‌های غیرنقدی و مقررات مربوط به اعطای پایه سنواتی و ارتقاء طبقه شغلی کارگران مشمول قانون کار را در سراسر کشور به شرح زیر تصویب نمود:

- ۱- از اول سال ۱۳۷۹ حداقل مزد روزانه کارگران مشمول قانون کار (با اعمال فرمول ۱۰٪ افزایش بر روی حداقل مزد سال گذشته به اضافه ۲۰۰۰ ریال) معادل ۱۵۲/۷ ریال تعیین می‌گردد. همچنین از اول سال ۱۳۷۹ سایر سطوح مزدی نیز به ماخذ روزانه ۱۰٪ مزد ثابت یا مزد مبنا (موضوع ماده ۳۶ قانون کار) به اضافه روزانه ۲۰۰۰ ریال به نسبت آخرین مزد سال ۱۳۷۸ افزایش می‌یابد.
- ۲- نرخ پایه سنواتی کارگران در سال ۱۳۷۹ روزانه ۳۸۰ ریال می‌باشد که با گذشت یکسال از دریافت آخرین پایه سنواتی و یا پس از گذشت یکسال از تاریخ استخدام (در مورد کسانی که در سال ۱۳۷۸ استخدام شده‌اند) به آنان تعلق می‌گیرد.
- تبصره ۱- پرداخت مبلغ مربوط به پایه سنواتی به کارگران مشمول طرحهای طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی با در نظر گرفتن مبلغ فوق‌الذکر برای گروه یک با توجه به دستورالعمل اداره کل بهره‌وری و مزد صورت می‌گیرد.
- تبصره ۲- به کارگران فصلی به نسبت مدت کارکردشان در سال ۱۳۷۸ میزان مقرر در این بند (یا تبصره آن حسب مورد) تعلق می‌گیرد.
- ۴- ضوابط مربوط به نحوه اعمال افزایش مقرر در بند یک این بخشنامه در مورد کارگاههایی که دارای طرح طبقه‌بندی مشاغل می‌باشند و نیز در مورد کارگران کارمزدی و همچنین چگونگی ارتقاء طبقه شغلی به موجب دستورالعملهای اداره کل بهره‌وری و مزد خواهد بود.
- ۵- مقررات این مصوبه شامل حال دانش‌آموزان و دانشجویانی که در ایام تعطیلات تابستانی در سال ۱۳۷۹ بطور موقت در کارگاهها اشتغال می‌یابند نخواهد شد.

۶- واحدهای مشمول قانون کار به منظور ارتقا بهره‌وری و ایجاد انگیزه بیشتر در بین کارکنان خود علاوه بر اجرای این مصوبه می‌توانند نسبت به افزایش مزد و مزایا در قالب طرحهای انگیزشی و با انعقاد پیمانهای دسته جمعی پس از تایید وزارت کار و امور اجتماعی اقدام نمایند.

ابوالقاسم کرم‌بیگی

مدیرکل بهره‌وری و مزد

## وزارت کار و امور اجتماعی

تاریخ: ۱۳۷۸/۱۲/۲۸

شماره: ۴۶۶۳۳/ت

دستورالعمل نحوه اجرای مصوبه مورخ ۷۸/۱۲/۲۵ شورای عالی کار موضوع بخشنامه شماره ۶۵۰۳۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۸ وزیر محترم کار و امور اجتماعی نحوه اجرای مصوبه مزبور را در کارگاههای دارای طرحهای طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می‌دارد:

در اجرای بند ۴ مصوبه ۷۸/۱۲/۲۵ شورای عالی کار موضوع بخشنامه شماره ۶۵۰۳۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۸ وزیر محترم کار و امور اجتماعی نحوه اجرای مصوبه مزبور را در کارگاههای دارای طرحهای طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می‌دارد:

الف - نحوه اجرای بند یک بخشنامه راجع به افزایش مزد

مزد مبنا یعنی مزد گروه و پایه (و مزد رتبه در مورد واحدهایی که دارای نظام رتبه‌بندی می‌باشند و سایر مواردی که به موجب ضوابط مربوط در کارگاه جزء مزد مبنا محسوب می‌شوند) در مورد کلیه کارکنان از اول فروردین ماه ۱۳۷۹ روزانه ۱۰٪ به اضافه ۲۰۰۰ ریال افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر:

$$\text{مزد مبنای روزانه از اول سال } ۱۳۷۹ = ۲۰۰۰ + (۱/۱ \times \text{آخرین مزد مبنای روزانه در سال } ۱۳۷۸)$$

تبصره: به منظور به روز نگهداشتن ضرایب ریالی و جداول مزد و اعمال آنها به هنگام استخدام، ارتقاء و اعطای رتبه و نظایر آنها در سال ۱۳۷۹ آخرین ضریب ریالی در سال ۷۸ در عدد ۱/۱ ضرب شود تا ضریب فردی سال ۱۳۷۹ را بدست دهد. همچنین کلیه مزد شغل‌های گروه‌های بیست‌گانه آخرین جدول مزد سال ۱۳۷۸ در عدد ۱/۱ ضرب و با عدد ۲۰۰۰ ریال جمع شوند تا مزد شغل‌های سال ۱۳۷۹ بدست آید.

ب - نحوه اجرای بند ۲ بخشنامه راجع به نرخ پایه سنوات در سال ۱۳۷۹

جدول نرخ پایه سنوات در گروه‌های بیست‌گانه در سال ۱۳۷۹ به شرح جدول ذیل این دستورالعمل است. به کارکنانی که از ۷۹/۱/۱ به بعد دارای یکسال سابقه خدمت باشند یا یکسال از آخرین ترفیع پایه آنان سپری شده باشد متناسب با گروه شغلی مربوط یک پایه با نرخ مقرر اعطا می‌شود.

تبصره: اعطای پایه پس از اعمال بند یک بخشنامه به شرح مندرج در بند الف این دستورالعمل صورت می‌گیرد. (یعنی نرخ پایه مربوط به سال ۱۳۷۹ در عدد ۱/۱ ضرب نمی‌شود).

نحوه اجرای بند ۴ بخشنامه راجع به افزایش مزد ناشی از ارتقاء

در صورت ارتقاء هر یک از کارکنان در اجرای دستورالعمل اجرایی طرح طبقه‌بندی مشاغل در سال ۱۳۷۹ افزایش مزد ناشی از ارتقاء به ترتیب مقرر در دستورالعمل اجرایی طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگاه ذیربط صورت می‌گیرد.

تبصره ۱: در صورتیکه برابر دستورالعمل اجرایی طرح هنگام ارتقاء علاوه بر افزایش مزد شغل، مابه‌التفاوت نرخ پایه یا مزد سنوات در گروه قبلی و گروه جدید نیز پرداخت می‌گردد. این مابه‌التفاوت در ۱/۱ نیز ضرب می‌شود.

تبصره ۲: در کارگاههایی که فاقد طرح طبقه‌بندی مشاغل مصوب می‌باشند پرداخت اضافه مزد ناشی از ارتقا می‌باید طبق ضوابط مزدی، رویه و عرف کارگاه در گذشته انجام شود.

جدول نرخ پایه در گروه‌ها در کلیه طرحهای طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت کار و امور اجتماعی

گروه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
نرخ پایه	۳۸۰	۳۸۵	۳۹۰	۳۹۵	۴۰۰	۴۰۵	۴۱۰	۴۱۵	۴۲۰	۴۲۵
گروه	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
نرخ پایه	۴۳۰	۴۴۰	۴۵۰	۴۶۰	۴۷۰	۴۸۰	۴۹۰	۵۰۰	۵۱۰	۵۲۰

ابوالقاسم کرم‌بیگی

مدیرکل بهره‌وری و مزد

## وزارت کار امور اجتماعی

تاریخ: ۱۳۷۸/۱۲/۲۸

شماره: ۴۶۶۳۴/ت

دستورالعمل نحوه اجرای بند یک بخشنامه شماره ۶۵۰۳۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۸ مقام وزارت کار و امور اجتماعی در مورد کارگران کارمزدی

در اجرای بند ۲ بخشنامه شماره ۶۵۰۳۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۸ مقام عالی وزارت کار و امور اجتماعی بدینوسیله نحوه اعمال بند یک بخشنامه مذکور در مورد کارگران کارمزدی را اعلام میدارد:

## ۱- چگونگی اعمال ده درصد افزایش

قسمت ثابت مزد (در صورتی که کارگران دارای قسمت ثابت مزد باشند) و نیز نرخ‌های کارمزدی در سال ۱۳۷۹ (به نسبت آخرین مزد یا کارمزد در سال ۱۳۷۸) هر یک به ماخذ ده درصد افزایش می‌یابند.

تبصره: چنانچه نرخ یا ملاک‌های کارمزدی تابع قسمت ثابت مزد بوده و یا به عبارت دیگر به صورت درصدی از قسمت ثابت مزد تعیین شده باشند، در این صورت تنها بخش ثابت مزد مشمول افزایش ده درصد می‌گردد (زیرا با این عمل، نرخ با ملاک‌های کارمزدی نیز به دلیل تبعیت از قسمت مذکور خودبخود دستخوش افزایش خواهند شد.

## ۲- چگونگی اعمال افزایش رقم ثابت ۲۰۰۰ ریال

علاوه بر افزایش ده درصد به ترتیب مندرج در بند بالا، چنانچه کارگران دارای قسمت ثابت مزد باشند، این قسمت در سال ۱۳۷۹ روزانه ۲۰۰۰ ریال افزایش می‌یابد و در صورتی که فاقد قسمت ثابت مزد باشند نیز در سال ۱۳۷۹ روزانه ۲۰۰۰ ریال در اجرای مصوبه شورای عالی کار به صورت ثابت در مورد آنان برقرار می‌شود.

توصیه می‌شود به منظور ایجاد انگیزه بیشتر در جهت ارتقاء سطح کمی و کیفی تولید و افزایش درآمد کارگران متناسب با تولید در صورت توافق طرفین، رقم ثابت ۲۰۰۰ ریال نیز به جای پرداخت به صورت مقطوع بر روی نرخ با ملاک‌های کارمزدی به نحوی اعمال گردد که از این بابت به طور متوسط روزانه حداقل ۲۰۰۰ ریال (ماهانه ۶۰/۰۰۰ ریال) عاید کارگران ذیربط شود.

تبصره: در صورت اعمال روش اخیر، چنانچه دریافتی کارگران از این بابت کمتر از ۶۰/۰۰۰ ریال در ماه (سی‌روز) شود، کارفرما ملزم به ترمیم آن تا رقم مذکور خواهد بود.

## ۳- اعطای پایه سنوات

علاوه بر افزایش کارمزد، به کارگران کارمزدی نیز برحسب آنکه مشمول طرح طبقه‌بندی مشاغل باشند یا خیر حسب مورد تطابق دستورالعمل‌های ذیربط از پایه سنواتی موضوع بند ۳ بخشنامه شماره ۶۵۰۳۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۸ مقام محترم وزارت کار و امور اجتماعی برخوردار خواهند شد.

ابوالقاسم کرم‌بیگی

مدیرکل بهره‌وری و مزد

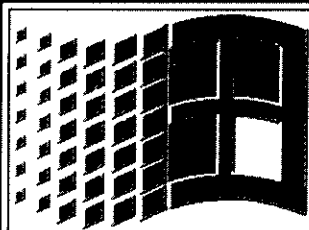
## حداکثر دستمزد مبنای کسر حق بیمه در سال ۱۳۷۹

باستناد بخشنامه شماره ۶۲۹ فنی سازمان تامین اجتماعی حداکثر دستمزد روزانه مشمول کسر حق بیمه معادل ۵۴۸۰۰ ریال برای سال ۱۳۷۹ تعیین شده است.

# سیستم جامع حسابداری

## تدبیر

یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد  
بازار کائنات آرند

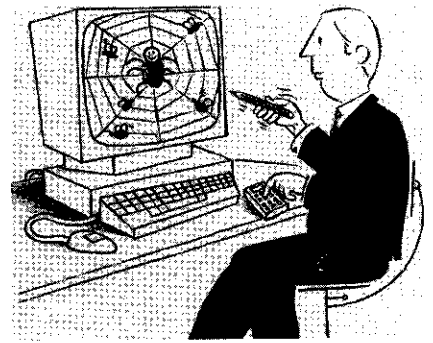


نفت  
**Windows 9x  
&  
Windows NT**

شرکت پردازش موازی سامان (با مسئولیت محدود)

تهران - میدان توحید - خیابان توحید - پلاک ۲۲ تلفن: ۹۲۹۱۱۰-۹۳۹۱۱۰ فاکس: ۹۳۹۱۱۰

## حسابداری و برنامه ریزی اقتصادی



عوامل اقتصادی و محیطی متعددی وابسته است.

برای تهیه جدول داده ستاده‌ها محاسبه ضرائب فنی ضروری می‌گردد ضرائب فنی  $a_{ij}$  در جدول شماره ۱ می‌باشند.

برای مثال  $a_{۲۲}$  مقدار کالای تولید شده در صنعت یا بخش ۲ می‌باشد که برای تولید یک واحد پولی محصول در صنعت یا بخش ۴ مورد نیاز است. به‌طورکلی  $a_{ij}$  مقدار محصول صنعت  $i$  است که برای تولید یک واحد پولی از محصول صنعت  $j$  مورد نیاز می‌باشد. اطلاعات درست هزینه که به‌وسیله حسابداران صنعتی در واحدهای اقتصادی تهیه می‌گردد می‌تواند کمک بسیار زیادی برای اقتصاددانان تهیه کننده جدول داده - ستاده‌های اقتصاد باشد. در زمینه کارایی استفاده از منابع یا اجتناب از اتلاف منابع در سطح خرد، کنترل‌های حسابداری اعمال شده از طریق بودجه‌بندی و استفاده از روش هزینه‌یابی استاندارد و یافتن دلایل انحراف به‌وسیله حسابداران صنعتی می‌تواند بسیار مفید باشد.

اساس و پایه برنامه‌ریزی داشتن اطلاعات دقیق و با مفهوم است. در سطح ملی، حسابهای ملی باید این اطلاعات را برای برنامه‌ریزی در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهد. حسابهای ملی آنچه را که در اقتصاد اتفاق افتاده توصیف می‌کند. این حسابها عموماً با استفاده از اطلاعات ارائه شده به‌وسیله قسمت حسابداری واحدهای تولیدی تهیه می‌شوند<sup>(۱۰)</sup>. حسابداری خرد

طریق بتوان اطلاعات قابل اطمینانی برای فرایند توسعه فراهم آورد. این چارچوب خاص باید بین حسابداری خرد (بنگاههای اقتصادی) و حسابداری کلان (حسابداری ملی) پیوند ایجاد کند.

از آنجایی که برنامه‌ریزی توسعه معرف یک نظام تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان است، بنابراین برای کاهش عدم اطمینان لازم است نظام اطلاعاتی و آماری منسجمی در کنار آن ایجاد شود. در غیر این صورت انتخاب بهترین راهها برای به‌کار گرفتن منابع کمیاب اقتصادی برای برنامه‌ریزی توسعه ممکن نمی‌گردد.

نبود اطلاعات قابل اعتماد برای برنامه‌ریزی توسعه می‌تواند آثار نامطلوب چندی در فرایند توسعه برجا گذارد.

۱- انتخاب الگوی توسعه فاقد مبنای درست خواهد بود و با واقعیات خاص کشور مورد نظر سازگاری نخواهد داشت.

۲- فقدان اطلاعات لازم در خصوص روابط متقابل بین بخشهای اصلی اقتصاد باعث می‌شود که برنامه‌ریزی توسعه فاقد سازگاری و هماهنگی درونی باشد.

۳- فقدان اطلاعات مربوط به کمیابی نسبی منابع موجود برای برنامه توسعه فرایند تخصیص منابع را به بیراهه می‌کشاند.

به‌طور خلاصه نداشتن نظام اطلاعاتی و آماری درست منجر به این می‌شود که در پایان برنامه توسعه یا به نتایج قابل لمس نسیم یا برای آنچه که به‌دست آورده‌ایم، بهای گزاف بپردازیم.

از جمله ضرورت‌های یک برنامه واقع‌بینانه ایجاد سیستم واحد جمع‌آوری اطلاعات آماری و مالی، تقویم و برآورد هزینه‌ها، بودجه‌بندی پروژه‌ها و برآورد هزینه و فایده منابع اقتصادی است. برای این منظور به یک نظام سازمان یافته

یا حسابداری در سطح بنگاههای اقتصادی، عمدتاً به محاسبه و گزارش نتایج عملیات بنگاههای اقتصادی مربوط می‌شود و بخش چشمگیری از پایه آماری نظام حسابداری ملی را تشکیل می‌دهد. اما حسابداری در بنگاههای اقتصادی با هدفی غیر از هدف کمک به نظام حسابداری ملی انجام می‌گیرد. بنابراین باید بین محاسبات حسابداری خرد و حسابداری ملی سازگاری ایجاد شود.

این سازگاری با هماهنگی از نظر تعاریف، واحدهای اندازه‌گیری، طبقه‌بندی‌ها، میزان دقت لازم در آمار حسابداری خرد برای هدفهای حسابداری ملی ایجاد می‌شود. حسابداران باید از اهمیت محاسبات خود در فرایند تدوین برنامه برای اقتصاد آگاه گردند. این آگاهی باعث می‌شود که برای توسعه کار خود افق وسیعتری داشته باشند.

در کشورهای در حال توسعه آگاهی لازم در مورد نقش مهم و بالقوه حسابداری در فرایند توسعه اقتصادی وجود ندارد. به عقیده گروهی این ناآگاهی ناشی از این واقعیت است که اقتصاددانان توسعه و برنامه‌ریزان به اهمیت حسابداری در توسعه اقتصادی واقف نیستند یا اینکه حسابداری را عاملی برون‌زا فرض می‌کنند. بسیاری از برنامه‌ریزان توسعه فکر می‌کنند که وقتی فعالیتهای اقتصادی، توسعه اقتصادی را سرعت بخشید، توسعه حسابداری نیز بگونه‌ای خودکار به‌وجود می‌آید.

اما در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه، توسعه حسابداری باید به مثابه توسعه بخشی از زیر ساخت لازم برای رسیدن به توسعه اقتصادی تلقی شود. بنابراین باید چارچوبهای خاصی برای توسعه حسابداری به‌وجود آید تا از آن



منابع نبود، برنامه‌ریزی اقتصادی چندان اهمیت نداشت. امروزه فشار جمعیت، بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ، بدهی خارجی و کمبود ارز را داریم. مشکلات اقتصادی فراوان هستند. باید به برنامه‌ریزی توسعه و رشد اهمیت داد. اما برنامه‌های بعد از انقلاب انحرافات قابل توجه داشته است که این انحرافات تا حدی ناشی از مرحله ساخت برنامه و بخشی ناشی از مرحله اجراست. اشکالات مرحله ساخت برنامه به نظام اطلاعاتی مربوط می‌شود که حسابداران نقشی مهم در بهبود آن دارند. اشکالات مرحله اجرا نیز به کنترلها مربوط می‌شود که باید توسط مدیران اقتصاد کلان کشور اصلاح شود، در این زمینه نیز حسابداران می‌توانند نقش موثری داشته باشند.

#### بی‌نوشت

- 1- Directive planning
- 2- Incentive planning
- 3- Indicative planning

#### منابع

- ۱- مهدی تقوی، مدیریت مالی ۱، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴
- ۲- رگلز و دیگران، حسابداری و برنامه‌ریزی اقتصادی، ترجمه مهدی تقوی - صالح لطفی، انتشارات پیشبرد ۱۳۶۳
- 3- W.D. Gardner, Government Finance, PP3 - 12
4. Killick, The Adaptive Economy, PP. 75-77.
- 5- M. Cave and P. Hare, Alternative Approaches to Economic Planning PP 1-16
- 6- O. Lange, Essays on Economic Planning, PP 11-20
- 7- J.k. Gallbraith, Economic Development, P. 27
- 8- M. Cave and P.Hare, PP. 128-148
- ۹- مهدی تقوی، مدیریت مالی ۱، فصل بودجه‌بندی سرمایه‌ای
- ۱۰- رگلز و دیگران، حسابداری و برنامه‌ریزی اقتصادی، ترجمه مهدی تقوی، صالح لطفی صفحات ۱۰-۵

رابطه پویا و مستمری بین حرفه حسابداری و همه ارگانهای درگیر در نوسازی و بهسازی شبکه گردآوری و انتقال اطلاعات به صورتی سازمان یافته و تمرکز یافته برقرار گردد. حرفه حسابداری باید به فلسفه و بینش جدیدی درباره حسابداری و پیوندهای اجتماعی آن مجهز گردد و مفهوم استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری را به‌گونه‌ای دیگر توسعه داده و غنی سازد که ارگانهای نیازمند به اطلاعات اقتصادی برای برنامه‌ریزی‌های عمرانی جایگاه مهمی در آن مجموعه استفاده‌کنندگان بیابند و حسابداران ملی بتوانند سهولت آمار حسابهای ملی را با اتکا به صورتهای مالی تهیه شده به‌وسیله حسابداران تهیه کنند. به نظر می‌رسد نخستین مسئله‌ای که در این حرکت به سوی نگرش جدید به اهمیت و جایگاه حسابداری پیش می‌آید، تجدیدنظر در الگوها، اصول و استانداردهای حسابداری گرفته شده از کشورهای سرمایه‌داری صنعتی است. بدین معنی که اصول، قواعد و استانداردهای حسابداری گرفته شده از این کشورها تا چه اندازه جوابگوی نیازهای اطلاعاتی برای برنامه‌ریزی توسعه می‌باشد.

بررسی ارتباط حسابداری با برنامه‌ریزی توسعه اگر به‌شکل عمیق‌تر و گسترده‌تر انجام شود ممکن است این پرسش را پیش آورد که حرفه حسابداری در کشوری مانند کشور ما چگونه و در چه شرایطی می‌تواند همسوی حرکت عمومی جامعه در راه توسعه اقتصادی به حرکت در آید و خود انگیزه موثری در ادامه این حرکت عمومی گردد.

مسئله دیگری که توجه به آن ضروری است، این است که در ایران در گذشته نه فشار جمعیت وجود داشت و نه بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ و نه بدهی خارجی و کمبود ارز، چون منابع نسبتاً کمیاب نبودند و فلسفه حاکم بهینه‌سازی استفاده از

حسابداری بخشها و حسابداری کلان که بتواند سازمان مسئول تهیه حسابداری ملی یا حسابداری اجتماعی کشور را تغذیه اطلاعاتی کند، نیاز هست.

در تئوری، شرط اولیه داشتن یک نظام اطلاعاتی و آماری قابل اعتماد برای ارزیابی و کارکرد اقتصادی یک کشور وجود یک نظام حسابداری ملی است. با در اختیار داشتن نظام حسابداری ملی می‌توانیم تعریفی منسجم و کمی از ساخت یک اقتصاد را در دوره معینی از زمان ارائه دهیم. نکته بسیار مهم این است که اکثر کشورهای در حال توسعه نظام حسابداری ملی خود را از نظام حسابداری ملی سازمان ملل متحد گرفته‌اند. با اینکه نظام پیشنهادی کالا نظامی کامل و منطقی است، اما این نظام عمدتاً برای کشورهای صنعتی بسیار پیشرفته تدوین شده است. و قابل انطباق با شرایط خاص کشورهای در حال توسعه نیست. این کشورها باید با توجه به شرایط خاص خود و با استفاده از نظام حسابداری پیشنهادی UN، نظام خاص حسابداری ملی خود را طراحی کنند.

#### نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی توسعه از جمله مستلزم دسترسی به اطلاعات مربوط، کامل و بهنگام است. چون هدف برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی عموماً اقدام در جهت افزایش نرخ رشد و توسعه اقتصاد می‌باشد، کوشش آگاهانه برای ایجاد مراکز و شبکه جمع‌آوری و انتقال اطلاعات خود جزئی از کوشش همگانی در راه توسعه اقتصادی است. بدیهی است که در این کوشش خاص برای نوسازی یا بهسازی نظام اطلاعاتی مورد نظر، مطالعه «وضع موجود» بر هر اقدام دیگری مقدم است. در این نوسازی و بهسازی حرفه حسابداری می‌تواند و باید فعالانه مشارکت کند.

این بدین معنی است که لازم است

# گرفتن دستهای کوچک دعوتی است از

موسسه محک با هدف سترگ کمک به کودکان مبتلا به سرطان در دی ماه ۱۳۷۰ (صددرصد خصوصی) با شماره ثبت ۶۵۶۷ تاسیس شده و از همان ابتدا سعی نموده تا مرهم و تسکینی برای تخفیف آلام و رنجهای این کودکان و خانواده‌های آنها باشد.

محک خوشبختانه توانسته است در این مدت با تلاشی بی‌وقفه و با یاری صمیمانه هموطنان نیکوکار در راستای هدفهای خود خدمات ارزنده‌ای را به شرح زیر به کودکان تحت پوشش ارائه دهد.

- کمک مستقیم مالی و دارویی
- فراهم نمودن تسهیلات تشخیص و درمان
- بهینه‌سازی بخشهای خون کودکان بیمارستانهای تحت پوشش و همکاری با مددکاران و مسئولان این بخشها
- ارائه خدمات آموزشی و مشاوره بهداشتی - روانی به کودکان و خانواده‌های آنان
- اجرای برنامه‌های آموزشی و سرگرمی و بازی کودکان
- ایجاد فضای همیاری بین خانواده‌های کودکان بیمار
- ایجاد تسهیلات و امکانات بیشتر برای نگهداری کودکان در بیمارستانها

طی سالهای گذشته و بر اساس تجربه‌های به دست آمده در مورد بررسی شرایط اجتماعی - اقتصادی خانواده‌های کودکان مبتلا به سرطان و مطالعه امکانات تشخیصی درمانی و بیمارستانی، این بیماران در سطح کشور نیازی مبرم به یک مجتمع رفاهی - درمانی با فضای شاد و تمیز همراه با تغذیه و مراقبت ویژه دارند که این امری ضروری و اساسی تشخیص داده شده است.

کودکان معصوم بیمار شهرستانی پس از شیمی درمانی، پرتو درمانی و غیره در شهر شلوغ تهران به دلیل نداشتن جا و مکان سرگردان شده و قبل از اینکه سرطان آنها را از پای درآورد آلودگیهای مسافرخانه‌ها، کنار

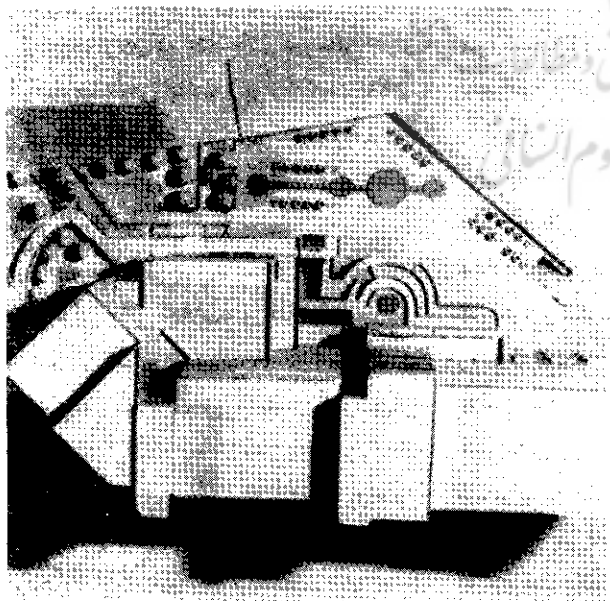


# دست‌های بزرگتر که نگهدارمان باشند

پیاده‌روها و کنار بیمارستانها آسیبهای جبران‌ناپذیری به آنان وارد می‌آورد. از این رو احداث مجتمع رفاهی - بهداشتی محک در دستور کار قرار گرفت.

مجتمع رفاهی - بهداشتی محک در زمینی به مساحت ۴۴۰۰ متر مربع که با قیمت مناسب از سازمان زمین شهری در منطقه دارآباد تهران خریداری شده احداث می‌گردد. در این مجتمع اقامت ۱۲۰ کودک بیمار همراه با یکی از والدین آنها در فضاهای خصوصی، به انضمام سرویسهای بهداشتی مستقل و تسهیلات جانبی در بخشهایی با ظرفیت ۲۸ تخت (با همراه) پیش‌بینی شده است. در بخش آشپزخانه و غذاخوری امکانات تغذیه کودکان و یکی از والدین آنها به علاوه کارکنان شاغل در مجموعه در نظر گرفته شده است و افزون بر آن ایجاد بخشهای رختشویخانه، واحد استریل و امکانات رفاهی و بازپروری کودکان در قالب بخش فیزیوتراپی با تاکید بر تسهیلات استخر و آب‌درمانی و نیز پیش‌بینی امکانات سالنهای نمایشی، بوفه و فضاهای اداری، از دیگر برنامه‌های مورد نظر در طرح مجموعه است. علاوه بر این در بخشهای توسعه آتی، امکان استقرار فضاهای کلینیکی، دفاتر کار پزشکان، آزمایشگاه و رادیولوژی نیز مد نظر می‌باشد. مجتمع از تسهیلات مکانیکی و تهویه مطبوع، به صورت مرکزی برخوردار خواهد بود.

لازم به یادآوری است، ناظر مالی مجتمع، یکی از اعضای شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران می‌باشد. از جامعه حسابداران کشور که همیشه در کار خیر پیشقدم بوده‌اند دعوت می‌شود در صورت تمایل کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۴۴۴ بانک صادرات شعبه قائم مقام (کد شعبه ۱۴۴۵) به نام محک واریز نمایند. ضمناً در صورت تمایل، تصویر فیش کمک خود را (با نام و یا بدون نام) به دفتر مجله ارسال فرمایند.



## ادامه از صفحه ۱۳ مدل گزارشگری مالی در بنگاههای...

شرکتها باید روشها و مفروضات به کار رفته در تهیه گزارشهای دوره‌ای را که با محاسبات سالانه متفاوت است افشا نمایند.

**اطلاعات عملیاتی سطح بالا و معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت که مدیریت برای اداره شرکت به کار می‌برد.**

اطلاعات عملیاتی سطح بالا و معیارهای ارزیابی عملکرد در شرکتها و صنایع مختلف فرق خواهد کرد. مدیریت باید معیارهایی را برگزیند که با نوع فعالیت شرکت بامعنی و مرتبط بوده و معیار نشان‌دهنده آینده شرکت باشد.

اطلاعات غیرمالی برای فهم صورتهای مالی، درک ارتباط بین وقایع و تاثیر مالی آن وقایع بر شرکت و پیش‌بینی آینده شرکت مهم می‌باشد. برای شرکتی با چندین بخش مختلف، اطلاعات مزبور باید به تفکیک هر یک از بخشها باشد. عموماً افشای اطلاعات غیرمالی بعدی کمک موثر در ارزیابیها می‌نماید و بهتر است که این اندازه‌گیری مقداری با بحثهای کیفی توضیح داده شود.

در مواردی که اطلاعات غیرمالی برای شرکت مشخص نباشد و یا از اهمیت بالایی برای شناسایی عملیات شرکت برخوردار نباشد، افشای آنها در گزارشهای مالی ضرورتی ندارد.

اطلاعات بسایند برای دوره‌ای که صورتهای مالی خلاصه و اطلاعات و آمار اساسی و نسبتهای مالی ارائه شده است ارائه گردد. اطلاعات زیر باید در گزارشهای مالی افشاگردند.

- آمار و ارقام مربوط به فعالیتهای درآمدزا، مقبولیت بازار و کیفیت مانند تعداد و قیمت تولیدات و خدمات عرضه شده، رشد و یا کاهش سهم بازار، آمار رضایت مشتریان، درصد ضایعات یا برگشت کالا و خدمات.

- آمار و ارقام مربوط به فعالیتهایی که منجر به هزینه می‌شود مانند تعداد کارکنان و متوسط پاداش هر کدام و مقدار و قیمت مواد مصرف شده.

- ارقام مربوط به فعالیتهای تولیدی مانند نسبت ستاده به داده.

- آمار مربوط به زمان لازم برای اجرای فعالیتهای اصلی مثل تولید یا تحویل کالاها و خدمات و ایجاد تولیدات و خدمات جدید.

- اطلاعات مربوط به کمیت و کیفیت منابع کلیدی شامل منابع انسانی یا متوسط عمر داراییهای مهم و یا مقدار ذخایر طبیعی.

- معیارها و ضوابط مربوط به اختراع و ابداع مانند درصد واحدهای تولید شده در سال جاری که طی سه سال گذشته طراحی شده و یا تعداد پیشنهادات کارمندان و کارگران جهت بهبود وضعیت شرکت که در سال گذشته دریافت شده است.

- مقدار مشارکت کارکنان در امور شرکت و اجرای وظایف و رضایت کارکنان.

- ارزیابی استحکام روابط بین شرکت و فروشندگان مانند رضایت آنها و میزان تغییرات در این ارزیابی.

### تجزیه و تحلیل مدیریت از اطلاعات مالی و غیرمالی

● **دلایل تغییر در اطلاعات مالی، عملیاتی و عملکرد و شناسایی تاثیر عوامل کلیدی در روند گذشته**

● این بخش تغییرات کلیدی ارقام مندرج در گزارشهای مالی و غیرمالی تاریخی را شناسایی و دلایل این تغییرات را مورد بحث قرار می‌دهد.

● توضیحات اطلاعات مالی همانند اطلاعات غیرمالی به شناخت بیشتر گزارشهای مالی کمک می‌نماید. همچون

گزارشهای مالی که رخدادهای مالی را معنی‌دار می‌نماید، این توضیحات تغییرات ایجاد شده در اطلاعات غیرمالی را نیز معنی‌دار می‌نماید. در گزارشهای سالانه تجزیه و تحلیل اطلاعاتی مدیریت باید دست کم بر روی سال قبل متمرکز گردد. توضیحات حداقل باید زمینه‌های مورد اشاره در زیر را مشخص نماید.

### ● دلایل تغییر

- مقبولیت بازار، مانند تغییر در درآمد ناشی از تغییر قیمت یا مقدار فروش کالا و خدمات و تولیدات جدید و دلایل این تغییرات.

- دلایل تغییر در نسبتهای مالی مانند نسبت تولید به عوامل آن.

- نوآوری مانند درصد درآمد که ناشی از تولیداتی می‌باشد که طی سه سال گذشته وجود نداشت یا درصد کاهش در هزینه‌ای که ناشی از روش جدید تولید می‌باشد و دلایل آن.

- سودآوری مانند نسبت سود خالص به فروش و دلیل تغییرات این نسبت.

- تغییرات در وضعیت مالی مانند دوره فروش و دلایل تغییرات در این دوره.

- قدرت نقدینگی و انعطاف‌پذیری مالی مانند نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام و دلایل تغییر در این نسبت.

- شناسایی و تاثیر معاملات غیرمعمول و غیرمستمر و رخدادهایی که در صورتهای مالی درج شده است.

### ● وضعیت و آثار رویه‌ها و روشهای اساسی گذشته

- وضعیت اجتماعی، جمعیت، تکنولوژیکی، دانش فنی و وضعیت سیاسی، اقتصاد جهانی و مقرراتی که بر روی وضعیت تجاری شرکت تاثیر دارد باید توسط مدیریت شناسایی و بررسی گردد.

- آثار روند عملیات گذشته و تاثیر هر یک از



رویه‌های اشاره شده در بندهای قبلی که بر ارائه اطلاعات تاثیر می‌گذارد باید شناسایی شود.

### اطلاعات فرانگر (مرتبط با آینده)

اگرچه اطلاعات مالی و غیرمالی که برای آینده شرکت تهیه شده برای تحلیلگران مالی مفید می‌باشد ولی چون استفاده‌کنندگان خود آنها را تهیه می‌نمایند، از این رو به دلیل هزینه و منفعت تهیه گزارشهای مذکور، ارائه آن ضروری نیست. اما اگر اطلاعات مذکور ارائه شود نباید جایگزین بخشهای دیگر مدل پیشنهاد شده تسلی می‌گردد و حداقل استانداردهای حسابداری همچون استانداردهای تدوین شده انجمن حسابداران خبره امریکا باید در گزارشها مزبور منظور گردد. در این‌گونه گزارشها عوامل زیر باید مورد توجه قرار گیرد.

● فرصتها و خطرات شامل مواردی که ناشی از روندهای کلیدی گذشته شرکت می‌باشد.

فرصتها و مخاطرات جزو روندهای مهم مذکور در بندهای قبلی می‌باشد مانند تقاضا، تعهدات، تمرکز و وقایع، جریان قانونی که مدیریت از آنها آگاهی دارد و در تهیه و ارائه گزارشهای مالی تاثیر دارد باید به عنوان عوامل مهم در درآمدهای اصلی آتی، سود خالص، گردش وجوه و یا آینده مالی شرکت در نظر گرفته شود.

● ماهیت هر یک از مخاطرات و فرصتها که معیار افشای مذکور در بند بالا را ارضا می‌کند و ماهیت تقاضا، تعهدات و یا رخدادهای از جمله مراحل قانونی موجود آن باید افشا گردند؛

● برای هر یک از فرصتها و خطرات که در بند بالا مشخص شده است آثار آن باید بر روی درآمدهای اصلی آتی و جریان وجوه نقد آتی ناشی از فعالیتهای اصلی در آینده مشخص گردد. برای هر یک از انواع

مخاطرات و فرصتها که بر روی عملیات شرکت تاثیر دارند باید اطلاعات و توضیحات جداگانه‌ای ارائه شود.

● افشای خطر نبود قدرت نقدینگی باید بر روی انعطاف‌پذیری مالی متمرکز گردد. یعنی عاملی که توانایی موسسات را برای مقابله با تامین جریانات نقدی آینده و تامین نیازها و استفاده از فرصتهای قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی نشان می‌دهد به‌طور خلاصه افشای اطلاعات باید شامل موارد زیر باشد.

- شناسایی و توصیف منابع داخلی و خارجی، نقدینگی و منابع بااهمیت استفاده نشده از داراییهای جاری.

- توضیح هر نوع روند مساعد یا نامساعد، در نوع منبع، مبلغ، یا هزینه سرمایه‌ای که شرکت و یا بخشی از آن قادر به جذب آن می‌باشند.

- رخدادهای گذشته، تعهدات، وقایع و یا عدم اطمینان که مطلقاً بر روی قدرت نقدینگی شرکت و یا بخشها تاثیر می‌گذارد و باعث افزایش یا کاهش منابع می‌گردد باید شناسایی شوند. اگر کمبود منابع شناسایی و مشخص شود، شرکت و بخش مربوط اقدامات لازم جهت تامین آن و اصلاح وضعیت به عمل خواهد آورد.

● ضوابط و معیارهایی که فرصتها و خطرات می‌باید داشته باشند تا افشا شوند. همان‌گونه که در بندهای قبلی ذکر شده شرکتها باید اطلاعات مربوط به هر یک از فرصتها و مخاطرات را افشا و در تاریخ گزارش ارائه نمایند؛

● افشای موارد مربوط به زمان حاضر، فرصتها و مخاطرات نباید کلاً آینده را در نظر بگیرند.

### جنبه‌های مهم

جایی که روند، تعهد، تمرکز، یا رخداد وجود دارد مدیریت باید سه عامل را مورد توجه قرار دهد:

احتمال وقوع، اندازه تاثیر بالقوه آن، و سرعت تاثیر بالقوه آن. افشای اطلاعات در صورتی مفیدتر خواهد بود که:

● احتمال، روند، تعهدات، تمرکز و یا اتفاقات رشد شرکت افزایش یابد؛

● اندازه تاثیر بالقوه بر وضعیت مالی، درآمد حاصل از عملیات اصلی، سود خالص، کل درآمد یا جریان گردش وجوه افزایش یابد؛

● وقتی که احتمال وقوع یا تاثیر بالقوه آن وجود داشته باشد؛

● افشا هنگامی لازم است که اطمینان حاصل شود تعهدات، تقاضاها یا روند عملیات و اتفاقات مفید بوده و اثر بالقوه آن حداقل بااهمیت باشد.

● وقتی که احتمال وقوع حوادث بعید باشد، عموماً افشا ضرورتی ندارد. اما اگر اندازه اثر بالقوه قابل توجه باشد، مانند آنچه تداوم فعالیت شرکت را تهدید می‌کند باید افشا گردد.

● وقتی که اثر اتفاقات بالقوه باعث تغییرات در خور توجهی بر روی عملیات شرکت می‌گردد و یا اگر درجه احتمال وقوع بزرگتر از بعید است، افشای آنها باید صورت پذیرد.

● احتمال وقوع رخداد در بین سایر عوامل از اهمیت کمتری برخوردار است، عموماً افشای این موارد برای مخاطرات و فرصتهایی که می‌تواند در روند عملیات قابل پیش‌بینی آینده تاثیر داشته باشد نباید از یک دوره سه ساله از تاریخ ترازنامه بیشتر باشد.

● مدیریت ممکن است که توان تشخیص احتمال وقوع، اندازه اثر احتمالی و سرعت تاثیر اتفاقات مهم و یا وقایع را نداشته باشد. در صورتی که مدیریت توان شناسایی آنها را نداشته باشد، باید ارزیابی کند که با فرض احتمال وقوع، افشا مفید است یا نه؟



### • افشای موارد خاص و یا غیرمعمول

مخاطرات و فرصتهای غیرمعمول در خصوص روند عملیاتی مهم، تقاضا، تعهدات تمرکز و یا اتفاقات غیرمعمول که مشخصاً با وضعیت موجود عملیاتی شرکت متفاوت است باید افشا گردد.

### • کمک به آگاهی از جریانات گردش وجوه یا درآمدها

- عدم افشا در مورد موارد مطرح شده ممکن است بر توانایی استفاده کنندگان و سرمایه گذاران جهت تخمین جریان وجوه نقد و درآمد آینده تاثیر بگذارد.

- گزارشها باید محدود به مخاطرات و فرصتهای شناسایی شده توسط مدیریت در روند عملیات شرکت باشد.

در شناسایی فرصتها و خطراتی که برای افشا لازم است شرکتها باید انواع مختلف فرصتها و مخاطرات زیر را مورد توجه و شناسایی قرار دهند.

• فرصتها و خطراتی که ناشی از مشارکت در صنایع دیگر می باشد؛

• فرصتها و خطرات ناشی از تغییر در ساختار بخشهای مختلف صنعتی شرکت که ترکیب ساختار آن صنعت در بندهای قبلی مشخص شده است؛

• فرصتها و خطراتی که ناشی از تمرکز به روی بخشی از واحد تجاری می باشد (مانند تمرکز به روی داراییها، مشتریان) و یا تامین کنندگان مواد اولیه؛

• خطر نبود نقدینگی؛

• سود یا زیان احتمالی که مربوط به حقوق و وظایف شرکت می باشد یعنی محدودیتهای قانونی.

برنامه های مدیریت و عوامل اساسی موفقیت آن

۱- شناسایی فعالیتها و برنامه های مدیریت

برای دستیابی به هدفهای بلندمدت و استراتژیک شرکت که در بندهای قبل معرفی شده است و مدیریت اعتقاد دارد که آنها آثار بااهمیتی در جریان نقدی آتی شرکت دارند.

۲- ماهیت و اهمیت عوامل و شرایطی که مدیریت معتقد است باید مهیا شود تا هدفهای بلندمدت و استراتژیک تعیین شده حاصل شود و برای تحقق این امر دو عامل زیر مهم است.

- عوامل و شرایطی که باید در محیط داخل شرکت به وقوع بپیوندد.

- عوامل و شرایطی که باید در محیط بیرون از شرکت به وقوع بپیوندد.

مقایسه بین عملکرد واقعی شرکت که قبلاً گزارش شده با فرصتها، مخاطرات و برنامه های مدیریت:

- فرصتها و مخاطراتی که در روند عملیات شرکت وجود داشته است.

- برنامه های مدیریت شامل عوامل اساسی موفقیت آن می باشد.

اطلاعات در مورد مدیریت و سهامداران

• اعضای هیئت مدیره، مدیران، سهامداران عمده، پاداش مدیران و معاملات و روابط بین اشخاص وابسته.

- مشخصات و سوابق مدیران عامل و مدیران اجرایی مشخص شود.

- ارائه اطلاعات سوابق مدیران اجرایی. در صورتی که برای پنج سال در همان موقعیت شغلی قرار داشته باشند ضروری نیست.

- ماهیت هر محکومیت جزایی مربوط به هیئت مدیره و مدیران اجرایی باید افشا شود.

• نوع و مبلغ پاداش پرداخت شده به هیئت مدیره و مدیران اجرایی و روش و فرمول محاسبه این پاداشها باید افشا شود.

سیاستهای هیئت مدیره جهت پرداخت

پاداش به مدیران و رابطه عملکرد شرکت و پرداخت پاداش نیز باید مشخص گردد.

• اطلاعات مربوط به سهامداران

- مشخصات هر یک از سهامداران عمده شرکت و تعداد سهامی که هر یک دارا می باشند.

- تعداد سهام تحت مالکیت گروه هیئت مدیره، گروه مدیران اجرایی و گروه کارکنان شرکت.

- ماهیت ترکیب مالکیت سهام که ممکن است به تغییر در اداره شرکت منجر شود.

- معاملات و روابط میان سهامداران عمده، هیئت مدیره، فروشنندگان مواد اولیه، مشتریان و رقبای شرکت.

- ماهیت اختلاف مدیران عامل و شرکت، حسابسان مستقل و بانکها و مشاور قبلی که هم اکنون با شرکت رابطه ای ندارد.

- اطلاعات در مورد ترکیب کمیته پاداش و نحوه مشارکت کارمندان در تصمیم گیری پرداخت پاداش.

### سابقه و پیشینه شرکت

همانگونه که قبلاً بیان شد اطلاعات غیرمالی برای شناخت عمومی شرکت و صورتهای مالی آن، ارتباط بین رخدادهای آثار مالی آن اتفاقات بر روی شرکت که برای پیش بینی وضعیت آینده شرکت مهم و مفید می باشند. اینگونه افشای اطلاعات غیرمالی ماهیتاً کیفی می باشند همچنین شرکتها افشای اطلاعات کیفی را همراه با اطلاعات کمی که عملاً قابل فهم بوده و به اندازه کافی برای استفاده کنندگان بیرونی قابل اعتماد باشد، ارائه می نمایند. در شرایطی که افشای اطلاعات غیرمالی برای شناخت عمومی از شرکت مفید نباشد و یا در درک وضعیت مالی بی تاثیر باشد افشای آنها ضرورتی ندارد.

### هدفهای بلندمدت و استراتژیها

#### • هدفهای بلندمدت

- هدفهای بلندمدت مدیریت برای آینده

تامین‌کننده مواد و تاثیر منفی از دست دادن هر یک از تامین‌کنندگان مواد بر روی شرکت باید مشخص گردد.

- در حد امکان معیارهای مربوط به نحوه ارزیابی قدرت چانه‌زنی شرکت با عرضه‌کنندگان مانند تعداد عرضه‌کنندگان مواد در دسترس و قدرت تحمل افزایش و یا کاهش قیمت مواد مورد مصرف توسط شرکت مشخص شود.

#### • قدرت چانه‌زنی مشتریان

- میزان پراکندگی مشتریان شرکت و حدود مذاکرات که باید در خصوص میزان این پراکندگی‌ها باشد. برای مثال شرکتها باید جدولی در خصوص تعداد مشتریان براساس مقدار فروش از بیشترین تا پایین‌ترین فروش که ۱۰ درصد یا ۲۵ درصد درآمد از آنها تامین می‌شود تهیه و ارائه نمایند.

- مشخصات مشتریان شاخص (عمده) شرکت.

- در صورت امکان قدرت چانه‌زنی مشتریان ارزیابی گردد. این ارزیابی می‌تواند شامل تاثیر افزایش و یا کاهش بهای محصولات اصلی که مشتریان از آن سود و زیان دیده‌اند باشد.

#### • قدرت رقبا در صنعت مربوط.

- پراکندگی رقبا شامل تعداد آنها و نام رقبای عمده.

- در صورت امکان ارزیابی قدرت رقبا، برای مثال در تغییر مکرر قیمت‌ها پاسخگویی به رقبا در ارتباط با این تغییرات و تعداد مشتریانی که از طرف رقبا جذب شرکت شده‌اند و یا عکس آن ظرفیت به کار گرفته شده و شرکتیایی که دارای قراردادهای عمده می‌باشند.

#### منبع

گزارش مطالعاتی کمیته ویژه حسابرسان خبره امریکا

دوره‌ای هر بخش از صنعت.

- قوانین و مقررات موجود یا پیشنهادی که مدیریت معتقد است بر روی شرکت تاثیر دارند یا خواهند داشت.

- تشریح دوره زمانی امتیازات، علایم تجاری، گواهی‌نامه‌هایی که به شرکت برتری رقابتی می‌بخشد و تخفیفات اعطایی به مشتریان.

- توضیح فعالیت‌هایی که حالت کلان اقتصادی دارند. مانند مسکن‌سازی یا هزینه دفاعی که مدیریت معتقد است با سود و هزینه شرکت و نیز با کسب درآمد شرکت همبستگی نزدیکی دارند البته استفاده‌کنندگان گزارشها می‌توانند به‌طور مستقل اطلاعات مربوط به ارزش فعالیت‌های کلان اقتصادی را از منابع بیرون از شرکت تهیه نمایند.

- توضیح قراردادهای عمده بین شرکت و مشتریان و تامین‌کنندگان مواد اولیه.

- محل استقرار، طرز کار، ظرفیت تولید و حداکثر بهره‌دهی دستگاهها و تجهیزات اساسی و داراییهای فیزیکی دیگر.

#### تاثیر ساختار صنعت بر روی شرکت

• اطلاعات مدیریت در مورد تغییرات فن‌آوری و تغییرات مربوط به قوانین جامعه که ممکن است بازارهای شرکت را با ارائه تولیدات و خدمات جدید توسط دیگران (رقبا) تحت تاثیر قرار دهد.

• توان چانه‌زنی تامین‌کنندگان مواد اولیه شرکت.

- هویت انواع منابع مهم و تامین‌کنندگان مواد.

- جمع‌آوری اطلاعات هر یک از فروشندگان مواد اولیه و امکان وجود عرضه و قدرت چانه‌زنی برای تامین این مواد با فروشندگان مواد اولیه و اتکا و اعتماد شرکت بر روی یک و یا چند

شرکت شامل هدفهای مقداری قابل ارزیابی مثل فروش.

#### • استراتژیها

- راهکارهای مدیریت جهت دستیابی به هدفهای بلندمدت.

- بحث در مورد همخوانی یا تناقض راهکارها با روند عملیات اصلی که بر وضعیت شرکت تاثیر دارند.

#### قلمرو فعالیت و توصیف شرکت و داراییها و اموال

موارد زیر که شامل همه موارد نیست ممکن است جایگزین بسیاری از قسمتهای گزارشهای کنونی شرکت‌های عمومی پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار گردد که باید افشاگردند.

- توضیح مدیریت در مورد صنعت و صناعی که شرکت در آن فعالیت می‌نماید.

- تشریح رشد عمومی شرکت، برای مثال ایجاد شعب در صورتی که در ۵ سال آخر تاسیس شده باشند، ساختار سازمانی، شناسایی رخدادهای مهم ۵ سال اخیر مانند ورشکستگی، ادغام، فروش داراییها و تغییرات در نحوه اداره شعب شرکت.

- تشریح تولیدات و خدمات اصلی عرضه شده

- توضیح بازارهای عمده و بازارهای منطقه‌ای (بر مبنای جمعیت، منطقه جغرافیایی مصرف یک نوع تولید یا مبانی دیگر) که توسط بخشهای مختلف شرکت تامین کالا و خدمات می‌گردند.

- توضیح مراحل تولید یا ارائه کالاها و خدمات عمده.

- تشریح عوامل اصلی ورودی در تولید شامل، نیروی انسانی، مواد و سرمایه.

- توضیح روشهای توزیع و تحویل کالا و خدمات عمده.

- توضیح تولیدات و خدمات فصلی و

## تولد انجمن صنفی مؤسسات حسابرسی، خدمات مالی و حسابداری

حسابداری و مالی و مؤسسات مشاوره مالی در صورتی که دارای یکی از شرایط زیر باشند می توانند به عضویت انجمن درآیند:

● دارای شرایط عمومی عضویت در انجمنهای صنفی باشند؛

● موضوع فعالیت این مؤسسات طبق اساسنامه آنها صرفاً فعالیت در زمینه حسابرسی، حسابداری یا خدمات مالی و طبق قوانین جاری به ثبت رسیده باشد؛

● موسسه یا حداقل یکی از شرکا یا مدیران آن دارای یکی از عناوین زیر باشند:

- عضویت در جامعه حسابداران رسمی ایران؛

- اشخاص مورد تایید سازمان حسابرسی، بورس اوراق بهادار یا سایر مراجع ذیصلاح؛

- عضویت در انجمن حسابداران خبره ایران؛

- کارشناس حسابداری و حسابرسی عضو کانون کارشناسان رسمی دادگستری؛

- عضویت در یکی از انجمنهای حسابداری و حسابرسی معتبر داخلی و خارجی.

دبیرخانه انجمن واقع در تهران خیابان شهید دکتر بهشتی خیابان اندیشه اصلی شماره ۵۲ است. دسترسی به دبیرخانه با تلفن ۰۲۱۳۴۰۸۴۰ و فاکس ۰۸۴۲۸۲۰۶ و پست الکترونیکی [afsais@hotmail.com](mailto:afsais@hotmail.com) امکان پذیر است.

انجمن حسابداران خبره ایران تولد این نهاد صنفی را تبریک می گوید و برای موسسان و اعضای آن، موفقیت در انجام رسالت اساسنامه ای خود را آرزو مند است.

از اواخر سال ۱۳۷۳ در جهت حفظ حقوق صنفی مؤسسات حسابرسی، خدمات مالی و حسابداری کوششهایی به منظور تشکیل یک کانون صنفی به عمل آمده که حاصل و برآیند این فعالیتها سرانجام در تاریخ ۷۷/۱۲/۲۶ منجر به آگهی تاسیس انجمن صنفی مؤسسات حسابرسی، خدمات مالی و حسابداری توسط وزارت کار و امور اجتماعی گردید.

در همین راستا مجمع عمومی موسس انجمن پیشگفته در تاریخ ۷۸/۶/۲۱ در پی دعوت عام از کلیه مؤسسات حسابرسی، خدمات مالی و حسابداری علاقه مند عضویت تشکیل شد که در این جلسه اولین اعضای هیئت مدیره و بازرسان انجمن تعیین شدند. هدف اساسی انجمن حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارفرمایان حرفه حسابرسی، خدمات مالی و حسابداری بیان شده است. حوزه فعالیت انجمن سراسر کشور ایران و مرکز اصلی آن در تهران قرار دارد که پیش بینی گردیده در صورت گسترش فعالیتهای انجمن از جنبه های تعداد اعضا در مناطق مختلف حوزه جغرافیایی فعالیت و یا نوع فعالیت اعضا و همچنین چنانچه تفکیک انجمن و ایجاد کانونهای انجمنها به طور قانونی امکان پذیر باشد نسبت به تشکیل انجمنهای متعدد و تشکل آنها در کانون انجمنها اقدام شود. به استناد اساسنامه انجمن، کلیه مؤسسات انجام دهنده امور حسابرسی و اجرای وظایف بازرسی شرکتها و نیز مؤسسات ارائه دهنده خدمات اصلاح حساب و حسابداری، حسابرسی داخلی، تدوین نظامها و دستورالعملهای

# هوشمندانه رهبری کنید

نرم افزار یکپارچه راهبر صنعتی:

- خرید
- فروش
- مشتریان
- انبار
- اموال
- قیمت تمام شده
- حقوق
- دفتر داری
- کدینگ حسابهها
- گزارشات مدیریت
- دفتر اسناد دریافتی و پرداختی

حسابداری مطمئن برای شما



مخاربه

شماره ان سیستم

تلفن : ۸۸۹۳۱۲۵

Sahel Saleh



انجمن حسابداران  
خبره ایران



اتاق بازرگانی و صنایع  
معادن ایران

## دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی و دوره های تکمیلی حسابداری و امور مالی

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران  
بাহمکاری انجمن حسابداران خبره ایران برگزار می نماید:

دوره تکمیلی (۱)  
حسابداری و امور مالی  
حسابداری مالی  
مباحثی از حسابداری مالی تکمیلی  
حسابداری صنعتی  
مدیریت مالی و بودجه  
حسابرسی  
قانون مالیاتهای مستقیم  
قانون تجارت

دوره تکمیلی (۲)  
حسابداری و امور مالی  
حسابداری مالی پیشرفته (۱)  
حسابداری مالی پیشرفته (۲)  
حسابداری صنعتی (۲)  
حسابداری مدیریت  
کاربرد استانداردهای حسابداری  
مدیریت مالی

دوره عالی حسابداری و  
مدیریت مالی  
کاربرد استانداردهای حسابداری  
حسابداری مالی  
حسابداری مدیریت  
مدیریت مالی  
حسابرسی  
قانون مالیاتهای مستقیم  
قانون تجارت

### شرایط شرکت کنندگان

مدرک دیپلم متوسطه  
و پنج سال سابقه کار  
در حسابداری یا حسابرسی

مدرک دوره تکمیلی (۱)  
حسابداری و امور مالی  
یا فوق دیپلم و سه سال سابقه  
کار در حسابداری یا حسابرسی

لیسانس حسابداری یا رشته های  
مشابه و سه سال سابقه کار  
حسابداری یا حسابرسی

مدت آموزش هریک از دوره های فوق ۲۶۰ ساعت

(فقط روزهای پنجشنبه از ساعت ۸ تا ۱۳)

محل ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر

خیابان فرصت جنوبی نرسیده به خیابان انقلاب کوچه نیکپور شماره ۶۶

مرکز آموزش کلاسهای کاربردی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تلفن ۸۸۲۹۶۵۴



## سرمایه گذاری، ارزش متعارف، فروپاشی ...

تصویر وضعیت جاری شرکت را ناقص، تحریف شده و نامناسب جلوه دهد. به عنوان نمونه فرضاً شرکتی که قسمت اعظمی از داراییهای خود را از طریق وام تامین مالی نموده باشد، حال بر طبق روش ارزش متعارف، یک تغییر با اهمیت در نرخ بهره باعث کاهش ارزش بدهیهای ثبت شده می‌گردد و در ادامه آن برای حفظ توازن حقوق صاحبان سهام افزایش می‌یابد. در حالی که داراییها کماکان با استفاده از روش بهای تاریخی گزارش می‌گردند. حال اگر ارزش متعارف این گونه داراییها هم کاهش یابد، نتیجه آن خواهد شد که حقوق صاحبان سهام اغراق‌آمیز گزارش شود. شاید نتیجه همه این بحثها این باشد که ارزش متعارف نباید مورد استفاده قرار گیرد، مگر آنکه بتوان آن را برای کل ترازنامه به کار برد. آیا استفاده از بهای تاریخی حقوق صاحبان سهام را به نحو صحیح‌تری نشان نمی‌دهد؟ حال به مسئله از دیدگاه دیگری می‌نگریم. فرض کنید به هر طریقی که شده بتوان ارزش متعارف کلیه داراییها و بدهیها (و در نتیجه حقوق صاحبان سهام) را برآورد کرد. اگر بتوان به چنین مهمی دست یافت، گام بعدی ارائه و وارد کردن آنها در ترازنامه است. این استدلال که تمامی ایرادات و نقاط ضعف ترازنامه در ارائه صحیح ارقام را نمی‌توان با این شیوه برطرف نمود و نهایتاً موجب تحریف اطلاعات و ترازنامه می‌گردد، دلیلی بر آن نیست که بپذیریم ترازنامه‌ای بر اساس بهای تاریخی موجب گمراهی کمتر برای استفاده‌کنندگان می‌باشد. اما این یک واقعیت است که ارائه ارزش متعارف جایی که امکان پذیر باشد، مسلماً ترازنامه‌ای را ارائه می‌دهد که اطلاعات بهتری را فراهم می‌کند. اگر ترازنامه‌ای کلاً بر اساس بهای

تاریخی تهیه و ارائه شود، استفاده‌کننده مجبور است تعدیلاتی را در ارقام گزارش شده برای به دست آوردن ارزش جاری و نهایتاً وضعیت مالی شرکت به عمل آورد. اگر استفاده‌کننده این نیاز را احساس کند، افشای ارزش بازار جایی که امکان‌پذیر و در دسترس باشد موجب می‌گردد که تعداد ارقام تعدیل شده کمتر و در نتیجه میزان مفید بودن و قابلیت اتکای گزارش مالی افزایش یابد.

### مربوط بودن اطلاعات

بی‌شک اعتقاد همگان بر آن است که اندازه‌گیری بر اساس ارزش متعارف، اطلاعات مربوط‌تری را فراهم می‌نماید، به خصوص اگر شرکت در آینده نزدیکی مجبور به تسویه و انحلال باشد. هر چند باید اذعان نمود بر طبق فرض تداوم فعالیت، انتخاب بهترین روش ارزیابی چندان کار ساده‌ای نیست. به عنوان نمونه فرض نمایید شرکتی اوراق قرضه‌ای را برای سرمایه‌گذاری خریداری نموده است و قصد دارد آن را تا سررسید نگهداری نماید. باید توجه داشت که تغییرات در ارزش بازار هیچ گونه تاثیری بر جریان‌های نقدی آتی ندارد و در پی آن ممکن است برای استفاده‌کننده اطلاعات زیاد مربوطی نباشد. بنابراین می‌توان گفت یک مزیت احتمالی که بهای تاریخی دارد آن است که "آثار رویدادهای خارجی که تاثیری بر جریان‌های نقدی آتی ندارد را منعکس نمی‌نماید".

از طریق دیگر، ارزش متعارف تصویر صحیح‌تری از نتایج تصمیمات گذشته مدیریت در شرایط جاری فراهم می‌کند. ضمناً همین روش مطابقت بیشتری با بیانیه مفاهیم حسابداری مالی<sup>۱</sup> شماره ۵ در مورد شناسایی درآمد دارد (این بیانیه معتقد

است درآمد باید زمانی شناسایی شود که تحقق یافته و یا قابل تحقق و به دست آمده باشد). حال اگر ارزش اوراق بهادار بدهی که به عنوان سرمایه‌گذاری خریداری شده‌اند به علت کاهش در نرخ بهره، افزایش یابد، پس می‌توان نتیجه گرفت که درآمدی قابل تحقق است و بنابراین به دست خواهد آمد. به تعویق انداختن شناسایی این درآمد به وسیله روش بهای تاریخی با اصول بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۵ مغایرت دارد. در مورد شناسایی زیان نیز به علت افزایش نرخ بهره همین مورد صادق است.

حال فرض نمایید اوراق قرضه‌ای به وسیله شرکتی نگهداری و یا صادر شده باشد که نمی‌تواند آنها را به ارزش متعارف تسویه نماید. به عنوان نمونه ممکن است قسمت اعظم این اوراق برای طرحهای بازنشستگی و به قصد نگهداری تا سررسید خریداری شده باشد. حال اگر نرخ بهره افزایش یابد، آیا باید شرکت صادرکننده برای تمامی این اوراق حتی اگر نتواند همه آنها را بازخرید نماید، سود قابل تحقق شناسایی نماید، یا سود متناسبی از آن را؟ نکته کلیدی این است که ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی اطلاعات مربوط‌تری نسبت به جریان‌های نقدی تنزیل نشده ارائه می‌کند. روش بهای تاریخی در این مورد به دلیل عدم شناسایی تغییرات در ارزش فعلی سکوت اختیار می‌کند.

مزیت دیگری که برای روش ارزش بازار قائل است، آن است که موجب بالا رفتن قابلیت مقایسه صورتهای مالی شرکت‌های مختلف می‌شود.

### قابلیت اتکای اطلاعات

بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۲، سه ویژگی برای قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری بر می‌شمرد.

۱- قابلیت رسیدگی؛

۲- ارائه منصفانه؛

۳- بیطرفی.

همگان اعتقاد دارند اندازه‌گیری بهای تاریخی عموماً قابلیت رسیدگی بیشتری نسبت به ارزش جاری دارد. شاید این نخستین دلیلی باشد که حسابداران حرفه‌ای تصمیم به کنار گذاشتن این روش ندارند. مهمترین مسئله در ارتباط با ارزش متعارف، ذهنی بودن برآورد ارزشهای جاری برای بسیاری از داراییها و بدهیها می‌باشد. بر طبق نظریات ارائه شده در بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره ۱۱۵، اعتقاد بر آن است که برآورد منطقی ارزش متعارف اوراق بهادار بدهی، حتی اگر بازار قابل فروش نداشته باشند، با استفاده از روشهایی نظیر تجزیه و تحلیل جریانات نقدی تنزیل شده امکان‌پذیر است. ضمناً اگر روشهایی مانند روش پیشگفته برای ارزش متعارف سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار بدهی میسر باشد، چرا نباید از همین روش برای ارزش متعارف بدهیها در قسمت چپ ترازنامه استفاده نمود؟ هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی در این مورد سکوت اختیار نموده است.

منظور از ارائه منصفانه در واقع یک رابطه تنگاتنگ بین ارقام حسابداری و رویدادها و منابعی که این ارقام به آنها مفهوم بخشیده‌اند، می‌باشد. هر دو روش اندازه‌گیری ارزش متعارف و بهای تاریخی قصد ارائه منصفانه را دارند، اما آنها دو چیز کاملاً متفاوت را ارائه می‌کنند (ارزش جاری در مقابل بهای تاریخی). مسئله‌ای که در گزارشگری مالی دارای اهمیت است، مربوط بودن اطلاعات می‌باشد. نهایتاً می‌توان گفت با در نظر گرفتن مسئله بی‌طرفی شاید هر دو روش اندازه‌گیری باید به نتایج مساوی و برابر برسند.

تعیین درآمد و هزینه

اگر اوراق قرضه به روش ارزش متعارف ارائه شود، درآمد یا هزینه دوره را می‌توان با

استفاده از تفاوت بین ارزش اوراق قرضه در اول و آخر دوره (یا تاریخ تسویه، در صورتی که اوراق بهادار در طی دوره تسویه شوند) و تعدیلات مربوط به هر گونه دریافت و پرداخت محاسبه نمود. در پایان هر دوره، ارقام ترازنامه بر اساس ارزش بازار تعدیل می‌شود.

جمع درآمد یا هزینه آثار نرخهای متفاوت بهره، تغییرات در نرخهای شرکتها را به خصوص به دلیل تغییرات ویژگیهای ریسک‌پذیری شرکت و هر گونه جریانات نقدی طی دوره منعکس می‌نماید.

تقسیم درآمد یا هزینه یک دوره به بهره و سود و زیان ناشی از نگهداری تا حدودی یک تخصیص اختیاری است که اهمیت چندانی ندارد به‌عنوان نمونه، از دیدگاه صادرکننده، تغییر در ارزش متعارف علاوه بر پرداخت نقدی طی دوره نشان‌دهنده جمع هزینه‌های مالی است. هر چند بهره را می‌توان با استفاده از شیوه‌هایی که هم اکنون در حسابداری بهای تاریخی مورد استفاده است، محاسبه نمود اما نرخ صحیح بهره چندان مشخص نیست. همچنین پیشنهاد شده است جهت جلوگیری از هر گونه گمراهی استفاده‌کنندگان بهتر است اصطلاح هزینه مالی اوراق قرضه به کار رود.

یک تصویر اقتصادی بهتر

شاید بسیاری از حسابداران اعتقاد داشته باشند، ارائه ترازنامه براساس ارزش متعارف بهترین و مفیدترین روش برای ارائه اطلاعات مربوط است، اما باید در کنار این مسئله توجه داشت که فقدان قابلیت اتکای این روش مسائل دیگری را ایجاد می‌کند. به همین دلیل حتی کسانی که از روش ارزش متعارف دفاع می‌کنند هیچ‌گاه به‌طور قاطع معتقد نبوده‌اند که بهای تاریخی باید کنار گذاشته شود. جالب اینکه طرفداران بهای تاریخی نیز اعتقادی ندارند که ارائه اطلاعات به روش ارزش متعارف در هر

وضعیت و موقعیتی فاقد ویژگی قابلیت اتکا است.

شاید بتوان گفت استفاده از روش ارزش متعارف برای اوراق بهادار بدهی مناسب می‌باشد اما شایسته است پیچیدگیهایی که بر طبق استاندارد شماره ۱۱۵ به وجود می‌آید به نحوی اصلاح و حتی حذف گردد (مانند ارزیابی قصد مدیریت یا تصمیم‌گیری هنگامی که کاهشی در ارزش به‌طور دائمی به وجود آید).

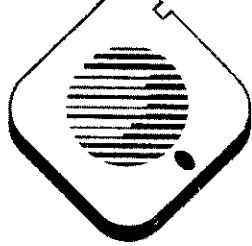
در نهایت تنها نتیجه‌ای که می‌توان از بحثهای فوق به دست داد آن است که "هر چند بعضی مسائل و مشکلات با اجرای این استاندارد و استفاده از روش ارزش متعارف به وجود می‌آید، اما مزایای این روش، به خصوص در ارائه اطلاعات مربوط، بر معایب آن برتری دارد. اتخاذ روش ارزش متعارف در نهایت می‌تواند واقعیات اقتصادی واحد تجاری را به نحو مناسب و مطلوبتری منعکس نماید."

پی‌نوشت

- 1- Financial Accounting Standards Board (FASB)
- 2- Accounting for Certain Investments in Debt and Equity Securities
- تاریخ اجرای این استاندارد، ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ می‌باشد.
- 3- Accounting for Certain Marketable Securities
- 4- Portfolio
- 5- Statements of Financial Accounting Standards (SFAS)
- 6- Marketable Debt Securities
- 7- Statement of Financial Accounting Concepts (SFAC)
- 8- Accounting for Nonrefundable Fees and Costs Associated with Originating or Acquiring Loans and Initial Direct Costs of Leases

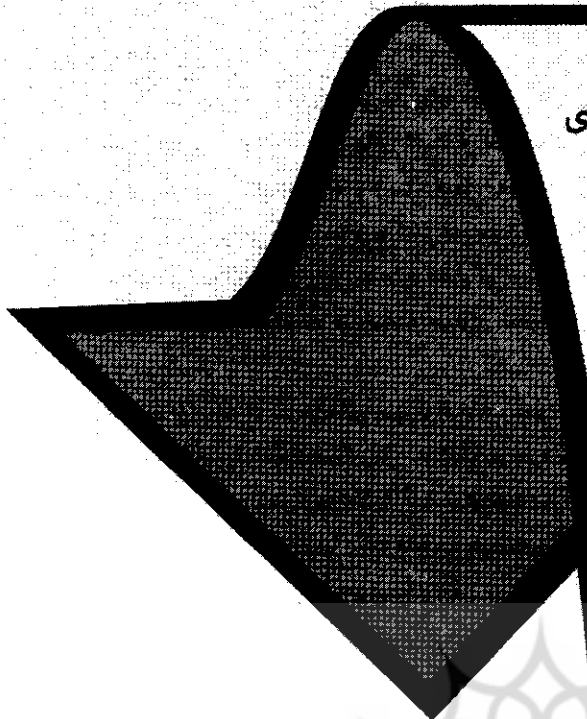
منابع

- 1- Kieso & Weygandt, "Intermediate Accounting", 8th ed. 1995. chap 18. P.879.
- 2- Ibid.
- ۳- برای مطالعه بیشتر به شماره ۷۴ از انتشارات سازمان حسابرسی "حسابداری سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت" مرداد ۶۶، چاپ اول بخش دوم، صفحه ۷۴ مراجعه نمایید.



# شرکت کامپیوتری اهداف طراحی سیستم، خدمات مالی و کامپیوتر ۱۰ سال خدمات مستمر به ۶۰۰ سازمان

سهروردی جنوبی، بلاک ۶۷  
کپستی ۱۵۶۶۷  
تلفن: ۸۷۰۸۸۳۲ - ۸۷۰۹۱۶۵  
فاکس: ۸۷۰۹۱۶۵



بدون نرم افزارهای مناسب  
بهترین کامپیوترها نیز پاسخگوی  
نیاز شما نخواهد بود

ارائه سیستمهای مورد نیاز شما  
توسط کارشناسان مالی و کامپیوتر

ویژگی نرم افزارهای ما:  
سادگی اجراء،  
ارتباط کامل،

گارانتی کامل و خدمات پس از فروش

- مدیریت حسابداری
- مدیریت فروش
- مدیریت حقوق و مزایا
- مدیریت انبارها
- مدیریت اموال
- مدیریت حسابداری صنعتی

- مدیریت امور مالی
- مدیریت امور اداری
- مدیریت سفارشات (داخلی، خارجی)
- مدیریت سهام
- مدیریت رزرواسیون هواپیمائی
- مدیریت صادرات

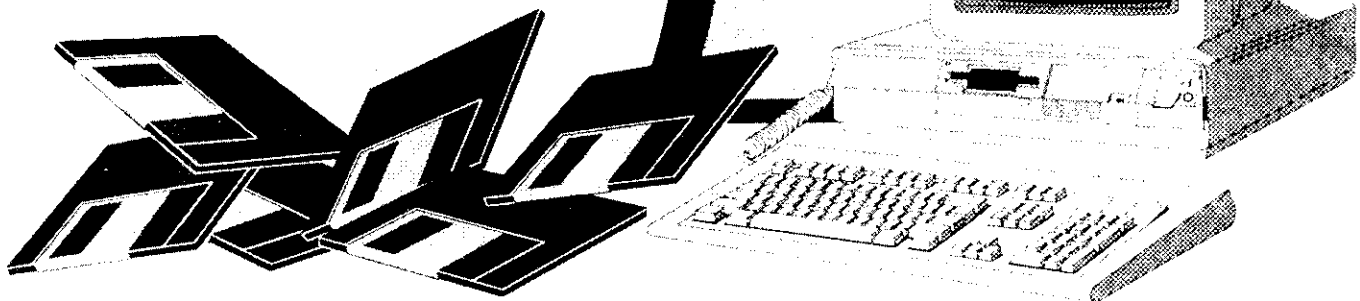
سیستم دبیرخانه و پیگیری

■ انتخاب نرم افزارهای مناسب

■ تسهیل در سیستم دستی

■ افزایش راندمان

■ تحقق اهداف مدیریت



## توانایی نسبت‌های گردش و جوه نقد

نسبت کل وجوه نقد آزاد

صورت کسر مجموع سود خالص، هزینه بهره سرمایه‌ای و انتقالی به دوره‌های آتی، استهلاک داراییهای ثابت و نامشهود و اجاره عملیاتی و هزینه اجاره منهای مجموع سود سهام اعلام شده و مخارج سرمایه‌ای را در بر می‌گیرد. مخارج کسر مجموع هزینه بهره سرمایه‌ای و انتقالی به دوره‌های آتی، اجاره عملیاتی و هزینه اجاره، حصه جاری بدهی بلندمدت و حصه جاری تعهدات بلندمدت را در بر می‌گیرد.

تعاریف متفاوت از مخارج سرمایه‌ای می‌تواند موضوع را دچار ابهام نماید. چون تعاریف مختلف ارزش نسبت‌های وجوه نقد آزاد را نوسان می‌دهد، بهترین کار این است که تعریف مورد استفاده حسابرِس و علت تناسب آن با یک هدف به خصوص روشن گردد.

کل وجوه نقد آزاد\*: معرف توانایی شرکت جهت ایفای تعهدات آتی نقدی

نمایند. به هر حال اگر حسابرِس علاقه بیشتری به توانایی بالقوه توسعه بلندمدت داشته باشد، در این صورت باید از مخارج سرمایه‌ای واقعی که از صورت گردش وجوه نقد استخراج می‌شود استفاده نماید.

نسبت کفایت گردش وجوه نقد

صورت کسر سود قبل از بهره و مالیات، استهلاک داراییهای ثابت و نامشهود منهای مالیات پرداختی (مالیات نقدی)، بهره پرداختی (بهره نقدی) و مخارج سرمایه‌ای را در بر می‌گیرد. مخارج کسر میانگین بدهیهای زمان‌بندی شده سالانه پنج سال آتی را شامل می‌شود. کفایت وجوه نقد به هموار کردن بعضی از عوامل دوره‌ای که نسبت مخارج سرمایه‌ای را با مشکل مواجه می‌سازد کمک می‌کند.

کفایت گردش وجوه نقد\*: معرف کیفیت اعتباری شرکت

$$\frac{\text{EBITDA} - \text{بهره پرداختی} - \text{مالیات پرداختی} - \text{مخارج سرمایه‌ای}}{\text{میانگین بدهیهای زمان‌بندی شده سالانه ۵ سال آتی}}$$

\* این نسبتها نیازمند محاسبه خالص گردش وجوه نقد آزاد در شرکتها و صنایع مختلف است بنابراین باید آن طور که توصیه شده استفاده گردد نه به صورت مطلق.

هنگام سررسید تعهدات بدهی شرکت‌های دارای خالص گردش وجوه نقد آزاد نسبت به شرکت‌هایی که باید از منابع برون سازمانی استفاده نمایند ریسک اعتباری کمتری دارند. بنابراین کفایت وجوه نقد بالا به معنی کیفیت اعتباری بالا می‌باشد.

صاحبکار خود را بشناسید

به منظور شناخت کامل نقاطی که در آن سطوح نسبت‌های گردش وجوه نقد نیازمند بررسی بیشتر می‌باشند، حسابرِس باید از صنعت و تجارتي که صاحبکار در آن فعالیت می‌نماید آگاهی داشته باشد. مشابه سایر نسبتها، قبل از بررسی بیشتر، حسابرِس باید به توضیحات صاحبکار در مورد تغییرات نامطلوب نسبت‌های

سود خالص + هزینه بهره سرمایه‌ای و انتقالی به دوره آتی

+ استهلاک داراییهای ثابت و نامشهود + اجاره عملیاتی و هزینه اجاره - سود سهام اعلام شده - مخارج سرمایه‌ای

هزینه بهره سرمایه‌ای انتقالی به دوره‌های آتی + اجاره عملیاتی و هزینه اجاره + حصه جاری بدهی بلندمدت + حصه جاری تعهدات اجاره سرمایه‌ای

\* این نسبت نیازمند محاسبه خالص وجوه نقد آزاد شرکت می‌باشد. چون خالص وجوه نقد آزاد با توجه به شرکت و خصوصیات صنعت می‌تواند تغییر نماید. فرمول باید آن طور که توصیه شده به‌کار رود نه به صورت مطلق.

به‌عنوان مثال، اگر حسابرِس بخواهد تعیین کند که آیا شرکت توانایی حفظ سطح فعلی عملیات را دارد یا خیر، در این صورت سرمایه‌گذاری جدید از رقم مخارج سرمایه‌ای کسر می‌گردد و مبلغ مخارج به مبلغ لازم جهت نگهداری داراییهای عملیاتی محدود می‌گردد. بعضی اوقات مخارج نگهداری را مخارج کمتر از ۲ درصد داراییها یا کمتر از ۵ درصد اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات تعیین می‌کنند. صنایعی با داراییهای سرمایه‌ای بلندمدت ممکن است درصد کمتری را جهت برآورد مخارج نگهداری استفاده

## چهل سال بعد در همین روز

۲۱ فروردین ۱۴۱۹

## لیست

منصور شمس احمدی

سراپتام لیست اعضای جامعه حسابداران رسمی منتشر شد. اعضای این لیست پانزده نفره، نخستین مجمع عمومی خود را به دلیل از قلم افتادن رکنی به نام مجمع عمومی اساسنامه در کنار پارک لاله سابق برگزار کردند. این گروه به اتفاق آرا خود را به عنوان اعضای دائمی شورای عالی، هیئت مدیره، هیئت نظارت و هیئت تصفیه انتخاب کردند. رئیس جامعه در سخنرانی افتتاحیه این نوید را داد که بزودی لایحه تشکیل وزارت حرفه تقدیم مجلس خواهد شد و با پذیرش مشروط جامعه به عضویت سازمان دهکده جهانی درهای بازار بین‌المللی خدمات حرفه‌ای به روی اعضا گشوده شده و اعضا می‌توانند به دلیل اشباع بازارهای داخلی، خدمات خود را بی‌دریغ به کشورهای خیلی وقت در حال توسعه و یا کشورهای در انتظار توسعه صادر نمایند. رئیس جامعه در مورد چگونگی سلامت اعضا اعلام کرد: سه نفر دچار بیگن تار یا شده‌اند (نوعی بیماری که بیمار دید اطراف را از دست می‌دهد و فقط می‌تواند جلو را ببیند). چهار نفر گرفتار ترس از دست دادن شغل، نوعی فوبیا یا ترس واهی شده‌اند و در دفتر خود را به روی هیپکس حتی صاحبکاران نیز باز نمی‌کنند. پنج نفر دچار بیماری آلزایمر شده‌اند و از جلد دوم کتاب آقای نبوی به بعد چیزی را به خاطر نمی‌آورند. سه نفر دیگر به دلیل اینکه در حال نوشتن آیین‌نامه‌های انضباطی و اداری برای بقیه هستند تا اطلاع ثانوی از پذیرش هر نوع کار حسابرسی عذر خواسته‌اند.

نقدی گوش فرا دهد. حسابرس باید نسبت به ارتباطات نقدی اساسی تجارت صاحبکار آگاهی داشته باشد.

ما این مطلب را القا نمی‌کنیم که حسابرس موظف به انتخاب یک فرمول و عددگذاری در آن است بلکه اگر نسبتهای گردش وجوه نقد به درستی به کار رود، در مرحله برنامه‌ریزی می‌توانند راهنمای خوبی برای حسابرس باشد و تصویر صحیح‌تری از شرکت به حسابرس ارائه دهد. حسابرس باید بتواند ادعا کند که آیا صورتهای مالی به طور مطلوب بر طبق استانداردهای پذیرفته شده حسابداری<sup>۱۸</sup> بیان شده‌اند یا خیر؟ آنها باید در مورد صحت مبادلات و مانده‌های تلخیص شده در چهار صورت مالی و یادداشتهای پیوست متقاعد شوند. حسابرسان کارآمد می‌توانند از نسبتهای گردش وجوه نقد جهت بهبود شناختشان از روابط اساسی نقدی یک شرکت و طرح‌ریزی موثر حسابرسی استفاده نمایند.

پی‌نوشت

- 1- The power of cash flow ratios
- 2- Credit rating agencies
- 3- Junk bonds
- 4- Free cash flow ratios
- 5- Test of solvency and liquidity
- 6- Operating cash flow (OCF)
- 7- Funds flow coverage (FFC)
- 8- Cash interest coverage (CIC)
- 9- Cash debt coverage (CDC)
- 10- Total free cash (TFC)
- 11- Cash flow adequacy (CFA)
- 12- Cash to capital expenditures
- 13- Cash to total debt
- ۱۵- شرکت‌هایی که قسمت عمده سرمایه آنها را بدهی تشکیل می‌دهد (توضیح مترجم)
- 14- Earnings Before Interest Taxes Depreciation & Amortization (EBITDA)
- 15- Financial health
- 16- Net free cash flow (NFCF)
- 17- Generally Accepted Accounting Principles (GAAP)

منبع

Journal of Accountancy, Oct 1998, pp 53- 61



## هموارسازی سود



شرکتها فاقد دارایی و قدرت سیاسی لازم برای سوددهی می‌باشند.

ح - روش بهای تمام شده و روش ارزش ویژه سرمایه‌گذاری

کاپلند (Copeland) در بحث روشهای قابل قبول جهت هموارسازی سود اظهار می‌دارد: "روش بهای تمام شده، روشی است که شرکت اصلی (مادر) سود شعبه‌ها را زمانی که توسط شعبه‌ها اعلام می‌شود شناسایی می‌کند و آن دو صورت است، سود واقعی سهام و سود غیرواقعی سهام. اما روش ارزش ویژه سرمایه‌گذاری، روشی است که شرکت اصلی (مادر) سود شعبه‌ها را نه تنها زمانی که توسط شعبه‌ها اعلام می‌شود شناسایی می‌کند بلکه سود و زیان سنواتی را نیز در بر می‌گیرد. تحقیقات انجام گرفته در سالهای اخیر بیانگر این موضوع است که هموارسازی سود در نقطه A انجام می‌شود." (نمودار ۱)

وظیفه مدیریت در هموارسازی سود رانن و سادن معتقدند مدیریت در هموارسازی سود وظیفه‌هایی به شرح زیر دارد:

اول - مدیریت می‌تواند در بیشتر مواقع، زمان رویداد وقایع حسابداری را تشخیص دهد.

دوم - مدیریت می‌تواند درآمدها و هزینه‌های خاصی را به دوره‌های دیگر مالی انتقال دهد. برای مثال، در محاسبه سود مدیر می‌تواند از بین روش خط مستقیم با روش سریع استهلاک، یک روش را انتخاب کند و استفاده نماید. اما استفاده از هر یک از این روشها، تاثیر متفاوتی بر سود دوره می‌گذارد.

سوم - احتمال دارد مدیریت درآمد و هزینه خاصی را بین طبقات مختلفی تقسیم نماید.

تحقیق ایکل با تحقیق ایم‌هاف تفاوت داشت، زیرا ایم‌هاف شرکتی را انتخاب کرد که تغییرات فروش آنها زیاد بود و استدلال وی نیز این بود که آن شرکتها، شرایط بد اقتصادی را تجربه نمودند. در ضمن ایم‌هاف معتقد بود هموارسازی ساختگی سود و هموارسازی واقعی سود به‌طور طبیعی از یکدیگر مستقل هستند. ولی ایکل سود خالص را به عنوان مقیاس اندازه‌گیری سود (شاخص ایکل) مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

د - روش اقتصادی دوگانه (مضاعف) اوریت (Averit)، بلوستون و همکاران او (Bluestone et. al.) توضیح می‌دهند سرمایه‌داری امریکا (یا به عبارتی سرمایه‌داری هر کشوری) دارای یک اقتصاد دوبخشی است که به بخشهای محوری صنعت و بخشهای جانبی صنعت تقسیم می‌شود. بخشهای محوری صنعت به صنایعی گفته می‌شود که بافت سیاسی و اقتصادی امریکا (یا هر کشوری) را در بر گرفته و این بخش بیشترین منابع مالی را در بر می‌گیرد. از خصوصیات بخشهای محوری صنعت می‌توان به فعالیتهای تولیدی کالاهای باارزش، تولید کالاهای انحصاری، صنایع مادر، تجارت کالا به صورت عمده و سوددهی بالا اشاره کرد.

بخشهای جانبی صنعت به صنایعی گفته می‌شود که (تقریباً) خصوصیات بیان شده قبلی را ندارند. این نوع صنایع بخشهای کشاورزی کم‌بازده، صنایع تولیدی کم‌ارزش، خدمات غیرتخصصی و نیمه تخصصی را در بر می‌گیرند. از صنایع بخشهای جانبی می‌توان به شرکتیهای تولیدی کوچک با نیروی کار زیاد، سودآوری پایین و فعالیتهای تولیدی کالاهای کم‌ارزش اشاره نمود. در ضمن این

جهت هموارسازی سود از آن متغیر یا متغیرها استفاده نماید.

سوم - در بعضی از تحقیقات، تاثیر متغیر یا متغیرهای هموارسازی سود تنها برای یک دوره بررسی شده و از تاثیرگذاری میان دوره‌ای یا چند دوره‌ای آنها چشمپوشی شده است."

رانن و سادن نیز از این روش انتقاد کرده‌اند و دلیل آنها این است، که این نوع تحقیقات فاقد مدل می‌باشد. به این معنی که، چرا هموارسازی سود روی می‌دهد و زمانی که این عمل رخ می‌دهد باید آن را پیش‌بینی نمود.

ج - روش تغییرپذیری سود

در این روش ایم‌هاف (Imhoff) سعی کرد از اشتباه گرفتن هموارسازی ساختگی سودی که توسط مدیریت انجام می‌گیرد با هموارسازی واقعی سود (هموارسازی طبیعی سود) جلوگیری کند و آنها را از هم متمایز نماید. ایم‌هاف در ادامه اظهار می‌دارد: درآمد حاصل از فروش عملکرد اقتصادی یک موسسه را بیان می‌کند، از این رو اگر هموارسازی سود انجام گیرد هموارسازی واقعی سود خواهد بود. هموارسازی ساختگی سود را می‌توان به وسیله اختلاف سود با اختلاف فروش مقایسه کرد.

ایکل هموارسازی ساختگی سود را بررسی کرده و تحقیق او نیز به جداسازی نتایج حاصل از هموارسازی ساختگی سود از هموارسازی واقعی سود معطوف بود.

برای مثال، طبقه‌بندی کردن درآمدها و هزینه‌ها بین اقلام عادی و اقلام غیرمترقبه. هپورث به چهار وظیفه مدیریت در هموارسازی سود اشاره می‌کند که عبارت است از:

الف - مدیریت باید درآمد و هزینه‌هایی را که طی یک یا چند دوره مالی جهت تغییر در سود و هموارسازی آن به وجود می‌آید درست تشخیص دهد تا بتواند با این عمل بدهی مالیاتی بالای شرکت را کاهش دهد.  
ب - برای افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه، مدیریت باید فعالیت شرکت را به‌طور مداوم سودآور منعکس نماید. چون سودآوری شرکت باعث (تقویت) تقسیم سود با ثبات نیز می‌گردد.  
ج - مدیریت باید ارتباط بین خود و کارکنان را بهبود بخشد.  
د - مدیریت می‌تواند خوش‌بینی و بدبینی حاصل از شرایط اقتصادی موجود در جامعه را نیز تعدیل نماید.

ترومن و تیت‌من اظهار می‌دارند: "وظیفه (نقش) مدیریت، حداکثر کردن ارزش فعلی جریان‌ات و جوه نقد برای بالا بردن ریسک طبیعی و عادی سهامداران شرکت می‌باشد."

#### نگاهی اجمالی به مطالعات و بررسیهای انجام گرفته

هپورث در سال ۱۹۵۳ انگیزه‌های مختلف برای هموارسازی سود را اظهار کرد و تکنیکهایی را در حسابداری ارائه نمود که می‌توانست سود را هموار کند. گوردون در سال ۱۹۶۴ بیان کرد: "مدیریت سود را هموار می‌کند تا رضایت سهامداران را نسبت به سودآوری شرکت افزایش دهد."

گوردون، هورویتز و میرس (Gorden, Horwitz and Meyers) در سال ۱۹۶۶ ارتباط بین رویه حسابداری بخشودگی مالیاتی سرمایه‌گذاری (ابزار هموارسازی سود) را با نرخ رشد سود هر سهم و بازده

سال چهاردهم شماره صد و سی و شش

صاحبان سهام (اهداف هموارسازی سود) بررسی کردند. نتایج به دست آمده ارتباط بااهمیتی را بین دو جزء نشان می‌دهد که از وجود هموارسازی سود حمایت و پشتیبانی می‌کرد. از طرف دیگر، داپخ و درک (Dopuch and Drake) در سال ۱۹۶۶ سود و زیان حاصل از فروش اقلام سرمایه‌ای را بررسی کردند و هموارسازی سود با اهمیتی را پیدا نکردند. آرچی بلد (Archibald) در سال ۱۹۶۷ روی روشهای استهلاک تحقیق کرده و هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه را تایید کرد.

کاپلند در سال ۱۹۶۸ از آنچه که یک طرح هموارسازی خوب باید داشته باشد تعریفی به دست داده و کشف کرد افزایش سربهای زمانی، هموارکننده‌های طبقه‌بندی نشده را کاهش می‌دهد.

کاپلند و لیکاسترو (Copeland and Licastro) در سال ۱۹۶۸ در تحقیقاتشان با عنوان عدم تلفیق شعب (شعب غیرتلفیقی)، به این نتیجه رسیدند که هموارسازی سود صورت نمی‌گیرد. کاشینگ (Cushing) در سال ۱۹۶۹ تحقیقی روی تغییر در خط‌مشی و اصول حسابداری نمود و به این نتیجه رسید که هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه انجام می‌گیرد.

داشر و مالکوم (Dascher and Malcom) در سال ۱۹۷۰ بیست و دو شرکت را در صنایع دارویی و شیمیایی بررسی کردند و کشف نمودند هموارسازی عمدی سود انجام می‌گیرد.

داشر و مالکوم روی اقلام غیرمترقبه نیز تحقیق کردند و، عمل هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه را گزارش دادند. وایت (White) در سال ۱۹۷۰ در تحقیقاتش با عنوان تصمیم‌گیری اختیاری از بین دو یا چند رویه حسابداری به این نتیجه رسید که هموارسازی سود صورت نمی‌گیرد. بارفیلد و کامیسکی (Barefield and Comiskey)

در سال ۱۹۷۲ حسابداری عدم تلفیق شعب (شعب غیرتلفیقی) را تحقیق نمودند (مشابه تحقیقات کاپلند و لیکاسترو در سال ۱۹۶۸) و شواهدی دال بر هموارسازی سود توسط شرکتهای را کشف کردند. نتایج به دست آمده توسط بیدلمن در سال ۱۹۷۳ نشان می‌دهد شرکتهای زیادی ابزارهای خاصی (همانند تبادل دارایی و بدهی، هزینه‌های بازنشستگی، هزینه‌های تحقیق و توسعه، هزینه‌های فروش و بازاریابی) را برای هموارسازی سود مورد استفاده قرار می‌دهند.

لو و کانیترکی در بررسی انجام گرفته از ۲۶۰ شرکت در سال ۱۹۷۴، کشف کردند که متغیرهای هموارکننده سود (همانند فروش، تولید، هزینه‌های سرمایه‌ای) هم با ریسک سیستماتیک و هم با ریسک کلی سهام (عادی) ارتباط بااهمیتی ندارند. هر چند، آنها ارتباط بین متغیرهای هموارکننده سود با عملکرد بازار سهام (عادی) را آزمایش نکردند.

بارنی، رانن و سادن و رانن و سادن در سال ۱۹۷۵ روی اقلام غیرمترقبه تحقیقی انجام دادند و هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه را گزارش کردند. رانن و سادن نیز در سال ۱۹۷۶ ابزارهای مختلف سود را آزمایش و هموارسازی بااهمیتی را کشف کردند. اسمیت (Smith) در سال ۱۹۷۶ با مقایسه تک تک شرکتهای تحت کنترل مالک و شرکتهای تحت کنترل مدیریت در زمینه تمایل آنها به هموارسازی سود به تحقیق پرداخت.

ایم‌هاف در سال ۱۹۷۷ اظهار داشت هموارسازی سود می‌تواند به واسطه مقایسه نسبت اختلاف فروش به اختلاف سود مطالعه شود. در تحقیقی از ۹۴ شرکت صنعتی، او شواهدی دال بر هموارسازی سود پیدا نکرد.

کامین و رانن (Kamin and Ronen) ۶۷ نیز در سال ۱۹۷۸ تحقیقی همانند تحقیق

- 7- Hendrikson, Eldon S., "Accounting Theory," 5 th ed. Homewood, Illinois: IRWIN, 1982.
- 8- Albrecht, W.D. and Richardson, F.M. (1990), 'Income Smoothing by Economy Sector,' *Journal of Business Finance & Accounting*, Winter, PP. 713 - 730.
- 9- Barefield, R.M. and Comiskey, E.E. (1972), 'The Smoothing Hypothesis: An Alternative Tests,' *Accounting Review*, April, PP.291 - 298.
- 10-Barnea, A.I. Ronen and Sadan. S.(1975), 'The Implementation of Accounting Objectives: An Application to Extraordinary Items,' *Accounting Review*, January, PP.58 - 68.
- 11-Beideman, C.R.(1973), 'Income Smoothing: The Role of Management,' *Accounting Review*, October, PP. 653 - 667.
- 12-Copeland, R.M. and Licastro, R.D. (1968), 'A Note on Income Smoothing,' *Accounting Review*, July, 540-545.
- 13-Gordon, M.J. (1964), 'Postulates, Principles and Research in Accounting,' *Accounting Reevew*, April, PP. 251-263.
- 14-Michelson, S.E., Jordan - Wagner, J. and Wootton. C.W. (1995), 'A Market Based Analysis of Income Smoothing,' *Journal of Business Finance & Accounting*, December, PP.1179 - 1193.
- 15-Moses, O.D. (1987), 'Income Smoothing and Incentives: Empirical Tests Using Accounting Changes,' *Accounting Reevew*, No.2, April, PP. 358-377.
- 16-Smith, E.D. (1976), 'The Effect of the Separation of Ownership From Control on Accounting Policy Decisions,' *Accounting Reevew*, No.4, October, PP. 707 - 723.
- 17-Suh, Y.S. (1990), 'Communication and Income Smoothing Through Accounting Method Choice,' *Management science*, No.6, June, PP. 704 - 723.
- 18-Trueman, B. and Titman, S. (1988), 'An Explanation for Accounting Income Smoothing,' *Journal of Accounting Research*. VOL.26, Supplement, PP.127 - 143.

به همان هدف (یعنی هموارسازی سود) استفاده می‌کند.

آلبرشت و ریچاردسون (Albrecht and Richardson) نیز در سال ۱۹۹۰ در تحقیقی که از ۱۲۸ شرکت در بخش محوری صنعت و ۱۲۸ شرکت دیگر در بخش جانبی صنعت انجام گرفت ابراز داشتند نتایج اعلام شده از سوی بلکویی و پیکور در سال ۱۹۸۴ به اندازه شرکتها بستگی دارد. آشاری و همکاران او در سال ۱۹۹۴ در تحقیقی از ۱۵۳ شرکت پذیرفته شده در بازار بورس سنگاپور برای یک دوره ده ساله، نتیجه گرفتند که هموارسازی سود در بین شرکتهایی که به عنوان نمونه انتخاب شده بودند صورت می‌گیرد.

#### پی‌نوشت

- 1- Income Smoothing Or Smoothing Income
- 2- Earnings Per Share (EPS)
- 3- Securities and Exchange Commission (SEC)
- 4- First- In, First- Out (FIFO)
- 5- Last- In, First- Out (LIFO)

#### منابع

- 1- Leopold A. Bernstein., PP.724 - 726
- 2- Kohler's Dictionary for Accountants
- 3- Ashari, N., Koh, H.C., Tan, S.L. and Wong, W.H. (1994), 'Factors Affecting Income Smoothing Among listed Companies In Singapore,' *Accounting and Business Research*, No. 96, Autumn, PP. 291 - 301
- 4- Bernstein A. Leopold., "Financial Statement Analysis: Theory, Application, and Interpretation," 4th ed. Homewood, Illinois: Richard D. IRIWN, INC. 1989.
- 5- Cooper, W.W. and Igiri, "Kohler's Dictionary for Accountants," 6 th ed. Prentice Hall, Inc., Englewood Cliffs, 1983.
- 6- Zimmerman, Jerold L. and Ross L.W., "Positive Accounting Theory," New Jersey: Prentice Hall, Inc., Englewood Cliffs, 1986.

انجام گرفته توسط اسمیت در سال ۱۹۷۶ انجام دادند و به همان نتیجه مشابه دست یافتند.

در تحقیقی که توسط راتن و سادن در سال ۱۹۸۱ انجام گرفت آنها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های در صنایع مختلف سودهایشان را با درجات مختلفی هموار می‌سازند. خصوصاً بیشترین هموارسازی سود را در صنایع نفت و گاز و صنایع دارویی کشف کردند. هر دو این صنایع از صنایعی بودند که تحت بررسی و رسیدگی دقیق قرار می‌گرفتند.

ایم‌هاف در سال ۱۹۸۱ تایید کرد مدل به کار گرفته شده برای هموارسازی سود، ارتباط با اهمیت در زمینه شناخت نمونه‌های هموارکننده سود دارد. در تحقیقی روی ۶۲ شرکت صنعتی در یک دوره زمانی ۲۰ ساله، ایکل فقط دو شرکت را پیدا کرد که هموارسازی سود انجام می‌دادند.

بلکویی و پیکور (Belkaoui and Picur) در سال ۱۹۸۴ در بررسی از ۱۱۴ شرکت موجود در بخش جانبی صنعت و ۵۷ شرکت موجود در بخش محوری صنعت، به این نتیجه رسیدند شرکت‌های موجود در بخشهای جانبی صنعت از شرکت‌هایی که در بخشهای محوری آن صنعت قرار دارند سود را بیشتر هموار می‌کنند. موزز در سال ۱۹۸۷ کشف کرد هموارسازی سود به اندازه شرکتها، اختلاف سود واقعی از سود مورد انتظار و طرحهای مربوط به پاداش بستگی دارد. نتایج به دست آمده با نتایج مطالعاتی که توسط هیلی (Healy) در سال ۱۹۸۵ انجام گرفت موافق بود. مه (Ma) در سال ۱۹۸۸ نتیجه گرفت بانکها برای هموارسازی سود، از اندوخته کردن زیان وام و به حساب هزینه منظور کردن آنها استفاده می‌کنند.

برایشاوا و الدین (Brayshaw and Eldin) در سال ۱۹۸۸ به این نتیجه رسیدند که مدیریت از نوسانات نرخ ارز برای رسیدن

## نسبت کفایت سرمایه

توسط دولتها و بانکهای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تضمین می‌شوند، دارای ریسک پایین می‌باشند.

**اقلام دارایی با ضریب ریسک صفر، ۱۰، ۲۰، ۵۰ درصد (بنا به تشخیص مقامات هر کشور)**

الف - مطالبات از بخشهای دولتی محلی به استثنای دولتهای مرکزی و وامهایی که توسط چنین ارگانهایی تضمین شده‌اند.

**اقلام دارایی با ضریب ریسک ۲۰ درصد**

الف - مطالبات از بانکهای توسعه‌ای چندمنظوره مانند بانک سرمایه‌گذاری اروپایی<sup>۴۱</sup> و همچنین مطالباتی که توسط این بانکها یا اوراق بهادار منتشر شده توسط این بانکها تضمین شده‌اند. ضمناً مطالبات از بانکهای دیگر چندمنظوره توسعه‌ای که کشورهای گروه ۱۰ از سهامداران آن می‌باشند، بنا به تشخیص مقامات هر کشور می‌توانند ضریب ریسک ۲۰ درصد را داشته باشند؛

ب - مطالبات از بانکهای تاسیس شده در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و وامهای تضمین‌شده توسط همان بانکها؛

ج - مطالبات از بانکهایی که در غیر از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تاسیس شده‌اند با مانده سررسید کمتر از یک سال و همچنین وامهایی با مانده سررسید کمتر از یک سال که به وسیله بانکهای تاسیس شده در کشورهای غیر عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تضمین شده‌اند؛

د - مطالبات از بخشهای دولتی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که غیرمحلی هستند به غیر از دولتهای مرکزی و وامهایی که توسط چنین بخشهایی تضمین شده‌اند؛

ه - اقلام نقدی در جریان وصول.

و در موارد خاص به‌طور موقت می‌تواند تا ۲ درصد داراییهای مذکور باشد؛

د - ۵۵ درصد تسخیف نسبت اندوخته تجدید ارزیابی داراییها در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر فقط ۴۵ درصد اندوخته تجدید ارزیابی داراییها می‌تواند به‌عنوان سرمایه درجه ۲ تلقی شود.

### داراییهای ریسک‌پذیر

یکی دیگر از اقلام تشکیل‌دهنده نسبت کفایت سرمایه، داراییها می‌باشند که در مخرج کسر قرار دارند. از آنجا که داراییهای هر بانک دارای ضرایب ریسک مختلفی می‌باشند، اقلام داراییها را به درجات ریسک صفر و ۱۰ و ۲۰ و ۵۰ و ۱۰۰ درصد به شرح زیر تقسیم‌بندی نموده‌اند:

**اقلام دارایی با ضریب ریسک صفر درصد**

الف - وجه نقد و طلای موجود در خزانه هر بانک حتی به‌عنوان پشتوانه برخی تعهدات بانک؛

ب - مطالبات از دولتها و بانکهای مرکزی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی؛

ج - مطالبات از دولتهای مرکزی و بانکهای مرکزی به پول ملی هر کشور؛

د - مطالباتی که به‌وسیله وجه نقد یا اوراق بهادار منتشر شده از سوی دولتهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تضمین شده‌اند یا مطالباتی که توسط دولتهای عضو این سازمان تضمین شده‌اند. برخی از کشورها برای اوراق بهاداری که توسط دولتهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی منتشر می‌شوند نیز

ضریب ریسک قایل می‌شوند، این ضریب ریسک در مورد اوراق بهادار با سررسید کمتر از یک سال ۱۰ درصد و با سررسید بیشتر از یک سال ۲۰ درصد می‌باشد. همچنین آن بخش از وامهای تجاری که



### ● اوراق مشارکت<sup>۳۵</sup>

انگلستان

### ● اوراق بدهی تبعی دائمی<sup>۳۶</sup>؛

### ● سهام ممتاز دائمی<sup>۳۷</sup>.

بدهیهای مشروط (تبعی) بلندمدت - این نوع بدهیها شامل ابزارهای سرمایه‌ای تضمین نشده با حداقل سررسید ثابت ۵ سال و همچنین سهام ممتاز قابل بازخرید با اختیار سهامدار با عمر محدود می‌باشند. برخلاف ابزارهای مندرج در بند (د) این ابزارها در زیان بانک سهیم نیستند و به همین دلیل مجموع این‌گونه ابزارهای قابل احتساب در سرمایه درجه ۲، حداکثر تا ۵۰ درصد سرمایه درجه ۱ می‌باشند، از جمله این ابزارها همان‌طور که در سطرهای پیش بیان گردید، می‌توان سهام ممتاز قابل بازخرید با اختیار سهامدار<sup>۳۸</sup> و اوراق قرضه قابل بازخرید با اختیار دارنده<sup>۳۹</sup> و اوراق قرضه مشروط<sup>۴۰</sup> (تبعی) را نام برد.

### محدودیتهای سرمایه درجه ۲

الف - جمع سرمایه درجه ۲ حداکثر می‌تواند تا میزان ۱۰۰ درصد سرمایه درجه ۱ باشد و نباید از آن تجاوز نماید؛

ب - جمع بدهیهای مشروط (تبعی) نباید حداکثر از ۵۰ درصد اجزای سرمایه درجه ۱ بیشتر باشد؛

ج - چنانچه ذخایر عمومی یا ذخایر زیان و امها که ناشی از کاهش ارزش داراییها و همچنین زیانهای مخفی و ناشناخته می‌باشد در ترازنامه وجود داشته باشد، این ذخایر حداکثر تا ۱/۲۵ درصد داراییها بوده



- 2- Bank For International Settlements (B.I.S)
- 3- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)
- 4- Legal capital
- 5- Paid - up share capital
- 6- Disclosed reserves
- 7- Perpetual non-Cumulative preferred stocks
- 8- Legal reserve
- 9- General reserve
- 10-Additional paid - in capital
- 11-Retained earnings
- 12-Minority interest of investee
- 13-Hidden reserves
- 14-Asset revaluation reserves
- 15-Cumulative preferred stocks
- 16-Undisclosed reserves
- 17-Asset revaluation reserves
- 18-General provisions/ general loan loss reserves
- 19-Hybrid (debt/equity) capital instruments
- 20-Subordinated term debts
- 21-Goodwill
- 22-Equity securities
- 23-Debt securities
- 24-Hybrid capital instruments
- 25-Callable
- 26-Redeemable
- 27-Cumulative preferred stocks
- 28-Callable preferred stocks
- 29-Callable bonds
- 30-Convertible preferred stocks
- 31-Convertible bonds
- 32-Long-term preferred shares
- 33-Titres participatifs
- 34-Titres subordonne's a' dure'e indetermine'e
- 35-Genuss schein
- 36-Perpetual subordinated debt
- 37-Perpetual preference shares
- 38-Redeemable preferred stocks
- 39-Redeemable bonds
- 40-Subordinated bonds
- 41-European investment bank (EIB)
- 42-Off-balance-sheet items

## منبع

۱- برای مطالعه بیشتر در مورد اجزای تشکیل دهنده سرمایه درجه ۱ و ۲، لطفاً به فصل دوم و سوم کتاب حسابداری میانه - ۲ ترجمه و تالیف منوچهر منوچهری مراجعه شود.

۲- کمیته مقررات بانکی و نظارت بر عملیات بانکی، محاسبات و اسناداردهای متحدالشکل بین‌المللی سرمایه بانکیها، بال - سوئیس - جولای

۱۹۸۸

کمتر از یک سال باشد و یا تعهداتی که بتوان آنها را در هر زمانی بدون قید و شرط باطل نمود.

## ابزارهای اعتباری زیر ترانزنامه با

ریسک ۲۰ درصد

الف - بدهیهای احتمالی مربوط به معاملات اعتباری کوتاهمدت (مانند اعتبارات اسنادی که محموله‌های مربوط، خود وثیقه‌گشایش اعتبار می‌باشند).

## ابزارهای اعتباری زیر ترانزنامه با

ریسک ۵۰ درصد

الف - معاملات مشخص مربوط به اقسام بدهیهای احتمالی (نظیر ضمانت‌نامه‌های حسن انجام کار، ضمانت‌نامه‌های شرکت در مناقصه، تضمین‌نامه‌ها و اعتبارات اسنادی عنداللزوم مربوط به معاملات خاص)؛

ب - تعهدات مربوط به تسهیلات صدور اوراق بهادار و همچنین پذیره‌نویسی آنها؛

ج - تعهدات دیگر با سررسید اولیه بیش از یک سال (به‌عنوان مثال تسهیلات رسمی عنداللزوم و خطوط اعتباری).

## ابزارهای اعتباری زیر ترانزنامه با ضریب

ریسک ۱۰۰ درصد

الف - اعتبارات مستقیمی که جایگزین می‌شوند، مثلاً تضمینهای عمومی بدهیها (شامل اعتبارات اسنادی عنداللزوم که به‌عنوان تضمین مالی و امها و اوراق بهادار عمل می‌نمایند) و پذیرشها (شامل ظهرنویسی‌هایی که خود ذاتاً قبولی نویسی تلقی می‌شوند)؛

ب - قراردادهای فروش و بازخرید و فروش داراییها با حق برگشت، جایی که خطر اعتبار متوجه بانک باشد؛

ج - خرید داراییها به شکل سلف، خرید سپرده‌های سلف و سهام و اوراق بهاداری که قسمتی از آنها پرداخت شده و در تعهد بانک می‌باشد.

## پی‌نوشت

- 1- Capital Adequacy Ratio

اقلام دارایی با ضریب ریسک ۵۰ درصد  
الف - وامهایی که از طریق رهن واحدهای مسکونی که یا توسط خود وام‌گیرنده استفاده می‌شود و یا اجاره داده می‌شود، کاملاً تضمین شده باشند.

اقلام دارایی با ضریب ریسک ۱۰۰ درصد  
الف - مطالبات از بخش خصوصی؛

ب - مطالبات از بانکهایی که در خارج از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تاسیس شده‌اند و مانده سررسید آنها بیشتر از یک سال است؛

ج - مطالبات از دولتهای مرکزی کشورهای غیرعضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مگر آنکه مطالبات به پول ملی کشور مربوط قابل پرداخت باشد؛

د - مطالبات از شرکتهای بازرگانی متعلق به بخش دولتی؛

ه - اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات و سایر داراییهای ثابت؛

و - املاک و مستغلات و سایر سرمایه‌گذاریها در کمتر از ۵۰ درصد سهام دارای حق رای دیگر شرکتهای؛

ز - ابزارهای سرمایه‌ای که به وسیله بانکهای دیگر صادر شده‌اند مگر اقلیمی که قابل کسر از سرمایه بانک باشند؛  
ح - تمامی داراییهای دیگر.

اقلام زیر ترانزنامه (حسابهای انتظامی) ریسک پذیر<sup>۴۲</sup>

این چارچوب برای محاسبه ریسک اعتباری اقسام زیر ترانزنامه، ضرایب مختلفی را در نظر گرفته است که البته شامل بدهیهای احتمالی ناشی از مبادلات ارزی و نرخ بهره نمی‌شود. زیرا برای این بخش از فعالیتهای، ضرایب تبدیلی جداگانه در نظر گرفته شده است.

ضرایب تبدیلی ابزارهای مختلف اقسام زیر ترانزنامه به شرح زیر می‌باشد:

ابزارهای اعتباری زیر ترانزنامه  
باریسک صفر درصد

الف - تعهدات بانکی که سررسید اصلی آنها



## هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت

سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت (ABC) به محصول X تخصیص یافته است ۱۳۲ درصد بیشتر از هزینه‌های تخصیص یافته به روش سنتی بوده است (۶۷/۵ ÷ ۱۵۶/۴).

مثال ۱: تخصیص هزینه با روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت  
دایره تعمیر و نگهداری کارخانه: سیستم معمول تخصیص هزینه‌های کارکنان به محصولات در این شرکت بر مبنای ساعات کار مستقیم می‌باشد. کارکنان این دایره ۹ نفر هستند و هزینه‌های کارکنان آن در سال جاری ۴۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال بوده است.

### تسهیم به روش ABC

مرحله اول:

هزینه‌ها پس از ثبت در دفتر کل و حسابهای معین بر مبنای تعداد کارکنان هر قسمت به مراکز هزینه تسهیم می‌شود.

در قسمت نگهداری روزمره ۵ نفر کار می‌کنند که مبلغ ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به این فعالیت تخصیص داده شده است:

(در مرحله دوم ساعات کار ماشین مبنای تخصیص هزینه قرار می‌گیرد.)

در قسمت نگهداری زمانبندی شده ۲ نفر به کار گرفته شده‌اند که مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به این فعالیت تخصیص یافته است:

(در مرحله دوم دفعات آماده‌سازی مبنای تخصیص هزینه قرار می‌گیرد.)

در قسمت تعمیرات ۲ نفر کار می‌کنند که مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به این فعالیت تخصیص داده شده است:

(تخصیص در مرحله دوم بر مبنای تعداد دفعاتی که ماشین روشن شده است انجام خواهد گرفت.)

مرحله دوم:

در سال ۱۳۷۶ مبنای تسهیم مرحله دوم عبارت بوده است از: ۵۰۰,۰۰۰ ساعت کار ماشین، ۵۰,۰۰۰ بار آماده‌سازی

ماشین‌آلات، ۱۰۰,۰۰۰ بار روشن شدن ماشین‌آلات که به شرح زیر محاسبه می‌شود:

گام اول: مبنای تسهیم هزینه‌ها در هر حوزه فعالیت عبارت است از:

قسمت نگهداری روزمره: برای هر ساعت کار ماشین

$$50 = 500,000 \div 25,000,000$$

قسمت نگهداری زمانبندی شده: برای هر بار آماده‌سازی

$$2000 = 10,000,000 \div 5,000$$

قسمت تعمیرات: برای هر بار روشن کردن

$$100 = 10,000,000 \div 100,000$$

گام دوم: برای تسهیم هزینه‌ها به محصولات تولیدی باید از ارقام به دست آمده از گام اول که در ساخت هر محصول به کار رفته است

هزینه‌یابی ABC از مفاهیم سنتی مثل هزینه‌های ثابت و متغیر بندرت استفاده می‌شود و به جای آن مفاهیم هزینه‌های متغیر کوتاهمدت و هزینه‌های متغیر بلندمدت مورد استفاده قرار می‌گیرند.

### هزینه‌های متغیر کوتاهمدت

هزینه‌های متغیر کوتاهمدت با تغییر میزان فعالیت، کاهش و یا افزایش می‌یابند. هزینه‌هایی که در ارتباط با حجم فعالیت تغییر نمی‌یابند هزینه‌های متغیر بلندمدت نامیده می‌شوند. معمولاً هر چه فعالیت یک شرکت بیشتر گسترش یابد، هزینه‌ها بیش از حد گرایش به متغیر بودن پیدا می‌کنند و هر چه فعالیت محدودتر شود هزینه‌ها بیش از اندازه ثابت خواهند بود. پروفیسور رابرت کاپلن (Robert Kaplan) از دانشگاه هاروارد قابلیت تغییر هزینه‌های ثابت را با قانونی موسوم به قانون یک نشان می‌دهد. وی معتقد است استفاده بیش از یک واحد از هر منبع نشانگر متغیر بودن آن منبع است. با این استدلال هزینه‌های ثابت برای بسیاری از افراد، هزینه‌های متغیر بلندمدت به‌شمار خواهد آمد.

تنوع و پیچیدگی تولید، دو عامل مهم هزینه‌زا هستند که در روش سنتی نادیده گرفته می‌شود. در حالی که این دو موجب تغییر هزینه‌های متغیر بلندمدت می‌شوند. تنوع تولید به ساخت انواع مختلف محصولات تولیدی دلالت می‌کند. پیچیدگی تولید در واقع به تعداد قطعاتی که در تولید محصول به کار می‌روند و یا به پیچیدگی مراحل تولید اطلاق می‌شود.

هر چه تنوع تولید بیشتر شود هزینه‌های متغیر بلندمدت افزایش می‌یابند که علت آن هزینه سربار اضافی است که در انبارداری، آماده‌سازی ماشینها و بازرسی صرف می‌شود.

در مثال ۱ چگونگی هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت (ABC) نشان داده شده است.

اطلاعات جمع‌آوری شده مربوط به فعالیتها و هزینه‌هایی است که در دایره تعمیر و نگهداری کارخانه انجام می‌شود. پس هزینه‌ها بر مبنای فعالیت به محصولات مشخص تقسیم می‌شوند. کل هزینه‌های پرسنلی به سه فعالیت انجام شده در این دایره بر مبنای تعداد کارکنان در هر یک از حوزه‌های فعالیت تسهیم می‌شود. این تسهیم بیانگر این واقعیت است که مبنای قرار دادن فعالیتها در هر قسمت مناسبتر است از اینکه میزان تولید معیار قرار گیرد.

یکی از تولیدات این شرکت محصول X است که تولید آن نسبتاً پیچیده و در بازار تقاضای چندانی ندارد. هزینه‌هایی که طبق

استفاده نمود. مقادیر به دست آمده مربوط به فعالیت محصول X به شرح زیر است:

ساعات کار ماشین ۳۰۰۰۰ ساعت  
تعداد دفعات آماده سازی ۳۰ بار  
دفعات روشن کردن ماشین ۴۰ بار  
و از ۲۰۰۰۰۰ ساعت کار مستقیم در سال ۱۳۷۶ تعداد ۳۰۰۰ ساعت آن مربوط به محصول X بوده است.  
۱۰۰۰۰ واحد محصول در سال ۱۳۷۶ تولید شده است.

تخصیص هزینه به محصول X با استفاده از سیستم ABC

$$(۳۰,۰۰۰ \times ۵۰) + (۳۰ \times ۲,۰۰۰) + (۴۰ \times ۱۰۰) = ۱,۵۶۴,۰۰۰$$

$$۱,۵۶۴,۰۰۰ \div ۱۰,۰۰۰ = ۱۵۶/۴$$

در روش سنتی تخصیص هزینه‌ها به محصولات، هزینه هر واحد به شرح زیر خواهد بود.

$$۴۵۰۰۰,۰۰۰ \div ۲۰۰,۰۰۰ = ۲۲۵$$

$$۳۰۰۰ \times ۲۲۵ = ۶۷۵,۰۰۰$$

$$۶۷۵,۰۰۰ \div ۱۰,۰۰۰ = ۶۷/۵$$

هر واحد محصول ۶۷/۵

اگرچه توضیحات داده شده در سیستم هزینه‌یابی ABC مربوط به شرکتهای تولیدی است اما در شرکتهای خدماتی نیز می‌توان از آن استفاده کرد. بسیاری از شرکتهای برای تسهیم هزینه‌های سربار شرکت از سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت (ABC) استفاده می‌کنند به همین منظور گزارشها، اسناد و مدارک، خریداران و یا هر عامل معقول دیگر را مبنای کار خود قرار می‌دهند.

#### چه زمانی کاربرد سیستم ABC مناسب است

الف - هرگاه در فرایند تولید و ارائه خدمات و یا در خط تولید تغییرات چشمگیری رخ دهد مدیران و حسابداران باید این مسئله را مورد توجه قرار دهند که آیا سیستم موجود آنها قادر است بهای تمام شده محصولات و خدمات را به طور دقیق و اطمینان بخش ارائه دهد. در بسیاری از شرکتهای به علت استفاده از ماشین آلات خودکار (اتوماتیک) دستمزد مستقیم کاهش می‌یابد، اما از سوی دیگر استفاده از این ماشین آلات خود باعث ایجاد هزینه سربار بیشتر خواهد شد. سیستمهای موجود حسابداری اغلب مبنای نامناسبی مانند ساعات کار مستقیم را برای تسهیم هزینه‌ها به کار می‌گیرند. اگر کار مستقیم بخش ناچیزی از بهای تمام شده را تشکیل دهد نمی‌توان آن را مبنای اصلی تسهیم سربار در نظر گرفت، زیرا از یک طرف موجب می‌شود به محصولاتی که کار مستقیم بیشتری می‌برند سربار اضافی تسهیم شود و از طرف دیگر باعث می‌شود به محصولاتی که با ماشین آلات تمام خودکار (اتوماتیک) تولید می‌شوند سربار لازم تسهیم نشود.

ب - تغییر در شرایط رقابتی شرکت ایجاد می‌کند که

اطلاعات دقیقتری در مورد بهای تمام شده کالا در اختیار مدیران گذاشته شود. هرگاه شرکتهای به این نتیجه برسند که محصول تولیدی و یا کالای خاصی بالقوه سودآور است و با توجه به هزینه‌های مربوط تولید یا ارائه خدمات عملی است، آنگاه ممکن است رقابت افزایش یابد. اگر شرکتهای جدید وارد بازار رقابت شوند مدیران باید هزینه‌های ساخت و یا ارائه خدمات را با دقت بیشتری محاسبه کنند تا بتوانند به حاشیه سود دقیقتری دست یابند.

ج - تغییر در سیاستهای مدیریت نیز می‌تواند نیاز به یک سیستم جدید را فراهم آورد. به عنوان مثال اگر مدیریت بخواهد تولید محصول جدیدی را شروع کند. سیستم هزینه‌یابی باید قادر باشد اطلاعات لازم از چگونگی تغییر هزینه‌ها را ارائه دهد. اگر هزینه‌ها را با روش سنتی به هزینه‌های ثابت و متغیر تفکیک کنیم نمی‌توانیم اطلاعات لازم را جهت کارآئی بیشتر به دست آوریم. استفاده از هزینه‌های متغیر کوتاه مدت و بلندمدت به مدیران این امکان را می‌دهد که عوامل هزینه و تغییرات ناشی از سیستم جدید را در فعالیتها و هزینه‌ها مورد توجه قرار دهند.

امروزه بسیاری از شرکتهای به دنبال بهسازی مداوم در جهت ارتقای سطح مهارت کارکنان، افزایش کیفیت کالا و بهبود روشهای ارائه خدمات هستند. در بهسازی مداوم، حذف فعالیتهای غیر ارزشزا، کوتاه کردن دوره تولید کالا و ارائه خدمات بدون عیب و نقص، کاهش هزینه‌های تولید و ساده کردن فرایند تولید مورد توجه می‌باشد.

امروزه شرکتهای با داشتن رایانه و نرم افزارهای سیستم ABC توانایی به کارگیری سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت را دارا هستند.

د - یکی دیگر از هدفهای مدیریت می‌تواند مربوط به تغییر در رفتار کارکنان باشد. اگرچه در سیستم هزینه‌یابی سنتی ممکن است که تغییر در رفتار کارکنان مورد تشویق واقع شود، اما در سیستم هزینه‌یابی ABC این امر جایگاه ویژه‌ای دارد و توجه خاصی به آن می‌شود.

پی نوشت

- 1- Activity Based Costing
- 2- Value- added activity
- 3- Non- value- added activity
- 4- Manufacturing cycle efficiency

منبع

Cost Accounting, Traditions and Innovations, second edition, 1994, Annotated Instructor's Edition, by Jesse T.Barfield, Cecily A. Raiborn and Michael R. Kinny, West Publishing Co.

# تینه

معرفی مینماید

## نظام<sup>®</sup> جامع

اولین و جامع ترین نرم افزارهای اتوماسیون  
مالی و اداری بر روی Windows NT/95/98

حسابداری مالی      دپو خانه  
انبارداری و حسابداری      چک  
خرید      فروش  
پرسنلی      حقوق و دستمزد

تهران - سعادت آباد - سرو غربی - پلاک ۲۹  
تلفن : ۲۰۷۳۱۴۸ - ۲۰۷۲۱۹۳ فاکس : ۲۰۹۱۲۳۱

قابل توجه

فروشنندگان نرم افزارهای مالی

خریداران نرم افزارهای مالی

راهنمای نرم افزارهای مالی

از شماره آینده

مجله حسابدار

۱۸۹۳۹۶۷ - ۸۹۰۵۹۲۰

# ACCA

*Looking for a career in accountancy and finance?*

*Find out how.*

*Are you looking for a qualification which will open up a world of opportunities in the fields of accountancy and finance?*

The ACCA qualification is the answer. This qualification will give you a thorough grounding in all aspects of accountancy, whilst demonstrating to employers that you are competent to work as managers in all aspects of accountancy and finance. Upon completion of the examinations and a training period, you will be able to call yourself an ACCA member.

To find out more, please contact our ACCA Iran representative under the following number:

Tel: 8730141 - 8733033 Fax: 8735552

## آینده حسابداری

این صورتها فن آوریهایی را ارائه می کنند و آنها را بر جوامع اسلامی تحمیل می نمایند. نه اینکه با فرهنگ این جوامع تطبیق داده شوند. به هر حال، فشار و تاکید بر روی هدفها خواهد بود چرا که یک سیستم حسابداری می تواند خدمت ارائه کند و این در ارتباط با مذهب باید به عنوان یک هدف معنوی تلقی شود. استدلال من بر این متمرکز است که باید یک شکل از صورتهای مالی را که با اصول اسلامی مورد ادعای ما سازگارتر از صورتهای مالی غربی باشد تهیه و استخراج نماییم و یا شاید فراتر از این باید به دنبال تدوین یک تئوری حسابداری برای مبادلات در چارچوب مقررات اسلامی و تهیه گزارش برای شرکتهای اسلامی به طور خاص باشیم. آن هم به این صورت که این تئوری توصیفی و در سطح ساختاری نباشد، بلکه باید یک تئوری در سطح مفهومی و معنایی و یا بهتر است فراتر از آن

رفتاری تدوین نمود تا با هدفهای اسلامی سازگار باشد.

به نظر من زمینه های اخلاقی موجود در اسلام به قدری قوی و غنی هستند که دفاع از جایگزینی صورت ارزش افزوده به جای صورت سود و زیان سنتی را ایجاب می کند.

در خاتمه باید گفت برای آینده حسابداری کشورمان امیدواریم که با توسعه یک تئوری خاص (اسلامی) شکل صحیح گزارش شرکتهای اسلامی را مورد بحث قرار دهیم و هدفهای خاصی را که گزارش باید بر اساس آن تهیه شود تحلیل نماییم.

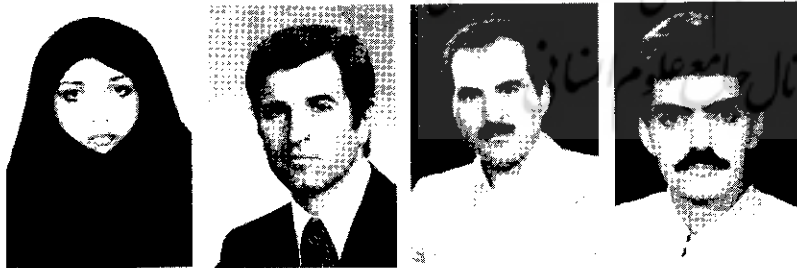
پی نوشت

- 1- Generally Accepted Accounting Principles (GAAP)
- 2- Financial Accounting Standard Board (FASB)
- 3- Islamic Corporate Reporting (ICR)
- 4- Financial Accounting Statement Islamic (FASI)
- 5- Financial Accounting Statements (FAS)

## منابع

- 1- Miller, V and M. Porter, 1989 "How Information gives you a competitive advantage". Republished in evaluation in redtion. Howerad Bussiness Review 62-83. 1991
- 2- Steven M.H Wallmen "The Future of Accounting ..." Accounting Harizons Vol.11 No. 2, June 1997 PP 103-116
- 3- Nabil Baydoun and Roger Willet, Islamic Corporate Reports, 9th February 1997
- 4- Hendrikson, Eldon's. Accounting Theory, Chapter 10, 5th edition, 1992
- 5- Steven M.H Wallmen "The Future of Accounting ..." Accounting Harizons Vol. 10 No. 4, December 1996 PP 76-97
- 6- Gambling, T. and R.Abdel Karim, "Islamic and Social Accounting", Journal of Business Finance and Accounting, spring 1986, PP.39-50
- 7- Hendriksen, Eldens. Accounting Theory, Chapter 10, 5th edition, 1992
- 8- Accounting Harizons, Vol 9, No.3, September 1995, pp 81-91
- 9- ----, Vol 10, No.2, June 1996, pp 138-148
- 10- ----, Vol 10, No.4, December 1996, pp 76-93
- 11- ----, Vol 10, No.2, June 1996, pp 113-124

## تسلیت



آقایان جواد توسلی یوسف آبادی، هنریک الهوردیان، محمود ولی ملایرو خانم فریده پوررضوانروح از اعضای انجمن دار فانی را وداع گفته اند. این مصیبت را به بازماندگان آنان تسلیت گفته و برایشان بردباری آرزو مندیم.

انجمن حسابداران خبره ایران

## تسلیت

آقایان هدایت اله آراسته و بیژن عراقی از اعضای انجمن هر یک به سوگ عزیزی نشسته اند. مصیبت وارده را به آنان تسلیت گفته و برایشان صبر و بردباری آرزو مندیم.

انجمن حسابداران خبره ایران